



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

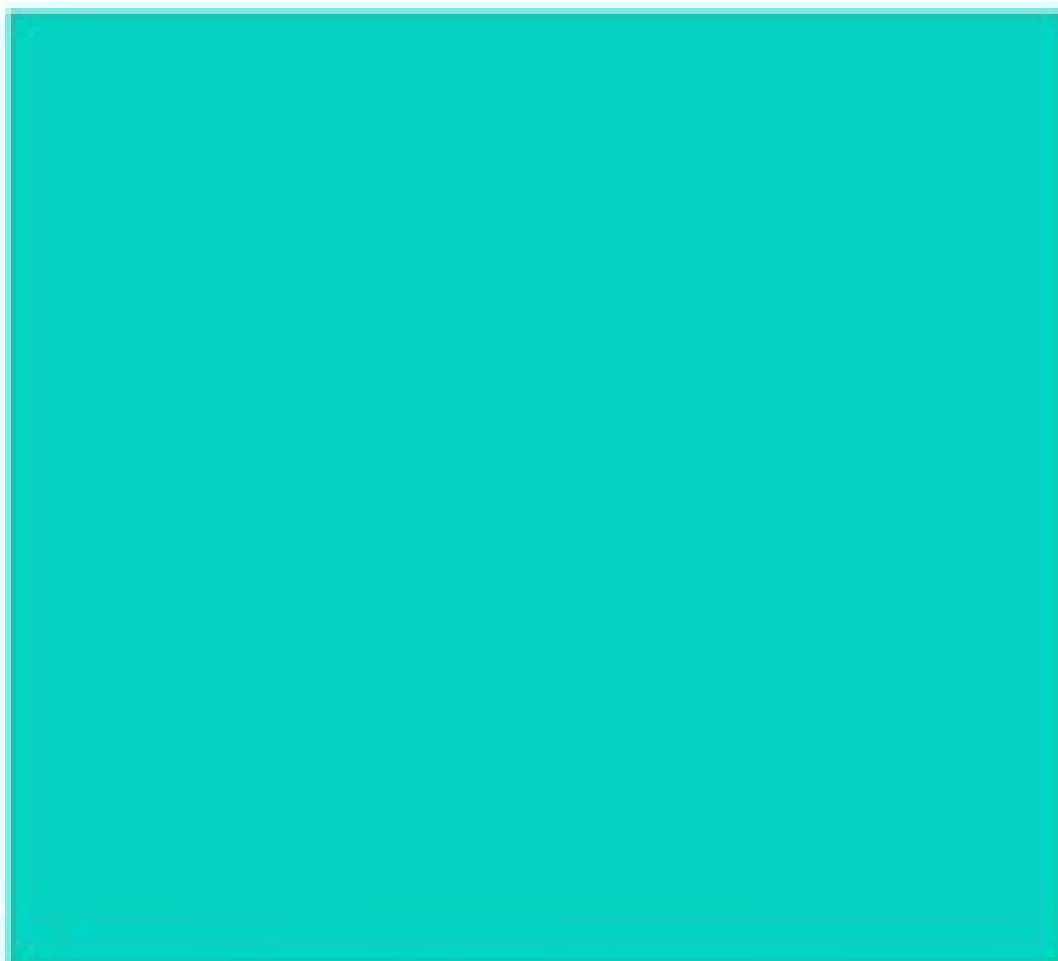
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



مجموعه پژوهش‌های اسلامی جلد دوم

رسالت شعر دینی در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی

محمود سوری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالت شعر دینی در جنبش های اجتماعی و سیاسی

نویسنده:

محمود سوری

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	رسالت شعر دینی در جنبش های اجتماعی و سیاسی
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۴	دبیاچه
۱۷	پیش گفتار
۲۰	فصل نخست: کلیات
۲۰	۱. طرح موضوع
۲۲	۲. اهمیت پژوهش
۲۳	۳. اهداف پژوهش
۲۴	۴. پیشینه پژوهش
۲۶	۵. مفهوم شناسی شعر
۲۹	۶. تفاوت شعر و نظم
۳۰	۷. شعر خوب
۳۲	۸. شعرهای مرتبط با دین
۳۲	اشاره
۳۳	الف) شعر مذهبی
۳۵	ب) مدیحه مذهبی
۳۶	ج) مرثیه مذهبی (شعر شهادت)
۳۶	د) شعر عرفانی
۳۷	ه) حماسه دینی
۳۸	و) شعر پایداری
۳۹	ز) شعر اخلاقی
۳۹	۹. مفهوم شناسی جنبش

۳۹	اشاره
۴۰	الف) تعریف جنبش
۴۰	ب) انواع جنبش
۴۰	ج) ویژگی های جنبش
۴۱	د) مراحل جنبش
۴۱	ه) کارکرد جنبش
۴۲	و) اهداف جنبش
۴۲	۱۰. رابطه شعر و جنبش
۴۵	فصل دوم: جایگاه و چیستی شعر دینی
۴۵	۱. جایگاه شعر و شاعری در دین اسلام
۴۵	الف) شعر جاهلی
۴۶	ب) شعر در قرآن
۴۹	ج) شعر در کلام معصومان
۴۹	اشاره
۵۰	یک شعر متعهد
۵۱	دو شعر مبتذل
۵۳	سه شعر و آل الله
۵۴	چهار شاعران نمونه
۵۵	۲. چیستی و تعریف شعر دینی
۶۲	۳. چارچوب نظری
۶۲	اشاره
۶۳	الف) هنر برای هنر
۶۴	ب) نقد هنر برای هنر
۶۶	ج) نظریه «شعر متعهد، هدفمند و جنبش آفرین»
۶۶	اشاره
۶۶	یک تعهد

۶۸	دو هدفمندی
۶۹	سه جنبش آفرینی
۷۱	فصل سوم: شعر دینی و جنبش آفرینی
۷۱	اشاره
۷۱	۱. ویژگی های شعر دینی
۷۱	اشاره
۷۱	الف) پیوند با قرآن و حدیث
۷۳	ب) ولایت محوری (غدیر)
۷۶	ج) حماسه و شهادت طلبی (عاشورا)
۷۹	د) کمال گرایی و آرمان خواهی (انتظار موعود)
۸۲	ه) مبارزه با رفاه طلبی و نمایندگی طبقه محروم
۸۴	و) دوری از ابتذال و بحران هویت
۸۵	۲. بررسی مصداقی شعر جنبش آفرین
۸۵	اشاره
۸۶	الف) شعر پیش از مشروطه
۸۶	اشاره
۸۹	یک حافظ
۹۱	دو عبید زاکانی
۹۲	سه سیف فرغانی
۹۵	ب) شعر مشروطیت
۹۵	اشاره
۱۰۲	یک عشق به دین و وطن
۱۰۶	دو مبارزه با ستم شاهان با بهره گیری از معارف دین
۱۰۸	سه اتحاد مسلمانان
۱۱۲	چهار انقلاب
۱۱۳	پنج شهادت

- ج) شعر در عصر پهلوی اول ۱۱۴
- د) شعر در عصر پهلوی دوم ۱۱۸
- یک ادبیات مطلوب رژیم ۱۱۸
- دو شاعران روشن فکر ۱۱۹
- اشاره ۱۱۹
- اول مرگ و نومییدی ۱۲۰
- دوم پناه بردن به افیون ۱۲۰
- سوم ستیز با اخلاقیات حاکم بر جامعه ۱۲۲
- سه انواع شعر سیاسی دوره پهلوی دوم ۱۲۲
- اشاره ۱۲۲
- اول اشعار سیاسی چپ گرا ۱۲۲
- دوم اشعار سیاسی ملی گرایانه ۱۲۳
- سوم اشعار سیاسی اسلامی ۱۲۳
- چهارم اشعار سیاسی سلطنت طلب ۱۲۴
- ه) شعر دینی پیش از انقلاب اسلامی ۱۲۴
- اشاره ۱۲۴
- یک مبارزه با استبداد و اختناق ۱۲۸
- اشاره ۱۲۸
- اول نکوهش کودتای ۲۸ مرداد ۱۲۹
- دوم انتقاد از برنامه های فرهنگی رژیم ۱۳۱
- سوم مخالفت با انقلاب شاه و مردم ۱۳۳
- چهارم مخالفت با ساواک ۱۳۵
- پنجم انتقاد از حضور مستشاران خارجی در ایران ۱۳۷
- ششم مخالفت با تشکیل حزب رستاخیز ۱۳۹
- هفتم انتقاد از برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله ۱۴۱
- دو امام خمینی(ره) در شعر پیش از انقلاب ۱۴۴

- سه وصف آزادی و زندانیان دربند ۱۵۰
- چهار بزرگداشت شهیدان نهضت و برخی مخالفان رژیم ۱۵۴
- اشاره ۱۵۴
- اول جهان پهلوان غلام رضا تختی ۱۶۰
- دوم جلال آل احمد ۱۶۵
- سوم شهید آیت الله محمدرضا سعیدی ۱۶۵
- چهارم دکتر علی شریعتی ۱۶۷
- پنجم جلال آل احمد و دکتر علی شریعتی ۱۶۹
- پنج قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ ۱۷۱
- شش قیام هفده شهریور ۱۳۵۷ ۱۷۳
- (و) شعر دینی پس از انقلاب اسلامی ۱۷۷
- اشاره ۱۷۷
- یک حضور مذهب و نمادهای آن ۱۸۱
- اشاره ۱۸۱
- شب های کوفه ۱۸۲
- فقط شبیه خودت هستی ۱۸۳
- خورشید و ماه ۱۸۴
- ممنوع! ۱۸۴
- ستایش ها ۱۸۶
- یا علی موسی الرضا(علیه السلام) ۱۸۸
- غزل بهار ۱۹۱
- با تمام انتظار ۱۹۲
- دو مردمی شدن ۱۹۳
- سه پرهیز از نمادگرایی ۱۹۴
- چهار غفلت ستیزی و دعوت به بیداری ۱۹۵
- پنج مبارزه با طبقه روشن فکر غرب زده ۱۹۵

- شش به کارگیری قالب های مختلف شعری ۱۹۶
- هفت ورود مسائل سیاسی اجتماعی به شعر انقلاب ۱۹۶
- اشاره ۱۹۶
- اول امام خمینی(ره) ۱۹۷
- دوم مقام معظم رهبری ۲۰۰
- سوم دفاع مقدس و شهیدان انقلاب اسلامی ۲۰۲
- چهارم حج خونین ۱۳۶۶ ۲۱۶
- پنجم هم دردی با دیگر مسلمانان ۲۲۶
- نکته پایانی: وظایف شعر انقلاب ۲۳۴
- فصل چهارم: همراه با برنامه سازان ۲۳۶
- اشاره ۲۳۶
- معرفی کارشناسان ۲۳۷
- موضوع های پیشنهادی ۲۳۷
- پرسش های کارشناسی ۲۳۹
- کتاب های مناسب برای معرفی در رسانه ۲۴۲
- پنج مناسبت؛ پنج گونه شعر دینی ۲۴۴
- کتاب نامه ۲۴۶
- الف) کتاب ها ۲۴۶
- ب) نشریه ها ۲۵۸
- درباره مرکز ۲۶۰

سرشناسه: سوری، محمود، ۱۳۵۷

عنوان و نام پدیدآور: رسالت شعر دینی در جنبش های اجتماعی و سیاسی / محمود سوری؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: [۶]، ۱۸۲ ص.: جدول.

فروست: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۵۴۷.

شابک: ۲۶۰۰۰ ریال ۹۷۸۶۰۰۵۵۶۳۴۵۰

وضعیت فهرست نویسی: فایا (برون سپاری).

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۷۱] ۱۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: شعر مذهبی فارسی جنبه های اجتماعی

موضوع: شعر فارسی جنبه های اجتماعی

موضوع: شعر فارسی قرن ۱۴ جنبه های اجتماعی

موضوع: ادبیات فارسی جنبه های سیاسی

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: PIR۳۶۰۴/س ۵ر۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۱/۰۰۹۳۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۳۱۰۹۰

ص: ۱

همان گونه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا»^(۱) برخمی سخنان، افسونگرند. بی گمان، مصداق آشکار یا برترین مصداق «بیان افسونگر»، شعر یا نثر آهنگین و موسیقایی است؛ چرا که در این گونه از سخن، زیبایی «ظاهر» و «معنا» و گیرایی «ساختار» و «مفهوم» یک جا کنار هم گردآمده است. پس می تواند بسی اثرگذارتر از بیانی باشد که ساختارش، دل انگیز، ولی تهی از معناست یا مفهومش، دلکش است، ولی ظاهری زیبا ندارد. پس شعر و نثر ادبی می تواند اثر بگذارد، تغییر ایجاد کند و در اوج اثربخشی خویش، به جنبش دامن زند.

به تعبیر یکی از اندیشمندان، «طبق ناموس طبیعی، این چگونگی که خداوند در طبیعت انسان نهاده است که به سوی زیبایی جذب می شود از جمله کلام زیبا، پس هر فکر و اندیشه و مکتبی که از عنصر بلاغت، بیشتر استفاده کند، از ادبیات قوی تر و غنی تر برخوردار خواهد بود و پیروزی بیشتری کسب می کند. حتی مکتب هایی را می توان یافت که بیشتر از هر چیز به خاطر ادبیاتشان نفوذ کرده و مانده اند. در این باره بیشتر متفکران غربی چنان از نیروی بلاغت و تأثیر ادبیات استفاده کرده اند که در موارد متعددی، یک عرضه ادبی استادانه، صورت یک مکتب فلسفی یافته است و بسیار تأثیر نموده و طرفدار پیدا کرده است... متفکران... از اهمیت ادبیات و

ص: ۱

۱- متقی هندی، کنز العمال، عمان، بیت الافکارالدولیه، ۲۰۰۵م، ج ۳، ص ۳۹۴، ح ۸۰۰۵.

کیفیت سخن و بهره برداری از آن غفلت نکرده اند. همین گونه پیروان مکاتب جدید، همواره کوشیده اند تا افکار خویش را از طریق خلق آثار ادبی نشر دهند. علت عمده نفوذ این مکاتب، ادبیات آن مکاتب است، نه ابتکار، یا اصالت، یا عمق تفکر».

(۱)

شاعران بزرگی همانند فردوسی، نظامی، مولوی، سعدی، حافظ، حسان، کمیت اسدی، فرزدق و لبید، جاودانگی و مانایی خود و اندیشه هایشان را وامدار «افسون شاعری» خویش هستند؛ افسونی که اگر با تبیین درست اندیشه ورزان و آن گاه اقبال شایسته جامعه روبه رو شود، بی اختیار دل ها را به سوی خویش جذب می کند و به هر کس به اندازه ای که از این جام های سرشار نوشیده اند، پویایی، حرکت و جنبش می بخشد. در این باره می بینیم قرآن کریم بسی بیشتر و فراتر از شاعران بلیغ و فصیح، قانون بلاغت و فصاحت را رعایت کرده است و بدین گونه، سببی مستقل و یکی از اثرگذارترین عوامل کشش دل های ذوق مند و سلیم را به سوی زیبایی های سرشار نهفته در خویش، شکل داده است.

به تعبیر زنده یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب:

مسلمین به ترجمه شعر و درام یونانی علاقه ای نشان ندادند؛ نه فقط بدان سبب که شعر و درام یونانی، با اساطیر و عقاید قوم، مخلوط بود و نمی توانست مورد توجه اهل اسلام باشد، بلکه نیز بدان جهت که هدف از تعلم آن، بلاغت یونانی بود که با وجود بلاغت قرآن، نزد مسلمین طالب نداشت. (۲)

ص: ۲

۱- محمدرضا حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، قم، دلیل ما، ۱۳۸۴، چ ۱۳، ص ۷.

۲- عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰، چ ۷، ص ۴۹.

اثر ارزشمند رسالت شعر دینی در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی به‌خامه پژوهشگر ارجمند و توانا، آقای محمود سوری، کاوشی است در سیر ادبیات دینی و مروری است بر برخی مصداق‌های اثرگذاری آن در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی.

بی‌گمان، چهره کهن ادبیات میهن‌ما، با وجود استغنائیش و بهره‌داشتن از ژرف‌ترین جان‌مایه‌ها، هنوز چنان‌که درخور آن است، غبارروبی نشده و به‌طور کامل از حاشیه‌نشینی و انزوا برون‌نیامده است. تردیدی نیست که یکی از شیوه‌های غبارروبی این تندیس ملی و اسلامی و از عوامل رهنیدن این شاهد بازاری از پرده‌نشینی، تهیه و تنظیم آثاری است که در آن به تأثیرگذاری و فرهنگ‌سازی ادب فارسی اشاره شده است. کتاب گران‌سنگ رسالت شعر دینی در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، گامی است ارزشمند در راه نزدیک شدن به این هدف مبارک. به امید دست‌یابی کامل به چنان‌هدف خیزش‌آفرین.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید

هم مگر پیش‌نهد لطف شما گامی چند (۱)

انه ولی التوفیق

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

ص: ۳

طرح اصلی این کتاب، مربوط به سال‌های ۸۳ و ۸۴ است و نوشتن آن نیز در سال‌های ۸۵ و ۸۶ پایان پذیرفت، ولی در مرحله ارزیابی و چاپ، گاه به مشکلاتی برمی‌خورد، که مجال پرداختن به آن نیست. غرض اینکه به یقین اگر اکنون قصد نوشتن مطلبی درباره شعر دینی داشتم، به لون دیگری در می‌آمد و سر و شکل دیگری می‌یافت؛ چراکه در طول این مدت که نوشتن کتاب به اتمام رسید و در انتظار چاپ بود، کتاب‌ها و مقاله‌های خوبی در موضوع شعر دینی نوشته شده است که صاحب این اثر، دیگر فرصت استفاده از آنها را جهت بازنگری در کتاب خود به دست نیاورد و آن را به شکلی که ملاحظه خواهید کرد، تقدیم خوانندگان می‌کند. در اینجا، فرصت را مغتنم می‌شمرم و از چند عزیز که در طول مدت تحقیق و نگارش، از حمایت‌ها، راهنمایی‌ها و خدماتشان بهره برده‌ام، سپاس‌گزاری می‌کنم:

از مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، که با اعتماد به صاحب این قلم، فرصت نوشتن این کتاب را فراهم آورد؛

از دکتر سید حسین اسحاقی، مدیر کل پژوهش‌های زمان نوشتن این کتاب، که اگر پی‌گیری‌ها و البته راهنمایی‌های ایشان نبود، این نوشته به ثمر نمی‌رسید؛

از جناب حجت الاسلام نصرالله آقاجانی، مدیر وقت گروه جامعه شناسی مرکز، که در فراهم آوردن طرح نامه مقدماتی اثر، یاری ام کردند؛

از استاد محقق و شاعر ارجمند، محمدعلی مجاهدی (پروانه) که زحمت ارزیابی این اثر را پس از نگارش متحمل شدند؛

از رفیق شفیقم، سید محمود طاهری، مدیر گروه ادبیات و اقتصاد مرکز، که با بازخوانی کتاب، نکات سودمندی را یادآور شدند و زحمت نوشتن دیباچه را متقبل گردیدند؛

از دوست گرامی، علی حائری، مدیر محترم چاپ و نشر و همکارانشان، به ویژه ویراستاران محترم، محمدصادق دهقان و رقیه چاوشی که بر ویراستاری این جانب نظارت کردند؛

از سرورم، محمد شبستری، مدیر کتاب خانه تخصصی ادبیات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، که منابع مورد نیاز را بی دریغ در اختیارم نهاد؛

در پایان و از همه مهم تر، از همسرم، که اگر حمایت ها و فراهم آوردن محیطی مناسب تحقیق از سوی او نبود، این کتاب هیچ گاه به ثمر نمی نشست.

والحمد لله رب العالمین

محمود سوری زمستان ۱۳۸۸

ص: ۵

۱. طرح موضوع

بشر از دیرباز با شعر سروکار داشته است و در تمامی جریان های زندگی او، ردپایی از شعر دیده می شود؛ در شادی ها، غم ها، جنگ ها، پیروزی ها، انقلاب ها و... به قول زنده یاد جلال آل احمد:

شعر، چاشنی نوشته و گفتارمان است، موضوع سخن است، وسیله مدح و ثنا و در یوزگی است، آن را حفظ می کنیم، از راهش نان می خوریم، به آن مثل می زنیم، سرنوشت خود را در آن می بینیم. (۱)

و خلاصه، شعر، سراسر زندگی ما ایرانی ها را تسخیر کرده است. جالب اینکه نخستین شعر را آدم ابوالبشر (علیه السلام) سروده، و جالب تر آنکه شعر سروده شده او، مرثیه، یکی از گونه های شعر دینی بوده است. امیر دولت شاه سمرقندی، در تذکره الشعراء می نویسد:

علمای آثار اتفاق کرده اند که اول کسی که در عالم شعر گفت، آدم صفی (علیه السلام) بود و سبب آن بود که چون به فرمان ربّ الارباب، آن مظهر پاک به عالم خاک هبوط فرمود، ظلمت این زندان فانی به چشمش ناخوش نمود. گِرد عالم به ندامت و ماتم می گردید و «رَبَّنَا ظَلَمْنَا» گویان، جویای

ص: ۷

عفو کریم مَنان می بود، و بعد از خلقت غفران، به دیدار زوجه و بعد از آن قدوم اولاد کرام، متسلّی شد. در آن حال، هابیل مظلوم را قایل می‌شوم بکشت و آدم را باز داغ غربت و ندامت تازه شده، در مذمت دنیا و مرثیه فرزند شعر گفت. (۱)

از حضرت علی (علیه السلام) هم درباره نخستین سراینده شعر پرسیدند. ایشان فرمود: آدم (علیه السلام) بود که وقتی از آسمان به زمین هبوط کرد و خاک و گستردگی آن را دید و قایل هم هابیل را کشت، سرود:

تَغَيَّرَتِ الْبِلَادُ وَ مَنْ عَلَيْهَا

فَوَجَّهَ الْأَرْضِ مُعَبَّرٌ قَبِيحٌ

تَغَيَّرَ كُلُّ ذِي لَوْنٍ وَ طَعْمٍ

وَ قَلَّ بِشَاشِهِ الْوَجْهَ الْمَلِيحُ (۲)

پس شعر دینی، پیشینه ای به گستردگی تاریخ حیات بشر روی این کره خاکی دارد. حال باید دید آیا این شعر، در جنبش های گوناگون دینی و اجتماعی، خود را کنار کشیده و تنها به نظاره نشسته، یا اینکه به طور فعال در این جنبش ها دخالت کرده است؟

به نظر می رسد رابطه این شعر و اجتماع مردمان، دو سویه است؛ زمانی شعر دینی بر مردم و رفتار اجتماعی شان اثر گذاشته، و گاه مردم بر شعر دینی، که حاصل آن، پدید آمدن انواع شعر با سبک های گونه گون است.

ص: ۸

-
- ۱- امیر دولت شاه سمرقندی، تذکره الشعراء، به همت: محمد رضائی، تهران، پدیده خاور، آبان ۱۳۶۶، چ ۲، ص ۱۸.
 - ۲- سرزمین ها و ساکنان آنها دگرگون شده، و روی زمین، غبار آلود و زشت گشته؛ هر آنچه رنگ و بویی دارد، تغییر کرده، و شادی چهره نمکین کم شده است. (محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه با ترجمه فارسی، برگردان: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، پاییز ۱۳۷۹، چ ۲، ج ۶، صص ۲۷۶۶ و ۲۷۶۷) البته روشن است که در زمان حضرت آدم (علیه السلام)، زبان عربی وجود نداشت و امام علی (علیه السلام)، مضمون شعر جناب آدم (علیه السلام) را به عربی نقل کرده است.

شاهد این تأثیرپذیری شعر از اجتماع، در تعریف ملک الشعراء بهار از سبک شعر نمود پیدا می کند، آنجا که می نویسد:

سبک شعر، یعنی مجموع کلمات و لغات و طرز ترکیب آنها، از لحاظ قواعد زبان و مفاد معانی هر کلمه در آن عصر، و طرز تخیل و ادای آن تخیلات از لحاظ حالات روحی شاعر، که وابسته به تأثیر محیط و طرز معیشت و علوم زندگی مادی و معنوی هر دوره باشد. آنچه از این کلیات حاصل می شود، آب و رنگی خاص به شعر می دهد که آن را «سبک شعر» می نامیم. (۱)

ما در این نوشتار، برآنیم افزون بر شناخت گونه های شعر دینی و تعریف و ویژگی های آن، نقش این نوع شعر را در جنبش های اجتماعی و سیاسی بررسی کنیم.

۲. اهمیت پژوهش

در پدید آمدن هر جنبش، عوامل گوناگونی دخالت دارد. یکی از عواملی که کم و بیش در تمامی جنبش های اجتماعی و سیاسی، سهمی گرچه اندک به خود اختصاص داده، ادبیات و به ویژه شعر است. از میان گونه های شعر نیز شعر دینی در قالب های گوناگون خود، به شکل روشنی در این جنبش ها نقش داشته است. برای نمونه، شورآفرینی هایی که شعر در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و نیز جنگ تحمیلی در جامعه پدید می آورد، هنوز در خاطر کسانی که آن زمان را درک کرده اند، زنده و پابرجاست.

از سوی دیگر، با گذشت بیش از ربع قرن از انقلاب شکوهمند اسلامی و دست و پنجه نرم کردن آن با انواع تنگناها مثل جنگ تحمیلی، تحریم های

ص: ۹

۱- محمدتقی بهار، بهار و ادب پارسی، به کوشش: محمد گلبن، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۷۱، چ ۳، ج ۱، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

گوناگون اقتصادی و شیخون فرهنگی، لزوم کار فرهنگی و از جمله آشناسازی جامعه جوان ایران اسلامی با عوامل نقش آفرین در پیروزی انقلاب، بیش از پیش آشکار شده است. در این میان، نباید از رسالت صدا و سیما در تبیین این عوامل و چگونگی پدید آمدن این جنبش دینی اجتماعی غافل ماند. بدون تردید، در میان این عوامل، باید سهمی هم برای هنر و ادبیات به ویژه شعر دینی در نظر گرفت.

نکته پایانی آنکه ضرورت پرداختن به این بحث زمانی ملموس می شود که می بینیم کمتر مقاله و کتابی به شعر دینی (۱) پرداخته است. نه آن را تعریف کرده اند و نه ویژگی هایش را برشمرده اند؛ چنان که نویسنده ای معتقد است: «هیچ قلمی در تعریف شعر دینی به گردش در نیامده است.» (۲) بحث از رسالت شعر دینی در جنبش های اجتماعی و سیاسی نیز که جای خود دارد و اصلاً به آن پرداخته نشده است. از این رو، با توجه به اهمیت و ضرورت پیش گفته، در این نوشتار، به بحث از شعر دینی و نقش آن در جنبش های اجتماعی و سیاسی می پردازیم.

۳. اهداف پژوهش

هدف کلی نوشتار حاضر، «بررسی رسالت شعر دینی در جنبش های اجتماعی و سیاسی» است. (۳) اهداف جزئی زیر نیز در این نوشته، پی گیری می شود:

ص: ۱۰

۱- منظور، عنوان «شعر دینی» است. بدیهی است استادان بارز ادبیات، انواع شعر مرتبط با دین، مثل شعر مذهبی، شعر آیینی و ... را تعریف کرده اند که نباید به سادگی از کنار آن گذشت.

۲- صادق رحمانی، «کوتاه درباره شعر دینی»، روزنامه جام جم، ۲۳ / ۸ / ۱۳۷۹.

۳- البته بدیهی است که منظور، شعر دینی فارسی است، نه زبان های دیگر مثل عربی، ترکی، تاجیکی و ...، که هر کدام تحقیق های جداگانه ای می طلبد.

۱. تبیین و توضیح چیستی شعر دینی؛

۲. بررسی ویژگی های شعر دینی؛

۳. نشان دادن جایگاه شعر و شعر دینی در دین مبین اسلام؛

۴. بررسی نظریه «هنر برای هنر» و نقد آن؛

۵. تبیین نظریه «شعر متعهد، هدفمند و جنبش آفرین»؛

۶. بررسی مصداقی برخی از جنبش های اجتماعی و سیاسی و نشان دادن نقش شعر دینی در آن.

۴. پیشینه پژوهش

با کمال تأسف، در طول سالیان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، چندان به طور جدی به بحث از شعر دینی و نقش آن در جنبش های اجتماعی و سیاسی پرداخته نشده است. البته در مورد زیرشاخه های این گونه شعر، مثل شعر مذهبی، شعر پایداری و دفاع مقدس و نیز شعر عاشورایی، تک نگاری هایی ارجمند صورت گرفته و بضاعت تحقیقی اندکی فراهم آمده است. برای نمونه، به برخی از آنها اشاره می کنیم:

کتاب ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات (۱) که مجموعه مقالات کنگره «بررسی تأثیر امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر» را در بر گرفته، به تفصیل در دو جلد به جنبه های گوناگون ادبیات و شعر انقلاب اسلامی پرداخته است.

ص: ۱۱

۱- کنگره بررسی تأثیر امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر، ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مهر ۱۳۷۷ و جلد دوم: بهار ۱۳۷۸.

در کتاب شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم (۱) نوشته احمد درستی، راجع به شعر سیاسی بحث شده است. نویسنده در فصلی از کتاب با عنوان «اشعار سیاسی اسلامی» به شعر دینی جنبش آفرین در دوران پهلوی دوم می پردازد.

شاعر محترم محمد علی مجاهدی (پروانه) در کتاب شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، (۲) به ادبیات و شعر عاشورایی پرداخته و از آن بحث کرده است.

ضیاءالدین ترابی در کتاب شکوه شقایق، (۳) به نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس می پردازد. نویسنده در این کتاب، هشت مجموعه شعر شاعران دفاع مقدس را نقد می کند و در پایان هر فصل، یکی از بهترین اشعار هر شاعر را به چالش می کشد.

فصلنامه شعر، شماره ۳۹ خود (دی ماه ۱۳۸۳) را ویژه نامه دفاع مقدس و پایداری قرار داده است و در آن، استادان شعر فارسی، به طور مفصل به شعر جنگ، مقاومت و دفاع مقدس پرداخته اند.

با وجود این ذخایر گران بها که باید از همه نویسندگان آن سپاس گزاری کرد و نیز نوشته های دیگری که مجال پرداختن به آنها نیست، هنوز در مورد عنوان عام شعر دینی، تعریف آن، بیان ویژگی های این نوع شعر و نقش آن در جنبش های اجتماعی و سیاسی، قدمی برداشته نشده است.

ص: ۱۲

۱- احمد درستی، شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۲- محمد علی مجاهدی (پروانه)، شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، قم، مرکز تحقیقات سپاه، چاپ نخست، ۱۳۷۹.

۳- ضیاءالدین ترابی، شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس)، قم، مؤسسه فرهنگی سماء، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

این نوشته، خود را موظف می‌داند با پرهیز از دوباره کاری و با جبران نقص‌های احتمالی نوشته‌های پیشین و کامل‌تر کردن آن، به شعر دینی بپردازد و آن را به تفصیل بررسی کند.

۵. مفهوم شناسی شعر

ادب پژوهان گیتی، فراوان، شعر را تعریف کرده‌اند، ولی این تعریف‌ها، هیچ‌کدام موردپسند همه آنها قرار نگرفته است. علت آن است که شعر، پدیده‌ای معنوی است و ما که پدیده‌های دیدنی و مادی را هم نمی‌توانیم کامل و درست تعریف کنیم، چگونه می‌توانیم به حقیقت شعر برسیم و از عهده تعریف آن برآیم. به قول شاعر متعهد، زنده یاد قیصر امین پور:

چه خوش خیالند آنان که با فرمول ساده «جنس قریب + فصل قریب»، خیال می‌کنند به حدّ تام تمام اشیا رسیده‌اند! و خیال می‌کنند با گذاشتن کلاه نطق بر سر حیوان، می‌توانند آن را به انسان تبدیل کنند! و خیال می‌کنند که انسان، چیزی نیست جز همان حیوان کلی باف! (۱)

به همین دلیل است که می‌بینیم زنده یاد منوچهر آتشی، درباره تعریف شعر معتقد است: «امروز نیز ما در هیچ منبعی، تعریفی موجز و همه‌پسند از شعر نداریم». (۲)

شعر، تجلی الهام درونی است که گاه از الهام ربّانی و گاه از الهام شیطانی سرچشمه می‌گیرد. منتقدی شعرشناس در توضیح این مطلب می‌نویسد:

شعر، جوهر هنر و مادر همه هنرهاست. شعر، تجلی حقیقتی والا و ازلی در قالب «کلمه» و ظرف «کلام» است... شعر، تجسم و ثمره نسبت یافتن با

ص: ۱۳

۱- قیصر امین پور، مقاله: «نظام ارباب و رعیتی در روستای شعر، لغو شده است»؛ شعر چیست؟، به کوشش: عزیز الله زیادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۵۹.

۲- منوچهر آتشی، «شعر چیست؟»، همان، ص ۱۵.

عالم بالا- و قابل شدن برای پذیرفتن انوار خیالی حقیقت است. اما این نکته و نکات دیگر که گفتیم، فقط در مورد «شعر حقیقی» و شعری است که ثمره «الهام ربّانی» باشد، و گرنه، شعری که تمثّل اوهام نفسانی و تخیلات شهوانی و نشئت گرفته از «الهام شیطانی» باشد، به هیچ روی بیانگر معنایی حکمی و قرب به حقیقت نبوده و نیست و جز بر گمراهی و غفلت نمی افزاید و البته جز گمراهان نیز کسی از این شعرا تبعیت نمی کند: «و الشُّعراءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (۱)». (۲)

به هر حال واژه «شعر»، برگرفته از «شعور» تازی و به معنای «دانش، فهم، درک، وقوف و دانایی» (۳) است. در مورد شعر اصطلاحی نیز به گفته دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی:

باید کوشید و تعریف جامعی از شعر به دست داد که هم بر قصاید ناصر خسرو، و هم بر شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی، و هم بر غزلیات شمس مولانا و غزلیات حافظ، و هم بر غزلیات صائب و بالاخره، شعرهای نیما و اخوان ثالث و بامداد منطبق شود، و حتی نمونه های درجه دوم و سوم شعر هر دوره را نیز به تناسب اشتراکی که در عوارض و ذاتیات با حقیقت شعر دارند، در شمول خود بگنجانند؛ به گونه ای که شعرهای امثال قآنی و سروش در قرن سیزدهم و شعرهای گویندگان عصر مشروطیت را با تفاوت درجاتشان شامل شود. (۴)

ایشان سپس شعر را در اصطلاح، چنین تعریف می کند:

ص: ۱۴

۱- «و از شاعران، گمراهان پیروی می کنند». (شعراء: ۲۲۴)

۲- شهریار زرشناس، مقاله «شعر، زبان ملکوت»، کیهان فرهنگی، بهمن ۱۳۷۸، ش ۱۶۰، ص ۱۲.

۳- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا (دوره چهارده جلدی)، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۳، چ ۱، ج ۹، ص ۱۲۶۰۷، ذیل واژه «شعر».

۴- محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، (ویراست دوم)، تهران، سخن، چ ۱، ۱۳۸۰، صص ۸۵ و ۸۶.

شعر، گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است. (۱)

و در توضیح عناصر این تعریف، استادانه می نویسد:

در این تعریف، پنج عنصر اصلی دیده می شود که هر شعر، به گونه ای از هر کدام از آن پنج عنصر برخوردار است؛ با این تفاوت که در بعضی از شعرها عنصر تخیل چشمگیر است، مانند شعرهای خاقانی و صائب؛ و در بعضی شعرها عنصر عاطفه، مانند قصاید ناصر خسرو و شعر اکثر صوفیه و بسیاری از گویندگان مشروطه و در حوزه عواطف عشقی، شعر گویندگانی مانند شهریار و عماد خراسانی؛ و در بعضی شعرها آهنگ، مانند بسیاری از قصاید قآنی و از معاصران، بعضی کارهای تولّی در قالب غزل که فقط آهنگ شعر می تواند تا حدی خواننده را به خود بکشد؛ و در بعضی شعرها زبان، مانند بعضی از قسمت های شاهنامه یا غزلیات سعدی و در عصر اخیر، ایرج؛ و در بعضی دیگر، شکل شعر. البته شاعران بزرگ مثل حافظ همیشه آنها بوده اند که مجموع این عناصر را به کمال و در حد اعتدال داشته اند. (۲)

سید محمدحسین شهریار نیز در مورد شعر سروده است:

شعر، فکر ظریف را گویند

نظم نغز و لطیف را گویند

شعر، نظمی بُود به سحر حلال

که کند اهل ذوق، حال به حال

شعر، آمیخته است با دل و جان

شیر و شکر بُود به کام جهان

با تو ای شعر، عالم است بهشت

ور بهشت است، بی تو باشد زشت

ص: ۱۵

۱- همان، ص ۸۶.

۲- نک: همان.

بی تو انسان نمی تواند زیست

و آن که بی شعر زیست، انسان نیست (۱)

۶. تفاوت شعر و نظم

هر شعری، نظم و هر نظم، شعر نیست. «ارسطو از جمله کسانی است که بین کلامی که موزون و خیال انگیز باشد و کلامی که تنها وزن داشته باشد، تمایز قائل شده و دومی را از زمره شعر به حساب نیاورده است.» (۲)

جالب اینجاست که شعر و نظم، حتی در موضوع هم با هم تفاوت دارند. استاد علی اکبر دهخدا در این باره معتقد است:

موضوع شعر، عارضه مضمونی و معنوی کلام است و موضوع نظم، عارضه ظاهری کلام. به عبارت دیگر، موضوع شعر، در احساس انگیزی و تأثیرات بی شائبه شاعر خلاصه می شود، ولی نظم فقط سخن موزون و مقفی است. در حقیقت، همان گونه که سخن موزون مقفی را که احساس انگیز نباشد، نظم می نامیم نه شعر، سخن خیال آفرین و احساس انگیز را نیز که عاری از وزن و آهنگ باشد، شاید بتوان نثر لطیف شاعرانه یا شعر منثور نامید، نه شعر منظوم کامل؛ زیرا موزونی، خود، از برترین شرایط تأثیر شعر است. (۳)

ملک الشعرای بهار نیز در شعر معروف خویش، حوزه شعر را از نظم جدا می داند و می سراید:

شعر دانی چیست؟ مرواریدی از دنیای عقل

شاعر آن افسونگری کاین طرفه مروارید سفت

ص: ۱۶

۱- نک: سید محمد حسین شهریار، دیوان شهریار، تهران، انتشارات زرین و انتشارات نگاه، تابستان ۱۳۷۵، چ ۱۷، ج ۱، صص ۴۸۲ و ۴۸۳.

۲- میمنت ذوالقدری (میرصادقی)، واژه نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک ها و مکتب های آن، تهران، کتاب مهناز، ۱۳۷۶، چ ۲، ص ۱۴۴.

۳- لغت نامه دهخدا، واژه «شعر».

صنعت و سجع و قوافی هست نظم و نیست شعر

ای بسا شاعر که شعرش نیست الا حرف مُفت

شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب

باز در دل ها نشیند، هر کجا گوشی شِفت

ای بسا شاعر که اندر عمر خود نظمی نساخت

وی بسا ناظم که اندر عمر خود شعری نگفت (۱)

۷. شعر خوب

سرودن شعر، لحظه جذبه و شور می خواهد؛ شاعری، با اصرار و الحاح نیست. گاه این حالت جذبه، مدت ها سراغ شاعر نمی آید و او شعری نمی سراید. شعر، خود می آید و به زور نمی توان شعر سرود. به همین دلیل است که گاه شعری کوتاه، اثر گذار می شود و زمانی هزاران بیت شعر، پیشیزی نمی ارزد. استاد فروزانفر در مورد ویژگی شعر حقیقی معتقد است: «صفت کلام و شعر حقیقی این است که در خواننده تأثیر کند و خواننده را به عالم شعر ببرد». (۲)

نظامی عروضی سمرقندی در کتاب چهار مقاله، یکی از مقاله های چهارگانه این کتاب را به شعر اختصاص داده و حکایت هایی درباره آن آورده است. (۳) او در این کتاب در مورد شاعر و شعر خوب می نویسد:

اما شاعر باید که سلیم الفطره، (۴). عظیم الفکره: (۵) صحیح الطبع: (۶): جیدالزویه (۷)

ص: ۱۷

-
- ۱- محمدتقی بهار، دیوان ملک الشعراء بهار، تهران، آزادمهر، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۱۰۵۹.
 - ۲- مقاله های بدیع الزمان فروزانفر، مقدمه: عبدالحسین زرین کوب، به کوشش: عنایت الله مجیدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۳۵۴.
 - ۳- این چهار مقاله از این قرار است: مقاله اول دبیری، مقاله دوم شعر، مقاله سوم نجوم، و مقاله چهارم طب.
 - ۴- سلیم الفطره: پاک سرشت.
 - ۵- عظیم الفکره: بزرگ اندیشه.
 - ۶- صحیح الطبع: درست قریحه.
 - ۷- جیدالزویه: نیکو تفکر و تأمل.

جیدالرؤیہ: (۱) ن [و] دقیق النظر (۲) باشد. در انواع علوم، متنوع (۳) باشد و در اطراف رسوم، (۴) مستطرف؛ (۵) زیرا چنان که شعر در علمی به کار همی شود، هر علمی در شعر به کار همی شود. و شاعر باید که در مجلس محاورت، (۶) خوش گوی بود و در مجلس معاشرت، (۷) خوش روی. و باید که شعر او بدان درجه رسیده باشد که در صحیفه روزگار، مسطور (۸) باشد و بر السنه احرار، مقروء، (۹) بر سفائن (۱۰) بنویسند و در مدائن (۱۱) بخوانند که حظّ او فر (۱۲) و قسم افضل (۱۳) از شعر، بقاء اسم است و تا مسطور و مقروء نباشد، این معنا به حاصل نیاید. و چون شعر بدین درجه نباشد، تأثیر او را اثر نبود و پیش از خداوند خود بمیرد، و چون او را در بقاء خویش اثری نیست، در بقاء اسم دیگری چه اثر باشد؟ (۱۴)

ملک الشعراء بهار نیز درباره شعر خوب و بد می نویسد:

هر شعری که شما را تکان ندهد، به آن گوش ندهید... تا شما را یک هیجان و حسی حرکت ندهد، بیهوده شعر نگویید... . شاعر آن است که در وقت تولّد، شاعر باشد. به زور علم و تتبع نمی توان شعر گفت. تقلید الفاظ

ص: ۱۸

۱- جیدالرؤیہ: نیکو تفکر و تأمل.

۲- دقیق النظر: باریک بین.

۳- متنوع: صاحب نظر.

۴- رسوم: سنت ها

۵- مستطرف: آگاه

۶- محاورت: گفت و گو.

۷- معاشرت: هم نشین.

۸- مسطور: نوشته شده

۹- بر السنه احرار مقروء: بر زبان آزادگان خوانده شود.

۱۰- سفائن: کشتی ها.

۱۱- مدائن: شهرها.

۱۲- حظّ او فر: بهره تمام.

۱۳- قسم افضل: بخش مهم.

۱۴- نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله، به اهتمام: محمد معین، تهران، صدای معاصر، ۱۳۷۶، چ ۱۰، صص ۴۸ و ۴۹.

و اصطلاحات بزرگان و دزدیدن مفردات و مضامین مختلفه مردم و با هم ترکیب کردن، کار زشت و نالایقی است و نمی شود نام آن را شعر گذاشت. کسی که طبع ندارد، کسی که از کودکی شاعر نیست، کسی که اخلاق او از مردم عصرش عالی تر و بزرگوارتر نیست و بالاخره کسی که هیجان و حس رقیق و عاطفه تکان دهنده ندارد، آن کس نمی تواند شاعر باشد، ولو مثل قآنی، صد هزار شعر بگوید یا مثل فتحعلی خان صبا، چند کتاب پر از شعر از خود به یادگار بگذارد. (۱)

جالب اینکه گوته، شاعر پرآوازه آلمانی نیز در کلامی زیبا، درباره جاودانگی شعر شاعران، چنین می نویسد:

پس بدانید که سخن شاعران، پیوسته تا در آستانه بهشت بر می شود و در تمنای زندگی جاوید، آهسته بر در می کوبد. (۲)

منوچهری هم درباره شعر خوب سروده است:

شعر ناگفتن به از شعری که باشد نادرست

بچه نازادن به از شش ماهه بفرکندن جنین (۳)

۸. شعرهای مرتبط با دین

اشاره

ادبیات را از نظر شکل و قالب، به دو قسم شعر و نثر و از نظر محتوا و مضمون، به شش دسته ادبیات غنایی، ادبیات تعلیمی، ادبیات حماسی، ادبیات نمایشی، ادبیات داستانی و ادبیات عامه پسند تقسیم کرده اند. (۴)

ص: ۱۹

۱- . بهار و ادب فارسی، ج ۱، ص ۱۷.

۲- . یوهان ولفگانگ فون گوته، دیوان غربی شرقی، برگردان: محمود حدادی، تهران، بازتاب نگار، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۲۰.

۳- . دیوان منوچهری دامغانی، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۲، چ ۵،

۴- نک: سید رضا باقریان موحد، میراث ادبی علمای شیعه: برگزیده متون نظم و نثر، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲، چ ۱، صص ۱۱ و ۱۲.

شعر هم از نظر شکل و قالب، به اقسامی مانند مثنوی، قصیده، غزل، قطعه، مسمط، مستزاد، ترجیع بند، ترکیب بند، رباعی، دوبیتی و نیز قالب های آزاد، مثل شعر نو نیمایی و شعر سپید،^(۱) و از نظر معنا و محتوا، به چهار دسته نوع حماسی، رزمی یا قهرمانی؛ نوع غنایی، بزمی یا تغزلی؛ نوع تعلیمی و نوع نمایشی، تمثیلی و وصفی تقسیم می شود.^(۲)

در طول تاریخ، در هر کدام از شکل ها و قالب های پیش گفته و نیز معناها و محتواهایی که برشمردیم، شعرهایی با مضامین دینی سروده شده است؛ مثل شعر مذهبی، مرثیه مذهبی، مدیحه مذهبی، شعر پایداری، شعر اخلاقی. اکنون به چند گونه از آنها اشاره می کنیم.

الف) شعر مذهبی

مذهب تشیع، ادبیات و شعر خاص خود را پدید آورده است. «بعد از ماجرای سقیفه بنی ساعده، به موجب بعض روایات، دوازده تن از اجله صحابه... طی بیاناتی مستدل، علناً با خلافت ابوبکر مخالفت و از علی (علیه السلام) جانبداری کردند. نطق های ایشان و اشعار احتجاج آمیز سایر مهاجران و انصار در این باره، فصل نخستین تاریخ ادبیات تشیع را تشکیل می دهد».^(۳)

طرفه آنکه شاعران شعر شیعی، مورد توجه پیشوایان معصوم (علیهم السلام) نیز بوده اند. «از عواملی که موجب شد شاعران شیعی مورد عنایت و توجه

ص: ۲۰

-
- ۱- نک: حسین رزمجو، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ج ۲، صص ۲۱-۴۵.
 - ۲- نک: همان، ص ۴۸؛ محمدرضا روزبه، ادبیات معاصر ایران (شعر)، تهران، روزگار، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۵.
 - ۳- دایره المعارف تشیع، زیر نظر: احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، تهران، انتشارات شهید سعید محبی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲، ص ۳۵، واژه «ادب شیعه».

ائمه و بزرگان دین قرار گیرند، موضع گیری های فکری و سیاسی ای بوده که شاعران در شعرشان علیه دستگاه اموی و عباسی داشته اند. هم از این روست که حاکمان در برابر شعر مذهبی واکنش نشان می دادند». (۱)

علامه امینی در کتاب شریف الغدیر، حدود سی صفحه به بررسی این نوع شعر اختصاص داده، (۲) و استاد محمدرضا حکیمی، آن مطالب را چنین خلاصه کرده است:

[شعر مذهبی]، شعری است که سرشار است از معارف قرآن و سنت، همراه با پندها و حکمت های عالی و یادآوری های اخلاقی، به جز دیگر فنون ادبی و مواد لغوی و نهادهای تاریخی ... شعر مذهبی، آرمان هایی دارد که مهم ترین عنصر شعر شاعران پیشین شیعه را تشکیل می دهد؛ یعنی استدلال درباره تشیع و فراخواندن جامعه به حق و پراکندن فضایل و مناقب والای آل الله و سرایت دادن اخلاق و روحیات ائمه طاهرین به جان ها و روان ها به صورتی جذاب و سبکی بدیع به زبان شعر، تا با ارواح درآمیزد و جان ها و خردها را زیر تأثیر تربیتی گیرد. (۳)

به طور خلاصه، درباره شعر مذهبی می توان گفت:

یک اقلیت شیعه، همواره حق خود را غصب شده می پنداشته است. از این رو، روحیه حماسی و انقلابی در این نوع شعر موج می زند. (۴)

دو شاعران شیعی برای رسیدن به هدفی تلاش می کنند و می کوشند باورهای مذهبی خود را در این شعر بازتاب دهند. آنها قلم و فکر خود را برای صورت پردازی به کار نمی اندازند. (۵)

ص: ۲۱

۱- مقاله «کوتاه درباره شعر دینی»، جام جم، ۲۳/۸/۱۳۷۹.

۲- نک: عبدالحسین امینی نجفی، الغدیر، برگردان: محمدتقی واحدی، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، تابستان ۱۳۶۲، چ ۲، صص ۴۱۸.

۳- محمدرضا حکیمی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۴۱.

۴- نک: دایره المعارف تشیع، ج ۲، واژه «ادب شیعه»، ص ۳۷.

۵- همان.

سه از مضامین عمده شعر شیعه، مسئله خلافت و ولایت امام علی (علیه السلام) و شرح آیات و احادیثی است که جانشینی آن حضرت را اثبات می کند. (۱)

چهار از ویژگی های این گونه شعر، جنبه های نیرومند عاطفی، به ویژه در مورد مصایب اهل بیت (علیهم السلام)، واقعه طوف و نیز مدح هایی است که در مواقع جشن و سرور شیعیان می سرودند. (۲)

(ب) مدیحه مذهبی

مدیحه، در لغت به معنای «ستایش» است (۳) و در اصطلاح، «شعری ستایش آمیز است که موضوع آن می تواند شخص، گروه، بانیان حکومت، یا حتی یکی از حالات و خلقیات نفسانی انسان باشد». (۴)

مدح بر دو قسم است: مدیحه درباری و مدیحه مذهبی. «در مدیحه مذهبی، شاعر به ستایش مناقب و مکارم حضرت رسول ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) می پردازد. این قسم مدیحه، در دوره های نخستین شعر و شاعری و به طور کلی، در دوره قبل از مغول و حتی در شعرای متوسط، زیاد معمول و مرسوم نبوده است. در عین حال، گاه شعرای متقدم، مثل ناصر خسرو یا سنایی هم به مدح روی می آوردند. به طور کلی، مدیحه مذهبی از قرن نهم هجری به ویژه در دوره صفوی رواج یافت». (۵)

ص: ۲۲

۱- همان، ص ۳۸.

۲- نک: محمد علی تسخیری، مقاله: «شعر انقلابی پس از صدر اسلام»، کیهان فرهنگی، ش ۲۰۵، آبان ۱۳۸۲، ص ۵۵.

۳- مهشید مشیری، فرهنگ زبان فارسی، تهران، سروش، ۱۳۷۸، چ ۳، ص ۹۷۷.

۴- سیما داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۴۳۱.

۵- نک: همان، صص ۴۳۲ و ۴۳۳.

از دیگر مدیحه های مذهبی، چاووش خوانی، مولودیه ها، غدیریه ها و اشعاری است که در ستایش اعیاد و شخصیت های دینی و بارگاه و فرزندان آنها سروده می شود.

ج) مرثیه مذهبی (شعر شهادت)

مرثیه، در لغت به معنای «نوحه سرایی» است (۱) و در اصطلاح، «شعری است که در ماتم در گذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران و اظهار تأسف بر مرگ شاهان و بزرگان و سران قوم و ذکر مصایب پیشوایان دین سروده شده باشد». (۲)

مرثیه بر سه قسم است: مرثیه تشریفاتی، درباری و رسمی؛ مرثیه شخصی و خانوادگی و مرثیه مذهبی که به آن شعر شهادت نیز می گویند. «شعر شهادت، نمونه اعلائی مرثیه سرایی در ادب پارسی است. در این شعر، فرض بر آن است که خواننده، با رخداد آشناست و وظیفه شاعر در این میان، تحریک عواطف و احساسات خواننده است تا اشک و اندوه وی، زمینه ساز توجه هرچه بیشتر وی به پاک، بی گناهی و حقانیت خاندان پیامبر باشد و در رسیدن به این هدف، زمین و آسمان را در خدمت شعر می آورد». (۳)

د) شعر عرفانی

این نوع شعر، «شاخه ای از شعر فارسی دری است که به وسیله شاعران عارف، یا عارفان شاعر، تحت تأثیر مشرب تصوف به وجود آمده است. شعر عرفانی، به بیان حال و عوالم خاص عارفان یا شرح اصول یا تفسیر یا

ص: ۲۳

۱- فرهنگ زبان فارسی، ص ۹۸۰.

۲- فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۴۳۴.

۳- منوچهر اکبرلو، «دارم اندر دست، خونین جامه ای؛ نگاهی اجمالی به مرثیه سرایی در ادب پارسی»، جوان، ۸/۱/۱۳۷۸.

تأویل افکار آنان اختصاص دارد.»^(۱) در شعر عرفانی، «آنچه شاعر می گوید، ثمره الهامات و واردات قلبی است و این، یکی از وجوه تشابه شعر حقیقی و عرفان است.»^(۲)

استاد شهید مطهری در کتاب عرفان حافظ، در مورد مصداق های شعر عرفانی در زبان فارسی می نویسد:

البته دواوین عرفانی در شعر فارسی،... به آن معنا که گوینده واقعاً مرد عارفی بوده و ادراکات و احساسات عارفانه خود را در شعرش منعکس نموده،... زیاد نیست؛ غالباً مقلدند تا عارف، ولی البته هست. دیوان عطار، مسلّم دیوانی عرفانی است. اشعار عراقی، اشعاری است عرفانی. دیوان مغربی، دیوانی عرفانی است و از همه معروف تر و شاخص تر، دو دیوان است در زبان فارسی: یکی، دیوان مثنوی و دیگری، دیوان حافظ.^(۳)

ه) حماسه دینی

حماسه، در لغت به معنای «دلیری، شجاعت و پهلوانی» است^(۴) و در اصطلاح، «نوعی شعر است که از دلاوری های رزم آوران سخن می گوید.»^(۵) حماسه را به سه قسم تقسیم می کنند: حماسه های اساطیری و پهلوانی؛ حماسه های تاریخی و حماسه های دینی که به زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی مربوط است.^(۶)

«چنان که از آثار شیعه در قرن ششم برمی آید، دسته ای خاص به نام مناقب خوانان یا مناقیبیان، ظاهراً از عهد آل بویه به بعد، قصاید و اشعاری در

ص: ۲۴

-
- ۱- واژه نامه هنر شاعری، ص ۱۵۳.
 - ۲- شهریار زرشناس، مقاله «شعر، زبان ملکوت»، کیهان فرهنگی، بهمن ۱۳۷۸، ش ۱۶۰، ص ۱۲.
 - ۳- مرتضی مطهری، عرفان حافظ (تماشاگه راز) مباحثی پیرامون شناخت واقعی خواجه حافظ، تهران، صدرا، زمستان ۱۳۶۹، چ ۷، ص ۱۵.
 - ۴- فرهنگ زبان فارسی، ص ۳۷۴.
 - ۵- همان.
 - ۶- انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ص ۵۷.

ذکر مناقب امامان شیعه می خواندند و مردم بر گرد آنها اجتماع می کردند و به اشعاری که می خواندند، گوش فرا می دادند. همراه این مناقب ها، حکایاتی هم نقل می شد که در آنها، از شجاعت های حضرت علی (علیه السلام) سخن می رفت. این کار، مقدمه ایجاد داستان های قهرمانی و منظومه های حماسی دینی درباره ایشان گردید» (۱).

و) شعر پایداری

بشر در طول تاریخ حیات خویش بر روی کره خاکی، همواره با یکی از سه عامل طبیعت، حکومت یا دشمن بیگانه، در حال نزاع و کشمکش بوده است. این تلاش ها، اندک اندک نوعی ادبیات و شعر را به وجود آورد. شاعر معاصر، عبدالجبار کاکایی در مورد این گونه شعر می نویسد:

شعر پایداری به شعری اطلاق می شود که محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه ای از تجاوز طبیعت بشری است. بدون شک، نام این رویداد عظیم، «جنگ» است، اما جنگ، تنها بستر شعر پایداری نیست. به بیانی دیگر، واقعیت این است که موضوعات پایداری و مفاهیم شعر مقاومت، دلالت عام در زندگی بشر دارد و دوره های خاصی از نزاع انسان با طبیعت، حکومت و بیگانه را شامل می شود. (۲)

در جوامع دینی، گاه پدیده پایداری، با باورهای مقدس دین باوران گره می خورد و بدین سان، معادله ساده حق و باطل و خیر و شر سر بلند می کند. در این حال، رزمندگان از مرگ نمی هراسند و جانانه در برابر هر دشمنی می ایستند. نمونه هایی از این ایستادگی را در ادبیات انقلاب اسلامی ایران و ادبیات ضد اسرائیلی، در شعر شاعرانی چون

ص: ۲۵

۱- همان، صص ۶۲ و ۶۳

۲- عبدالجبار کاکایی، مقاله: «بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان»، روزنامه جمهوری اسلامی،

۷/۹/۱۳۸۰.

نزار قبّانی، محمود درویش و دیگر شاعران مبارز عرب به عیان می توان مشاهده کرد.

ز) شعر اخلاقی

شعر اخلاقی، شعری است که دعوت به پاکی ها و زیبایی ها را اساس کار خویش قرار می دهد و در کنار آن، انسان ها را از ناپاکی ها و زشتی ها باز می دارد. در حقیقت، مهم ترین ویژگی معنوی شعر، اخلاقی بودن آن است و اساساً بدون این ویژگی، شعرهای مذهبی و عرفانی و پایداری شکل نخواهد گرفت و از مضمون هایی درست برخوردار نخواهد شد. ملوک الشعراء بهار در تعریف اشعار اخلاقی چنین می نویسد:

اشعار اخلاقی، اشعاری هستند که تشویق و ترغیب به پیروی از اصول خوب، احساسات سالم، حرّیت افکار و آزادی عقیده، وطن پرستی و شرافت دوستی، راستی و نیکوکاری و اجتناب از صفات رذیله بنماید. (۱)

۹. مفهوم شناسی جنبش

اشاره

در این قسمت، به تعریف جنبش و نیز انواع، ویژگی ها، مراحل، کارکردها و اهداف آن می پردازیم.

ص: ۲۶

الف) تعریف جنبش

«جنبش، حرکت یا رفتار گروهی نسبتاً منظم و بادوام، برای رسیدن به هدف اجتماعی سیاسی معین و بر اساس نقشه معین است که می تواند انقلابی یا اصلاحی باشد».^(۱)

ب) انواع جنبش

جنبش ها، انواع گوناگونی دارند که در این بحث، به تعریف جنبش اجتماعی و نیز دو جنبش از زیرمجموعه های آن؛ یعنی جنبش انقلابی و جنبش دینی بسنده می کنیم.

یک جنبش اجتماعی: کوشش جمعی که برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک، از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی عمل می کند.^(۲)

دو جنبش انقلابی: جنبشی که می کوشد بنیان نظام موجود جامعه را درهم بریزد و نظام اجتماعی جدید را جایگزین آن سازد.^(۳)

سه جنبش دینی: نهضت اجتماعی که هدف دینی داشته باشد.^(۴)

ج) ویژگی های جنبش

همه جنبش ها، سه ویژگی مشترک دارند:

یک مشخص بودن هدف؛

دو داشتن برنامه هایی برای رسیدن به این اهداف؛

سه ایدئولوژی (مسلك).^(۵)

ص: ۲۷

۱- علی آقا بخشی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۳۶۹.

۲- آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، برگردان: منوچهر صبوری، تهران، نی، ۱۳۷۹، چ ۶، ص ۶۷۹.

۳- بروس کوئن، مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس: غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، بهار ۱۳۷۶، چ ۸، ص ۴۲۱.

۴- فرهنگ علوم سیاسی، ص ۴۹۸.

۵- مبانی جامعه شناسی، ص ۴۰۴.

د) مراحل جنبش

هر جنبشی، چهار مرحله دارد:

یک مرحله ناآرامی (نارضایتی عمومی که می تواند سال ها ادامه یابد)؛

دو مرحله برانگیختگی (جمع شدن مردم و به پاخاستن رهبران و دادن آگاهی)؛

سه مرحله قالب ریزی (ظهور ساختار سازمان یافته رسمی یا سلسله مراتبی از مسئولان و بیان ایدئولوژی برای اعضا)؛

چهار مرحله نهادی شدن (ایجاد نوعی دیوان سالاری در جنبش و جایگزینی افراد منضبط و حرفه ای به جای شخصیت های فرهمند پیشین). (۱)

ه) کارکرد جنبش

جنبش ها معمولاً سه کارکرد دارند:

یک کارکرد رابط یا میانجی بودن بین افراد و ساخت های اجتماعی (شناساندن آنها و وسیله ارتباطی مؤثر در مشارکت عمومی بودن)؛

دو کارکرد ایجاد و بالابردن آگاهی های جمعی (بالا بردن شعور جمعی سیاسی)؛

سه کارکرد ایجاد فشار بر نخبگان قدرت که مهم ترین کارکرد جنبش به شمار می آید. (۲)

ص: ۲۸

۱- نک: همان، ص ۴۱۱.

۲- نک: گکی روشه، تغییرات اجتماعی، برگردان: منصور و ثوقی، تهران، نی، ۱۳۷۹، چ ۱۰، صص ۱۳۳-۱۳۵.

هدف همه جنبش‌ها، برانداختن حکومت، انقلاب و مانند آن نیست. گاه جنبش‌ها، مسائل بسیار خرد و کوچک، مثل ممنوع بودن سقط جنین (۱) را در نظر می‌گیرند و برای رسیدن به هدف تلاش می‌کنند. «اهداف جنبش‌ها بسیار است و برای مثال، می‌توان از دگرگونی یا واژگونی نظم موجود، تا موضوع منع مجازات اعدام یا منع استفاده از سلاح اتمی را برای آن برشمرد» (۲).

۱۰. رابطه شعر و جنبش

فیلسوفان اجتماع بر این عقیده‌اند که انسان، ذاتاً اجتماعی است و به تنهایی نمی‌تواند روزگار بگذراند. (۳) این زندگی در جمع، در جنبه‌های گوناگون رفتار سیاسی و اقتصادی، آدمی نمود پیدا می‌کند. در این میان، گاه به دلایل مختلف، انواع جنبش‌های انقلابی در جوامع پدید می‌آید و زندگی انسان‌ها را دستخوش تغییر می‌کند. نمونه آن، بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، انقلاب صنعتی در اروپا یا انقلاب اسلامی در ایران است که در تغییر یافتن شیوه زندگی مردم بر اثر این جنبش‌ها نمی‌توان تردید کرد.

این جنبش‌های اجتماعی که گاه رنگ دینی نیز می‌یابد، زندگی تک‌تک افراد بشر را دگرگون می‌کند و بر افکار و عقاید آنها تأثیر می‌گذارد. در این میان، شاعران نیز که در بعضی زمان‌ها، گروه‌های تأثیرگذاری در جوامع به شمار می‌آمده‌اند، از دایره این تغییرات بیرون نیستند و زندگی و افکار آنها نیز دستخوش دگرگونی می‌شود و این دگرگونی در شعرشان نمود می‌یابد. (۴)

ص: ۲۹

-
- ۱- نک: جامعه‌شناسی، ص ۶۸۱.
 - ۲- نک: تغییرات اجتماعی، صص ۱۲۹ و ۱۳۰.
 - ۳- برای آگاهی از منشأ اجتماعی از دیدگاه فیلسوفان اجتماع اسلامی و غیر اسلامی، نک: گروهی از نویسندگان، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، سمت، زمستان ۱۳۷۳، چ ۱، صص ۲۵۵-۲۹۸.
 - ۴- نمونه آشکار این تغییر، نزار قبانی (۱۹۲۳-۱۹۹۸) شاعر سوری است که پیش از شکست اعراب از اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ بر اثر آنکه عمده شعرهایش درباره زن و ویژگی‌های احساسی و فیزیکی او بود شاعر زن لقب داشت، ولی پس از آن، به شعر سیاسی و انقلابی روی آورد و شاهکارهایی چون بلقیس را آفرید. برای آشنایی بیشتر با او، نک: محمدرضا شفیعی کدکنی، شعر معاصر عرب، تهران، توس، خرداد ۱۳۵۹، صص ۹۶.

برای نمونه، پس از بعثت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، دوگانگی محسوسی میان شاعران عرب که از تأثیرگذارترین افراد در میان آنها به شمار می آمدند به وجود آمد. گروهی به مخالفت با آیین جدید و هجو رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرداختند و عده ای نیز ایمان آوردند و با عنوان شاعر اسلام، به دفاع از آیین جدید مشغول شدند؛ به طوری که گاه حضرت رسالت (صلی الله علیه و آله) درباره بعضی از ایشان می فرمود که از سوی جبرئیل یاری می شوند. (۱)

این شاعران، سهم بسیار مهمی در استواری جامعه نوپای اسلامی ایفا می کردند؛ زیرا در آن محیط بیگانه با دانش، اشعار شاعران که به راحتی از سوی مردم حفظ و منتشر می شد و در خاطره ها می ماند، وسیله گسترش آیین جدید را فراهم می آورد و پیام روح بخش و آسمانی آن را به همگان می رساند.

به هر حال، می بینیم که شعر، این هدیه آسمانی حضرت حق به شاعر، با رویدادهای اجتماعی بیگانه نیست و همراه با هر تغییر در جامعه، تغییری

ص: ۳۰

۱- مانند این حدیث درباره حسان بن ثابت: «عن عائشه قالت: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ لِحَسَّانٍ: إِنَّ رُوحَ الْقُدُّسِ لَا يَزَالُ يُؤَيِّدُكَ مَا نَا فَحَتَّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ؛ عَائِشَةُ كَوَيْدٌ: شَنِدِمُ كَهَ پِيَامِبِرِ خَدَا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِه حَسَّانِ بِنِ ثَابِتٍ فَرَمُود: هَمَانَا جِبْرَائِيلُ هَمِيْشَه تُو رَا تَأْيِيْدُ مِي كَنْد، تَا وَقْتِي اَز رَسُوْلِ خَدَا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دَفَاعِ مِي كَنْي وَ رُوِيَارُوِي مَشْرَكَانِ قَرَارِ مِي گِيْرِي.» صادق احسان بخش، آثار الصادقين، رشت، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، تابستان ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۱۶، ش ۱۳۵۹۶.

محسوس، ماندگار و تأثیرگذار در آن دیده می شود. از این روست که دکتر پرویز ناتل خانلری، در مورد ارتباط هنرمند و اجتماع می نویسد:

هنرمند، پیش از آنکه هنری بنماید، عضو اجتماع است و ناچار از سود و زیان جامعه سهمی می برد. پس نمی تواند ادعا کند که با امور و حوادث اجتماعی ارتباط ندارد و این ارتباط، خواه ناخواه در آثار او به وجهی ظاهر می شود. [\(۱\)](#)

ص: ۳۱

۱- پرویز ناتل خانلری، هفتاد سخن، تهران، توس، ۱۳۷۷، چ ۲، ج ۱، ص ۵۹.

۱. جایگاه شعر و شاعری در دین اسلام

الف) شعر جاهلی

آدمی برای ابراز شادکامی ها، مصیبت ها، دلاوری ها و دیگر مسائل خود، به ناچار به شعر پناه می برد و عرب جاهلی هم از این قاعده بیرون نبود. او نیز شعر می سرود، ولی شعرش آب و رنگی دیگر داشت. استاد محمدرضا حکیمی درباره اهمیت شعر در آن دوران و نیز جایگاه والای شاعران نزد عرب جاهلی می نویسد:

دین اسلام در سرزمینی ظهور کرد شعرپرور و شاعرخیز. قوم عرب در سخن و سخنوری چیره دست بود؛ در سخن شناسی، توانا بود و به شعر و شاعری قدر فراوان می نهاد. شاعرانی که مقارن ظهور اسلام در جزیره العرب می زیستند، از اهمیت شایانی بهره مند بودند و در نزد قوم خویش، گران مایه و عزیز، روزگار می گذراندند. (۱)

عرب بدوی صبحگاهان که از خواب برمی خاست و چشم می گشود، چیزی جز بیابان شن و رمل و ماسه و گاه گون های خشکیده نمی دید. از این رو، هرچه در نظرش می آمد، طبیعت محض بود. پس شعرش نیز در نهایت سادگی و پیراستگی به نظر می آمد. به همین دلیل، ادب جاهلی که ثمره اندیشه، عاطفه و خیال او بود، رنگ صحرا داشت.

به طور کلی، شعر دوران جاهلیت، از پنج ویژگی بهره می برد:

۱. جنگ و انتقام جویی؛

ص: ۳۲

۱- محمدرضا حکیمی، دانش مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۲۴۱.

۲. عشق به زن، در مقام محبوب و معشوق؛

۳. وصف مُسکرات و شراب؛

۴. وصف مفاخر قبیله ای؛

۵. هجو دشمنان.

در آن زمان، شاعر، زبان توانای قوم و قبیله خود به شمار می آمد. عرب جاهلی، روحیه جنگاوری، خشونت، بی قراری و همیشه درگیری داشت و در این میان، وظیفه شاعر، وصف دلاوری های قهرمانان قبیله و هجو کردن و منفور جلوه دادن هر آن کس بود که با قبیله شان دشمنی می کرد. البته روشن است که این مسئله، از تعصب جاهلی، پیروی و دفاع کورکورانه از سران قبیله و نیز دور بودن آنها از مظاهر اخلاق، سرچشمه می گرفت.

پس می بینیم که تعهد و والایی، هیچ جایگاهی میان شاعران عصر جاهلی نداشت و آنها به این گونه مسائل بی توجه بودند. در این میان، خورشید عالم آرای اسلام، در اوج شکوفایی این نوع شعر تابش آغاز کرد و با این بی بندوباری های فکری و رفتاری به مبارزه برخاست و شعر اصیل و موردپسند دین مبین محمدی (صلی الله علیه و آله) را معرفی کرد.

(ب) شعر در قرآن

خداوند در قرآن کریم، دو نوع برخورد متفاوت با شعر و شاعری دارد: گروهی از آنها را که شعرشان حاصل الهام ربّانی است، تأیید می کند و شعرشان را می ستاید، و گروهی دیگر را که شعرشان از الهام شیطانی سرچشمه می گیرد، گمراه می داند و از مردمان می خواهد از ایشان پیروی نکنند:

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ. أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ. وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا. (شعرا: ۲۲۴-۲۲۷)

و از شاعران، گمراهان پیروی می کنند. آیا نمی بینی که آنان در هر درّه ای سرگردانند؟ و چیزهایی می گویند که خود نمی کنند؟ جز آنان که ایمان دارند و کارهای شایسته انجام می دهند و خداوند را بسیار یاد می کنند و پس از آنکه ستم دیده باشند، داد می ستانند.

«شعر و شاعران در این آیات، هم به صورت نفی ای و هم به صورت اثباتی مطرح شده اند. خداوند، از سویی پراکنده گویان و لغوسرایان سرگردان و مدعیان بی عمل را که جز گمراه کردن و به ضلالت و خسران افکندن ساده لوحان هنری ندارند، سخت ملامت فرموده و از سوی دیگر، شاعران مؤمن و صالح و ذاکر و دادخواه را ستوده است.» (۱) پس شاعر الهی کسی است که:

۱. ایمان داشته باشد؛

۲. عمل نیک انجام دهد؛

۳. بسیار به یاد خدا باشد؛

۴. ظلم ستیزی کند و از دادخواهی در برابر ستمگران نهراسد. (۲)

آیه «وَ انْتَصِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا» می تواند به جنبش آفرین بودن شاعران مورد نظر قرآن در عرصه های اجتماعی و سیاسی اشاره داشته باشد؛ چرا که

ص: ۳۴

۱- معظّمه اقبالی (اعظم)، شعر و شاعران در ایران اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بهار ۱۳۶۶، چ ۲، ص ۲۲.

۲- نک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، درالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶، چ ۱۶، ج ۱۵، ص ۳۷۹.

دادستانی از ستمگر که از جمله در قالب شعر نمود می یابد نوعی جنبش اساسی است که در این آیه شریفه به عنوان یکی از ویژگی های چنین شاعرانی بیان شده است. پس می بینیم که دین اسلام، مخالف شعر و شاعری نیست، بلکه با شعری سر ناسازگاری دارد که با مطرح کردن مفاهیم پست دنیایی، درصدد به ابتذال کشیدن مردمان است. ازاین رو، مبارزه اسلام با مفاهیم شعر بود، نه خود شعر. اسلام با نمودهای بی عفتی و شراب خواری جنگید، شراب را از بین برنده عقل دانست و تحریمش کرد و به زن که در شعر جاهلی به بازیچه تبدیل شده بود، ارزش داد. به همین دلیل، استاد شهید مطهری، ازاین گونه شعرها که اسلام با آن مخالف است، با عنوان «تخیل بافی» نام می برد و می نویسد:

قرآن، با شعر به معنای آن تخیل بافی ها که فقط یک وسیله تخدیر و سرگرمی برای افراد بشر است، موافق نیست. به عبارت دیگر، اسلام با شعر تخیلی و شعرهایی که صرفاً جنبه سرگرم کنندگی و در واقع جنبه تخدیری و جنبه انسان فاسدکنی دارد، موافق نیست. ولی پیغمبر فرمود: *أَنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِكْمَةٍ*. اسلام با کلام منظوم مخالف نیست. ممکن است در شعری حکمت باشد. آن وقت، آن شعر، شعر به آن معنا نیست. قرآن، شعرا را مذمت می کند؛ همان شعری که در آن زمان بودند و در اغلب زمان ها، شعرا، همان جور هستند و در میان آنها، افراد معدودی مثل اقبال لاهوری، شاعر مسلکی پیدا می شود که شعر را در خدمت هدف خودش قرار داده، نه اینکه آن را به عنوان یک هنر، هر جا که شد، مصرف کند. قرآن می گوید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ». در وادی های مختلف حیرانند؛ یک روز مدح این، یک روز مدح آن، یک روز در این موضوع، یک روز یک چیزی را مدح می کند، روز دیگر همان چیز را مذمت می کند، که مظهر تام و تمام بی مسلکی است. ولی «الَّذِينَ آمَنُوا»، مگر شعرای باایمان و به قول

ما، مسلکی و هدفدار که شعرشان در خدمت ایمانشان است.^(۱)

یکی از دانشمندان نیز در این باره می نویسد:

ای شاعر! اگر بزرگی، آرمان توست، عزت با خویشتن داری ات آغاز می شود؛ زیرا شعر، بخشی از وجود شاعر است، و آنچه اوست، سازنده شعرش است. با شخصیت راستین، شعر راستین زاده می شود؛ پس تو ای شاعر! آیین درست رفتاری بیاموز. از خود کامگی پرهیز؛ چه، آن نابودکننده استعداد توست. اگر توانگری تو را به طعامی دعوت کرد، مغرور باش و آن را رد کن و الهه هنرت را در میان ستایشگران مزدور یا یاهو سرایان بیکار میفکن. ای شاعر! از طریق آموختن از خردمندان، روان خود را درست رفتاری بیاموز و بگذار منطق و استدلال فکری، برنامه کار و راه گشایت باشد.^(۲)

ج) شعر در کلام معصومان

اشاره

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و پیشوایان دین، به شعر اهمیت بسیار داده اند و برای شاعران توانا و متعهد، ارزشی ویژه قایل بوده اند. علامه امینی می گوید:

به برکت قرآن و سنت، گروهی شاعر در میان صحابه پیامبر به هم رسیدند که در جلو چشم پیامبر اکرم ۹ به دفاع از اسلام می پرداختند. اینان مانند شیران ژبان، در جان و عرض شرک و ضلال می افتادند و مانند بازهای شکاری، دل ها و گوش ها را صید می کردند. آنها با شمشیر شعر و تیر سخن از مبادی اسلام دفاع می کردند و با زبان در راه خدا جهاد می نمودند. این روح اسلامی که از شعر متعهد ایشان می تراوید و دل و جان افراد جامعه را تسخیر می کرد، در اندیشه ها راه می یافت و آنها را می ساخت و با افکار درمی آمیخت. این تأثیر تا آنجا بود که زنان شاعره مسلمان را نیز تحت نفوذ قرار داد و آنان را بسیج کرد تا با شعرهای استوار و زیبایی خویش، از حوزه آرمان و فکر و حماسه اسلام حمایت کنند.^(۳)

ص: ۳۶

۱- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، پاییز ۱۳۷۴، ج ۲۶، صص ۱۷۶ و ۱۷۷.

۲- حسن شهباز، سیری در بزرگ ترین کتاب های جهان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵، ج ۴، صص ۲۰۶ و ۲۰۷.

۳- عبدالحسین امینی نجفی، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ ه. ق، ج ۲، صص ۱۶ و ۱۹.

استاد حکیمی نیز درباره جایگاه شعر نزد امامان معصوم (علیهم السلام) و عالمان شیعه می نگارد:

امامان نیز هر کدام، گروهی شاعر زبده داشته اند و به اهمیت و تأثیر نفوذ شعر توجه می کرده و توجه می داده اند. چنان که از جمله نوشته اند امام جعفر صادق (علیه السلام) به شیعه دستور داد شعر شاعر شیعی، سفیان عبدی را به کودکان و نوجوانان بیاموزید تا از سال های کودکی و آغاز سن، شور دینی و حماسه اعتقادی در وجود آنها زنده شود.

عالمان بزرگ نیز مانند شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سیدمرتضی، سید رضی و... درباره شعر کتاب ها نوشته و کارها کرده اند. آیا تفسیر تبیان شیخ الطایفه، طوسی، حاکی از این نیست که بنیان گذار حوزه علمی نجف و عالم بزرگ شیعه و نویسنده کتاب های فقه و دعا، یکی از بزرگ ترین شعردانان و شعرشناسان سده پنجم است؟ آیا کتاب بزرگ مناقب ابن شهر آشوب، سراسر، آکنده از شعر مذهبی نیست. (۱)

به هر حال، احادیث پیشوایان معصوم (علیهم السلام) را در مورد شعر و شاعری، به چند دسته می توان تقسیم کرد:

یک شعر متعهد

در بعضی احادیث، معصومان، به ستایش شعر مورد نظر پرداخته اند. طرفه آنکه این ستایش ها، گاه درباره بعضی از اشعار زمان جاهلیت نیز دیده می شود که مضامین بلندی در آنها وجود دارد:

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «همانا برخی از شعرها مشتمل بر حکمت است». (۲)

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «بهترین شعر آن است که مثل باشد». (۳)

ص: ۳۷

۱- ادبیات و تعهد در اسلام، صص ۲۳ و ۲۴.

۲- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «إِنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِكْمًا». (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، تصحیح و مقدمه: شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۱، چ ۷، ج ۵، ص ۸۴)

۳- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «خَيْرُ الشُّعْرِ مَا كَانَ مَثَلًا». (آثار الصادقین، ج ۹، ص ۴۱۷، ح ۱۳۶۰۲).

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «شعر، گفتار و کلام است؛ اگر نیکو باشد، کلامی نیکوست و اگر قبیح و زشت باشد، کلامی قبیح و زشت خواهد بود». (۱)

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «شعر و نیز صدای زیبا، از زیباترین زیبایی هاست». (۲)

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «راست ترین شعری که عرب سروده، این شعر لبید است: هان! هر چیزی جز خدا باطل است». (۳)

دو شعر مبتذل

اسلام با شعر مبتذل و نامستول که معیارهای شعر متعهد در آن نیست، مخالف است و پیشوایان معصوم (علیهم السلام) نیز در سخنان خود، به صراحت به این مطلب اشاره کرده اند. ایشان، به ویژه با شاعران مداح و درباری که هر روز به دنبال ممدوحی هستند تا ستایشش کنند، به مخالفت برخاسته اند. دکتر شریعتی، از مبارزه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) با این نوع شعر نامستول چنین یاد می کند:

پیامبر در برابر شعر غیرمستول و شعری که در خدمت هوس های شخصی و احساسات فردی و در خدمت اشرافیت است چنان که شعر جاهلی بود می ایستد و چنان می جنگد که نسلش را قطع می کند. بعدهاست که خلفا می آیند و دستگاه های دلچک بازی و حاجب سازی و شاعرپروری آغاز به کار می کند، تا جایی که آدمی چون سلطان محمود،

ص: ۳۸

۱- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «الشُّعْرُ بِمَنْزَلَةِ الْكَلَامِ؛ فَحَسَنُهُ حَسَنُ الْكَلَامِ وَ قَبِيحُهُ قَبِيحُ الْكَلَامِ». (نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول با ترجمه فارسی، ترجمه و گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ص ۳۸۶، ح ۱۸۲۱)

۲- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «أَنَّ مِنْ أَجْمَلِ الْجَمَالِ الشُّعْرُ الْحَسَنُ وَ نَعْمَهُ الصِّيُوتُ الْحَسَنُ». (کلینی، الاصول من الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارالاضواء، ج ۲، ص ۶۱۵)

۳- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «أَصْدَقُ كَلِمَةٍ قَالَهَا شَاعِرٌ، كَلِمَةٌ لَبِيدٍ: أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مَا خَلَا اللَّهَ بَاطِلٌ». (میزان الحکمه با ترجمه فارسی، ج ۶، ص ۲۷۶۶، ح ۹۴۴۲).

فقط چهل و پنج هزار رأس شاعر در دربار خویش می پرورد. (۱)

اکنون در این مقام، به برخی روایاتی می پردازیم که از پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، درباره شعر و شاعران نامسئول و مبتذل برجاست:

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «شعر، از شیطان است». (۲)

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «درون مرد، از چرک و کثافت پر باشد، بهتر از آن است که با شعر انباشته شود». (۳)

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «دهان [شاعران] مداح را پر از خاک کنید». (۴)

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر کس در اسلام شعر مبتذل بگوید، خورش هدر است». (۵)

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر گاه [شاعران] مداح و متملق را دیدید، بر صورتشان خاک بپاشید». (۶)

* امام علی (علیه السلام) فرمود: «با شاعری عقد برادری مبند که تو را با پول و بها می ستایند و مفت و رایگان هجو می کند و رسوا می سازد». (۷)

ص: ۳۹

۱- علی شریعتی، مجموعه آثار ۷ (شیعه)، تهران، سحاب کتاب، چ ۱، ص ۱۷۵.

۲- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «الشُّعْرُ مِنْ إِبْلِيسَ». (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۸۴)

۳- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «لَأَنْ يَمْتَلِي جَوْفَ رَجُلٍ قِيحاً خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَمْتَلِي شِعْراً». (نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول با ترجمه فارسی، ص ۴۷۰، ح ۲۲۱۵)

۴- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «أَحْتُوا فِي أَفْوَاهِ الْمَدَاحِينَ التُّرَابَ». (متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق. ۱۹۸۹ م، ج ۳، ص ۵۷۴)

۵- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «مَنْ قَالَ فِي الْإِسْلَامِ شِعْراً مُقَدِّعاً فَدَمُهُ هَدْرٌ». (همان، ص ۵۷۶)

۶- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَدَاحِينَ فَاحْتُوا فِي وُجُوهِهِمُ التُّرَابَ». (همان، ص ۵۷۴)

۷- قال علی (علیه السلام): «لَا تُؤَاخِ شَاعِراً فَإِنَّهُ يَمْدُحُكَ بِثَمَنٍ وَ يَهْجُوكَ مَجَاناً». (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتاب خانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه. ق، چ ۲، ج ۲۰، ص ۳۲۲)

پیش تر گفتیم که یکی از مضامین اصلی شعر مذهبی، خاندان رسالت و اهل بیت (علیهم السلام) هستند. بر این اساس، شاعران مذهبی سرا، به مناسبت های گوناگون چون واقعه غدیر خم یا حادثه سترگ عاشورا به مدح یا مرثیه معصومان (علیهم السلام) پرداخته اند. در مقابل، آن بزرگواران نیز گاه در سخنان خود، از شعر این شاعران متعهد به نیکی یاد کرده اند که به بعضی از این احادیث اشاره می کنیم:

* امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر کس درباره ما یک بیت شعر بگوید، خدای بزرگ برای او در بهشت خانه ای می سازد». (۱)

* امام صادق (علیه السلام) فرمود: «کسی درباره ما شعری نسرود، جز آنکه به وسیله جبرئیل تأیید شد». (۲)

* امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هیچ کس شعری درباره امام حسین (علیه السلام) نگوید که با آن، بگرید و بگریاند، مگر اینکه خداوند بهشت را بر او واجب گرداند و بر او ببخشد». (۳)

* امام رضا (علیه السلام) فرمود: «هیچ شاعر مؤمنی در حق ما شعری نگوید که ما را با آن بستاید، مگر اینکه خدا برایش در بهشت، جایگاهی سازد که هفت مرتبه از دنیا بزرگ تر و فراخ تر باشد و تمام فرشتگان مقرب و پیامبران صاحب رسالت در آن جایگاه، زیارتش کنند». (۴)

ص: ۴۰

-
- ۱- قال ابو عبد الله (عليه السلام): «مَنْ قَالَ فِيْنَا بَيْتَ شَعْرِ بَنِي اللَّهِ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ». (وسائل الشيعة، ج ۱۰، ص ۴۶۷)
 - ۲- قال الصادق (عليه السلام): «مَا قَالَ فِيْنَا قَائِلٌ بَيْتًا مِّنَ الشُّعْرِ حَتَّى يُؤَيَّدَ بِرُوحِ الْقُدُسِ». (میزان الحکمه با ترجمه فارسی، ج ۶، ص ۲۷۶۶، ح ۹۴۳۸)
 - ۳- قال الصادق (عليه السلام): «مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبْكَى بِهِ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ غَفَرَ لَهُ». (حسین طباطبایی بروجردی، جامع احادیث الشيعة، قم، مطبعه علمیه، ج ۱۲، ص ۵۶۴)
 - ۴- قال الرضا (عليه السلام): «مَا قَالَ فِيْنَا مُؤْمِنٌ شِعْرًا يَمْدُحُنَا إِلَّا بَنَى اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَاتٍ يَزُورُهُ فِيهَا كُلُّ مَلَكٍ مُّقْرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مَّرْسَلٍ». (وسائل الشيعة، ج ۱۰، ص ۴۶۷)

بعضی شاعران، زندگی شعری خود را وقف اسلام و آرمان های والای آن کرده بودند. این گروه، همواره از سوی پیشوایان معصوم (علیهم السلام) تأیید می شدند که به بعضی از این احادیث اشاره می کنیم:

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مؤمن، با شمشیر و زبان خود جهاد می کند. قسم به آن کس که جانم به دست اوست، گویی که شاعران، با گفتار خود، دشمنان را تیرباران می کنند». (۱)

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به حسان بن ثابت فرمود: «مشرکان را هجو کن؛ که جبرئیل با توست». (۲)

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به حسان بن ثابت فرمود: «همانا جبرئیل همیشه تو را تأیید می کند، تا وقتی از رسول خدا دفاع می کنی و رویاروی مشرکان قرار می گیری». (۳)

* رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به کعب بن مالک فرمود: «مشرکان را هجو کن. قسم به آن کس که جانم به دست اوست، شعر بر دشمنان سخت تر و کارگرتراز تیر است». (۴)

ص: ۴۱

۱- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «انَّ الْمُؤْمِنَ يُجَاهِدُ بِسَيْفِهِ وَ لِسَانِهِ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَكَانَمَا بَوَجْهِهِمْ مِثْلُ نَضْحِ النَّبْلِ». (میزان الحکمه با ترجمه فارسی، ج ۶، ص ۲۷۶۶، ح ۹۴۳۳)

۲- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) لحسان بن ثابت: «اهْجِ الْمُشْرِكِينَ فَإِنَّ جِبْرِيْلَ مَعَكَ». (همان، ح ۹۴۳۵؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۵۸۰)

۳- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) لحسان بن ثابت: «انَّ رُوحَ الْقُدُسِ لَا يَزَالُ يُؤَيِّدُكَ مَا نَافَحْتَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ» (آثار الصادقين، ج ۹، ص ۴۱۷، ح ۱۳۵۹۷)

۴- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) لكعب بن مالك: «أَهْجُهُمْ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبْلِ». (همان، ص ۴۱۸، ح ۱۳۵۹۸)

* امام باقر (علیه السلام) به کمیت فرمود: «تا زمانی که درباره ما شعر می سرایی، از سوی روح القدس تأیید می شوی». (۱)

* امام صادق (علیه السلام) فرمود: «امیر مؤمنان علی (علیه السلام) روایت و جمع و تدوین شعر پدرش ابوطالب را دوست می داشت و می فرمود: شعر ابوطالب را یاد بگیر و به فرزندان یاد بدهید؛ چرا که بر اساس دین خداست و در آن، دانش بسیاری است». (۲)

* امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ای گروه شیعه! به فرزندان شعر عبدی را بیاموزید؛ زیرا او بر دین خداست». (۳)

* امام صادق (علیه السلام) به عبدالله بن غالب فرمود: «فرشته ای است که شعر را به تو القا و الهام می کند، و من آن فرشته را می شناسم». (۴)

* امام رضا (علیه السلام) خطاب به دعبل خزایی فرمود: «آفرین بر تو ای دعبل! آفرین بر کسی که ما را با دست و زبانش یاور است». (۵)

۲. چیستی و تعریف شعر دینی

تا نکند شرع تو را نامدار

نامزد شعر مشو زینهار

شعر، تو را سدره نشانی دهد

سلطنت مُلک معانی دهد

ص: ۴۲

- ۱- قال ابو جعفر للکمیت: «لا تزال مؤید بروح القدس ما دُمت تقولُ فینا». (وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۸)
- ۲- قال الصادق (علیه السلام): «کان امیر المؤمنین (علیه السلام) یُعجبه أن یروی شعر أبی طالبٍ و أن یدونَ و قال: تَعَلَّمُوهُ و عَلِّمُوهُ اولادکم فَإِنَّه کان علی دین الله و فیهِ علمٌ کثیرٌ». (همان، ج ۱۲، ص ۲۴۸)
- ۳- قال الصادق (علیه السلام): «یا معشرَ الشیعه! اعلّموا اولادکم شعر العبدی فَإِنَّه علی دین الله». (آثار الصادقین، ج ۹، ص ۴۱۷، ح ۱۳۵۹۹)
- ۴- قال الصادق (علیه السلام) لعبد الله بن غالب: «انَّ ملکاً یلقى الیک و انّی لأعرف ذلك المَلِکَ». (محمدتقی تستری، قاموس الرجال، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ج ۶، ص ۵۴۸)
- ۵- قال الرضا (علیه السلام) لدعبل الخزائی: «مرحبا بک یا دعبل مرحباً بناصرنا بیده و لسانه». (جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲)

کز کمرت سایه به جوزا رسد (۱)

به نظر می رسد کسی در جهان شمولی دین مبین اسلام شک نداشته باشد و از همان آغازین روزهای بعثت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) نیز ادعای جهانی داشتن و کامل بودن این دین مطرح بوده است. این مسئله، از برخی آیات قرآنی نیز فهمیده می شود؛ آنجا که خداوند می فرماید:

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. (آل عمران: ۸۵)

و هر کس جز اسلام، دینی گزیند، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در جهان واپسین از زیان کاران است.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (توبه: ۳۳؛ صف: ۹)

اوست که پیامبر خود را با رهنمود و دین راستین فرستاد تا آن را بر همه دین ها پیروز گرداند؛ اگرچه مشرکان نپسندند.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ. (سبأ: ۲۸)

و تو را جز مژده بخش و بیم دهنده برای همه مردم نفرستاده ایم، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا. (احزاب: ۴۰)

محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خداوند و واپسین پیامبران است و خداوند بر هر چیزی داناست.

ص: ۴۳

اسلام برخلاف بعضی ادیان مثل مسیحیت که دین‌هایی صرفاً اخلاقی هستند، دین زندگی است و در همه جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی مردمان اثرگذار است و به ایشان راهکار نشان می‌دهد. به همین دلیل است که حضرت امام خمینی ۴ در وصیت نامه الهی سیاسی خود می‌نویسد:

اسلام... مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیر توحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. (۱)

ایشان در جای دیگری می‌فرماید:

مذهب اسلام، هم زمان با اینکه به انسان می‌گوید خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها باید چگونه تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع باید چگونه روابطی را برقرار نماید. هیچ حرکت و عملی از فرد و یا جامعه نیست، مگر اینکه مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است. (۲)

اکنون باید ببینیم شعری که می‌خواهد به این دین زندگی منسوب و مورد تأیید آن باشد و «شعر دینی» خوانده شود، چگونه شعری است. به نظر می‌رسد در تصور عامه و حتی بعضی خواص، شعری، دینی خوانده می‌شود که موضوعی دینی داشته باشد؛ یعنی درباره انسان، مکان، زمان یا عملی

ص: ۴۴

۱- نگرشی موضوعی بر وصیت نامه امام خمینی (ره)، تهران، دانشگاه امام حسین (علیه السلام) با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، پاییز ۱۳۷۶، چ ۱، صص ۲۲ و ۲۳.

۲- امام خمینی (ره)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، زمستان ۱۳۷۹، چ ۳، ج ۵، ص ۳۸۴.

مقدس و دینی سروده شود. شاهد این مطلب، تعریف دکتر حسین رزمجو از شعر دینی است:

اشعار دینی، شامل سروده هایی است که محتوای آنها را موضوعات دینی نظیر توحید باری تعالی، یا سرگذشت پیشوایان مذهب و مناقب و مصائب آنها که به صورت مدایح یا مراثی به رشته نظم کشیده شده است، تشکیل می دهد. (۱)

این تعریف از شعر دینی، درست، ولی ناقص است؛ (۲) زیرا دین را موضوع شعر می داند، نه پشتوانه و موضع آن. حال آنکه بی گمان، اگر شعری بخواهد به معنای واقعی کلمه، دینی پنداشته شود، باید ریشه های درخت بارور خود را از زلال آموزه های ناب دین مبین اسلام سیراب کند؛ و گرنه، با انبوهی شعر روبه رو می شویم مثل بیشتر شعرهای عصر صفوی و قاجار که مردمان چند نسل بعد، حتی نام شاعران این شعرها را به خاطر نمی آورند، چه رسد به شعر ایشان.

شاعر شعر دینی باید با توجه به آموزه های والای اسلام شعر بسراید و شاهکار بیافریند؛ مثل آنچه در شعر سعدی، حافظ، سنایی، عطار، مولوی و دیگر شاعران موفق می بینیم. با مقایسه ای اجمالی میان شعر عصر صفویه و قاجار که شعر با موضوع دین در آن فراوان دیده می شود با شعر پیش

ص: ۴۵

۱- انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ص ۸۴.

۲- خانم آنه ماری شیمیل، اسلام شناس نامدار آلمانی، در مقاله ای تحت عنوان «Devitionl poetry» در دایره المعارف چهارجلدی انتشارات دانشگاه آکسفورد درباره جهان معاصر اسلام، به طور ناقص به شعر دینی در جهان معاصر پرداخته که نقدهایی جدی به آن وارد است. برای مطالعه مقاله ایشان نک: آنه ماری شیمیل، مقاله «شعر دینی در جهان معاصر اسلامی»، برگردان: سید حسن اسلامی، کیهان اندیشه، ش ۶۱، صص ۱۸۴ ۱۹۰.

از آن که شعر با موضع دین در آن نمود فزون تری دارد به این نتیجه اساسی می‌رسیم که شعر شاعرانی که با پشتوانه اسلام شعر می‌سرایند، سرشار از حکمت و دانش است. اصولاً بر اساس شواهد تاریخی ثبت شده،^(۱) این گونه شاعران، ابتدا به ملایی و دانش، شهره خاص و عام بودند و سپس گذر ایام، آنان را در مقام شاعری، در اذهان عموم زنده ساخت. از دیگر نمونه‌های این دست شاعران، به آیت الله میرزا حبیب الله خراسانی، حضرت امام خمینی (ره) و علامه سید محمدحسین طباطبایی (ره) می‌توان اشاره کرد.

پس به این نتیجه رسیدیم که شیوه برخورد شاعر با دین اسلام، به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بوده و در هر کدام از این دو، شاهکارهایی آفریده شده است؛ اگرچه کفه ترازوی شعر با موضع دین، بسیار سنگین تر به نظر می‌رسد. به قول شاعر معاصر، محمد کاظم کاظمی، در شعر با موضع دین، «شرط اصلی این نیست که یک اثر ادبی درباره یکی از فرایض یا مراسم یا شخصیت‌های دینی ایجاد شده و احیاناً مملو از اصطلاحات و نمادهای دینی باشند، بلکه مهم این است که آن اثر، از روح و جوهر دینی برخوردار بوده و منتقل‌کننده این مفاهیم باشد. با این تعبیر، مثنوی معنوی تقریباً در همه شش دفتر خویش، اثری دینی است. همچنین بسیاری از قصاید سنایی و بسیاری از غزلیات حافظ و بوستان سعدی و حتی بخش‌های بسیاری از شاهنامه فردوسی، و اینها حتی از بسیاری از مدح و

ص: ۴۶

۱- نک: عبدالحسین زرین کوب، جستجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵، چ ۷، صص ۲۲۶-۲۳۱ درباره سعدی، ۲۳۱-۲۳۶ درباره حافظ، ۲۳۷-۲۵۶ درباره سنایی، ۲۵۶-۲۷۰ درباره عطار و ۲۶۲-۳۰۴ درباره مولوی.

منقبت های شاعرانی که به مذهبی بودن شهره اند، درون مایه دینی قوی تری دارند»^(۱).

همو در مقاله ای دیگر، به زیبایی، درباره شعر با موضع دینی می نویسد:

اگر با این تلقی از ادبیات دینی با آثار ادبی خویش مواجه شویم، ادبیات کهن فارسی، یعنی از روزگار سنایی و ناصر خسرو تا دوره پایانی مکتب عراقی، یعنی روزگار جامی را دینی تر می یابیم؛ هرچند آثاری مشخصاً با موضوعات دینی در آن دوره ها بسیار نداشته باشیم. سنایی، مولانا، سعدی، حافظ، عطار و دیگران، شاعرانی مذهبی سرا به مفهوم متداول امروزی آن نیستند، ولی شعرشان، پشتوانه ای محکم از معارف دینی دارد، و لا-جرم اثر هدایتی چنین شعرهایی، بسیار بیشتر است از شعرهای ستایشی صرف که دیوان ها را در عصر صفوی و بعد از آن فربه کرده اند و بس.^(۲)

کاظمی در مورد شعر دینی مولانا، در قالب مثالی ادامه می دهد:

مولانا در ستایش حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، فقط چند شعر انگشت شمار دارد، ولی وقتی پای استفاده محتوایی از احادیث آن حضرت به میان می آید، این شاعر، با کیفیت و کمیت حیرت انگیزی به میدان می آید. او می دانسته که جامعه، به بهره مندی از سخنان و سیره حضرت پیامبر بیشتر نیاز دارد، تا ستایش خشک و خالی ایشان.^(۳)

با این تفصیل و بعد از این همه نقل قول، شعر دینی را می توان به سه شکل که البته هر سه در معنا یکی است چنین تعریف کرد:

شعری که درباره دین یا به پشتوانه دین سروده می شود.

ص: ۴۷

۱- محمد کاظم کاظمی، مقاله «ادبیات دینی؛ بایدها و نبایدها»، پگاه حوزه، ش ۶۹ و ۷۲.

۲- همو، مقاله «ادبیات دینی از دیروز تا امروز»، قدس، ۳/۳/۱۳۷۹.

۳- همان.

شعری که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دین می پردازد.

شعری که موضوع یا موضعی دینی داشته باشد.

این نوع تعریف شعر دینی، تمامی انواع گوناگون شعری را که به گونه ای با دین سروکار دارد و امروزه نام های مختلفی به آن می دهند، دربرمی گیرد و آنها را «دینی» می نامند؛ شعرهایی مانند: شعر مذهبی، شعر آیینی، مدح مذهبی، مرثیه مذهبی، شعر پایداری و شهادت، شعر تعلیمی، شعر عرفانی و... .

۳. چارچوب نظری

اشاره

پیش از پرداختن به چارچوب نظری این نوشتار، شایسته است از این دیدگاه، هنر و به ویژه شعر را بررسی کنیم که: آیا هنر، خودش هدف است یا وسیله رسیدن به مسئله ای دیگر قرار می گیرد؟ در ادبیات شرق و غرب، دیدگاه هایی در این باره مطرح شده است. ما در اینجا، یکی از این دیدگاه ها، یعنی دیدگاه «هنر برای هنر» غربی ها را بررسی می کنیم و به نقد آن می پردازیم. سپس نظریه «شعر متعهد، هدفمند و جنبش آفرین» را مطرح خواهیم کرد. (۱)

ص: ۴۸

۱- در اینجا هدف، بررسی مکتب های ادبی غرب و نظر آنها در مورد شعر و رسالت آن نیست، که از قدرت من بیرون است و استادی توانا می طلبد. البته غربی ها در مورد رسالت هنر و به ویژه شعر، قلم فرسایی ها کرده اند و نظریاتی ترتیب داده اند. بعضی از این دیدگاه ها را می توانید در این دو منبع ببینید. منصور رستگار فسایی، انواع شعر فارسی، شیراز، نوید، تابستان ۱۳۷۲، چ ۱، صص ۲۲ ۲۹. عباس ایزدپناه، در قلمرو فلسفه و ادبیات دینی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، تابستان ۱۳۷۸، چ ۲، صص ۱۳۰ ۱۳۸. قصد من در اینجا، نشان دادن این مطلب است که شعر، بی هدف نمی شود و دیدگاه «هنر برای هنر» در مورد شعر دینی مردود است. برای آشنایی بیشتر با این دیدگاه، نک: رضا سیدحسینی، مکتب های ادبی، تهران، نگاه، ۱۳۸۱، چ ۱۲، ج ۱، صص ۴۷۱ ۴۸۵. عبدالحسین سعیدیان، دانشنامه ادبیات، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۳، چ ۱، ص ۲۷. سیما داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید، ۱۳۷۱، چ ۱، ص ۳۳۰. فیلیس شاله، شناخت زیبایی (استتیک)، برگردان: علی اکبر بامداد، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷، چ ۴، ص ۸۵.

در قرن نوزدهم میلادی، بعضی از ادیبان با شعار «هنر برای هنر»، معتقد شدند که هنر، وسیله نیست و خودش هدف و مقصود است. آنها عقیده داشتند هر هدفی که برای هنر در نظر گرفته شود، آن را از طبیعت خود دور می‌کند. زنده یاد استاد رضا سیدحسینی در کتاب مکتب‌های ادبی، ضمن تأکید بر اینکه «هنر برای هنر» نمی‌تواند عنوان «مکتب» به خود بگیرد؛ زیرا هیچ‌گاه گروهی گرد هم جمع نشدند و مکتبی به این نام پی‌ریزی نکردند، در مورد نخستین جرقه‌های پیدایش این دیدگاه می‌نویسد:

به نظر می‌رسد بنژامن کنستان، نخستین کسی است که در یادداشت‌های خود (یازده فوریه ۱۸۰۴) می‌نویسد: هنر برای هنر و بدون هدف؛ زیرا هر هدفی، هنر را از طبیعت خود دور می‌کند. (۱)

خانم سیما داد نیز در توضیح دیدگاه «هنر برای هنر» می‌نویسد:

این شعار، به طور عام در ادبیات و هنر، به گرایش‌هایی اطلاق می‌شود که به موجب آنها، هنر، پدیده‌ای مستقل است و فاقد هر گونه رسالت اجتماعی و اخلاقی تلقی می‌شود.

به زعم کسانی که صریحاً و تلویحاً این شعار را دنبال می‌کنند، هنر نباید پاسخ‌گوی توقعات منفعت‌طلبانه جامعه‌ای باشد که هر پدیده‌ای را از دیدگاه سود و زیان آن می‌نگرد و ارزش می‌نهد. هنر، پدیده‌ای مستقل و خود‌بسنده است که هدفی جز رشد و تعالی خود در جهت هرچه زیباتر شدن ندارد. (۲)

ص: ۴۹

۱- مکتب‌های ادبی، ج ۱، ص ۴۸۵.

۲- فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۳۳۰.

ویکتور هوگو، از بنیان گذاران این نظر هم در مقدمه کتاب شریقات خود، در مورد بی هدف بودن شعر نوشته است:

اگر با نظری بلند بنگریم، در شعر، موضوع خوب و بد وجود ندارد؛ شاعران، خوب و بد هستند. از طرف دیگر، همه چیز موضوع شعر است. همه چیز مایه هنر است. هر امری به کشور شعر حق ورود دارد. پس نباید پرسید که علتی، شاعر را به اختیار موضوعی نشاط آور یا غم انگیز، وحشتناک یا دلاویز، واضح یا مبهم واداشته است. باید دید چگونه کار کرده، نه آنکه در چه باب و چرا کار کرده است. (۱)

(ب) نقد هنر برای هنر

به نظر می رسد معتقدان این دیدگاه، تمام هنر هنر را لذت بردن و زیبایی می دانند؛ یعنی همین که اثری فقط زیبا باشد و بیننده و شنونده را به شگفتی وادارد، رسالت خود را انجام داده است. (۲)

ما هم این دیدگاه را تا اینجا می پذیریم که هنر باید زیبا باشد؛ چون اگر نباشد، دیگر هنر نامیده نمی شود. با این حال، معتقدیم هنر نمی تواند خودش هدف قرار گیرد و این زیبایی، حتماً باید در خدمت رسالتی والا باشد تا همگان از آن سود برند. از این رو، دکتر شریعتی در نقد دیدگاه «هنر برای هنر» می گوید:

هنر برای هنر و علم برای علم و شعر برای شعر، فریبی است برای

ص: ۵۰

۱- مکتب های ادبی، ج ۱، صص ۴۷۵ و ۴۷۶.

۲- البته شاید بتوان در شعر فارسی، به طور کلی شعر سبک هندی را تا حدودی در راستای دیدگاه «هنر برای هنر» دانست. در این سبک، شاعر فقط به دنبال زیباسازی بنای شعر خود است و در آن، از انواع صناعات ادبی استفاده می کند و هدف او، رسالتی اجتماعی یا ارشاد نیست. در این مورد نک: فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۳۳۰.

پوشاندن نقش بودن هنرمند و یا دانشمند و آبرومند جلوه دادن گریزش از تعهد و مسئولیت های اجتماعی. (۱)

نویسنده ای دیگر، این گونه هنرمندان را حاشیه نشینان کنج عافیت اجتماع معرفی می کند و در نقد آنها می نویسد:

بر پیروان مکتب هنر برای هنر عیب گرفته می شود که هم و غمشان، خلق آثاری است که به هیچ دردی نمی خورد. درحالی که آثارشان از هر حیث، پوچ و توخالی است، ادعا می کنند که زیباست و همین امر، غایت و هدف از هنر و ادب است. اینان در حاشیه جامعه نشسته اند و بی آنکه در خود مسئولیتی احساس کنند، به زیبایی های لفظ و معنا و کیفیت تجانس و هماهنگی آنها توجه دارند، نه به محتوای آنها. (۲)

دکتر شریعتی نیز در جای دیگر، دانشمندان و هنرمندان را سرمایه جامعه می داند که این گونه شعارها، آنها را از مسئولیت اصلی شان دور می کند و رسالت اجتماعی را از یادشان می برد:

سلب مسئولیت از علم، ادب، شعر و هنر، اصل فریب قدرت های مسلط بر بشریت است تا انسان را از بزرگ ترین سرمایه ها و عوامل نجات و رفاه و ترقی محروم کند و دانشمندان و هنرمندان را که بزرگ ترین سرمایه زندگی بشریتند از متن جامعه بیرون براند و در لابراتوارها و کلاس های در بسته دانشگاه ها محصور کند و به نوعی پارسایی آبرومند به نفع خویش ناگزیرشان سازد. (۳)

از این رو، خطاب به شاعران می گوید:

پس تو به عنوان یک شاعر و هنرمند، باید تکلیف خود و مردم را روشن کنی و مرزهای اعتقادی ات را مشخص سازی، که هنرمند آزاد،

ص: ۵۱

۱- مجموعه آثار ۷ (شعبه)، ص ۱۷۱.

۲- انواع شعر فارسی، ص ۲۲.

۳- مجموعه آثار ۷ (شعبه)، صص ۱۷۲ و ۱۷۳.

فریبی بیش نیست؛ یا باید به خلق پیوندی و کمر به نجاتشان ببندی، یا به دشمنان خلق و فضیلت و آزادی؛ راه سومی نیست.

(۱)

جالب اینجاست که علامه اقبال لاهوری نیز سال ها پیش، در مقاله ای به نام «نقدی بر شعر و شاعری عربی معاصر حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)» که در سال ۱۹۱۷ م. نوشت، درباره فریب بودن شعار «هنر برای هنر» می نویسد:

در هنر، هیچ گونه جای تحذیر نباید وجود داشته باشد. این شعاری که می گویند: «هنر برای هنر» یا «هنر قائم به ذات است»، یک حیلۀ غیارانه برای زوال و انحطاط اجتماعی و فردی می باشد. (۲)

ج) نظریه «شعر متعهد، هدفمند و جنبش آفرین»

اشاره

آیا می توان شعر دینی را بدون هدف و فقط به قصد زیبایی سرود؟ پاسخ، منفی است؛ زیرا با توجه به ویژگی های شعر دینی که در فصل بعد خواهد آمد در این نوع شعر، سخن از حرکت اجتماع، ظلم ستیزی و ویران کردن کاخ های ستمگران است و می بینید که این گونه شعر نمی تواند در برابر دین و اجتماع، بی اعتنا باشد. به نظر ما، شعر دینی بر سه پایه استوار «تعهد»، «هدفمندی» و «جنبش آفرینی» بنا می شود. اکنون به بررسی هر کدام از آنها می پردازیم.

یک تعهد

شاعر شعر دینی، چارچوب دیدگاه خود را از آموزه های والای دین می گیرد و خود را در برابر آن مسئول می داند. شعر ناب او نیز حاصل ژرف اندیشی در قرآن کریم و سخنان والای معصومان (علیهم السلام) است که از سرچشمه زلال آن سیراب می شود. از این روست که در ستایش آنان می خوانیم:

ص: ۵۲

۱- همان، ص ۱۷۵.

۲- جاوید اقبال، زندگی و افکار علامه اقبال لاهوری، برگردان: شهیندخت کامران مقدم (صفیاری)، مشهد، به نشر، ۱۳۷۲، چ ۲، ج ۱، ص ۲۹۱.

شعری که در لسان پیشوایان پاک و امامان معصوم (علیهم السلام)، حکمت و خیر کثیر خوانده می شود، بی گمان، قرابتی با قرآن کریم خواهد داشت و شاعری که شریعه شعرش، از دجله دل و فرات فطرت سرچشمه می گیرد، پیش تر از آنکه شاعر باشد، حافظ خواهد بود؛ حافظ قرآن و بیشتر از آنکه شعر بگوید، قاری خواهد بود؛ قاری قرآن. مگر نه این است که شاعران بزرگ، شاگردان و حافظان قرآن بوده اند؟ (۱)

بر این اساس، استاد محمدرضا حکیمی، مدایح مذهبی پیشوایان معصوم (علیهم السلام) را نیز که به ظاهر رسالت شورآفرینی در جامعه ندارد، از مقوله شعر متعهد می داند و در مورد آن می نویسد:

مدایح مذهبی، از مقوله شعر متعهد است، نه هنر مجرد. چون در این گونه آثار، حقانیت رهبران الهی و راه آنان را می نمایانند و می کوشند تا با زبان والای شعر، حقایق را به فرهنگ جامعه و شعور اجتماعی منتقل سازند و موضع مردان حق و رهبران سعادت و عدالت را در برابر دیگران، به ویژه جباران و ستمگران تحکیم بخشند و استوارتر سازند. (۲)

نکته پایانی اینکه «شعر متعهد، همیشه مورد توجه اولیای اسلام بوده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شاعران را تشویق می کرد و شاعران بسیاری داشت. امامان نیز همین گونه رفتار می کردند». (۳) از این رو، «شعر و تأثیر هنری و کاربرد تبلیغی آن هیچ گاه نباید مورد غفلت قرار گیرد. شاعران پاک و متعهد که شعر را در راه بیداری جامعه و دمیدن روح اعتقاد و فضیلت در مردم

ص: ۵۳

-
- ۱- محمد صحتی سردرودی، مقاله: «شعر و شاعری در آئینه شریعت»، مجله شعر، تابستان ۱۳۷۵، ش ۲۰ ص ۱۰.
 - ۲- محمدرضا حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تابستان ۱۳۶۸، چ ۷، ۲۳۴.
 - ۳- همو، بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، زمستان ۱۳۶۸، چ ۶، ص ۱۳۶

به کار می‌برند، همواره باید مورد تکریم باشند. البته این امر، مشروط به این است که شعر دارای ارزش هنری و سطح عالی باشد و شاعر علاوه بر ایمان و تعهد، به واقع، شاعر باشد و سخن شناس و خوش قریحه و نیرومند و چیره دست. شعری که خود از ارزش هنری شایسته‌ای برخوردار است و در حد اشعار استادانه است، می‌تواند به مذهب و فرهنگ مذهبی خدمت کند، نه جز آن». (۱)

دو هدفمندی

گفتیم که دیدگاه «هنر برای هنر»، خود، بی‌هدفی است و نمی‌توان زیبایی صرف را هدف و غایت شعر دانست. شاعر شعر دینی فقط دنبال زیباسازی شکل ظاهری شعر خود نمی‌رود. او می‌داند که گرفتن هدف و رسالت از شعرش امکان‌پذیر نیست؛ زیرا اهداف و رسالت‌های سرودن این نوع شعر، سال‌ها و قرن‌ها پیش از آنکه سروده شود، وجود داشته است. ولایت (غدیر)، پایداری و شهادت (عاشورا) و آرمان‌خواهی (انتظار) که موضوع‌های اصلی شعر دینی شمرده می‌شوند، از قرن‌ها پیش وجود داشته‌اند و همواره شعر شاعران دینی را تغذیه معنوی می‌کرده‌اند.

شاعر شعر دینی گرچه به زیبایی هنر خود اهمیت می‌دهد، بیشتر می‌خواهد پیام خود را به مخاطب برساند. البته این دلیل نمی‌شود که هر نظم پرداز ضعیفی، خود را شاعر شعر دینی بداند و وارد این عرصه شود. به همین دلیل است که اصل شاعر بودن، از اصول خدشه‌ناپذیر شعر دینی سرودن است. از این روست که استاد محمدرضا حکیمی، هوشمندانه در این باره می‌نویسد:

ص: ۵۴

اصولاً شعر سست، هرچه باشد، گفتن آن و شنیدن آن به نام شعر مذهبی، نارواست. شاعران پیشین شیعه که از این همه اهمیت برخوردار بوده اند، برای این است که پیش از هر چیز، شاعر بوده اند و دارای همه امکانات شاعری: امکانات طبیعی و امکانات کسبی... پس کسی که می خواهد شعر مذهبی بسراید، پیش از هر چیز، باید «شاعر» باشد، با همه مواهب خدادادی و امکانات استعدادی و تحصیلات و اطلاعاتی که برای «شاعر» لازم است. (۱)

از نظر ما، گرچه شعر می تواند در نهایت زیبایی باشد، بدون هدف بودن آن درست نیست؛ چنان که نویسنده ای معتقد است از دیدگاه قرآن کریم هم، با توجه به آیات پایانی سوره شعراء که ویژگی هایی برای شاعران حقیقی در آن آمده است و ما نیز پیش تر به آن اشاره کردیم، هنر برای هنر مردود است:

از نظر قرآن، هنر برای هنر، شعر برای شعر و جامعه شناسی برای جامعه شناسی مردود است و آن هنری مقبول است که بر پایه تعهدات مکتبی باشد. شعری که برای دل گفته شود و هیچ مسئولیتی از آن برنخیزد، بهتر آن است که در دل همان شاعر بماند. (۲)

سه جنبش آفرینی

شعر دینی، شعری ناسازگار با ستم و ستمگری، و فعال است، نه منفعل؛ به طوری که گاه شاعر آن، از جان می گذرد و سال ها چوبه دار خویش را بر پشت خویش حمل می کند. دکتر شریعتی در این مورد می گوید:

تشیع که هزار سال یک نهضت انقلابی بود، در پیرامون خویش،

ص: ۵۵

۱- شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۵۴.

۲- داود بهرامی سیاوشانی، مقاله: «هنر مقبول و تعهدات مکتبی»، پیام آزادی، ۷/۷/۱۳۷۸.

فرهنگ و شعر و ادب انقلابی نیز داشت. دعبیل‌ها و...، شاعرانی بودند که در خدمت انقلاب و در مبارزه با ستم زمان، به تعبیر خودشان، تمام عمر، دار خویش را بر پشت خویش حمل می‌کردند و این چنین می‌زیستند. (۱)

این شاعران، خود را در برابر اجتماع، مسئول می‌دانند و هر صبح و شام، به دنبال ویران کردن پایه‌ای از پایه‌های فساد حاکم بر سرزمینشان هستند. به قول استاد جواد محدثی:

این گونه شعرها که در دفاع از حق و موضع امامان و رسوا ساختن غاصبان ستمگر و کافران مسلمان نما، برنده تر از شمشیر و سوزنده تر از آتش بود، مورد تشویق و حمایت ائمه قرار می‌گرفت و برای شاعران، حرمتی خاص قائل می‌شدند و پاداش‌ها و جوایزی بزرگ می‌دادند. اگر شعری، شکوفه شوق را در دل پیامبر و امام می‌شکوفاند، این گونه شعر است، و نه غیر. اگر رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از شاعران تقدیر کرده و آنها را می‌ستاید، این گونه شاعران موضع دارند که با سروده خود در میدان «بیان» در راه عقیده دینی و اسلام عزیز، به جهاد برخاسته‌اند. (۲)

از این روست که در آخرین آیه سوره شعراء، وظیفه مبارزه با ستم و ستمگران بر عهده این شاعران نهاده شده است؛ آنجا که خداوند بزرگ می‌فرماید: «وَ اَنْتَصِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمْتُمْ؛ و پس از آنکه ستم دیده‌باشند، داد می‌ستانند». (شعراء: ۲۲۷)

ص: ۵۶

-
- ۱- علی شریعتی، مجموعه آثار ۲ (خودسازی انقلابی)، تهران، الهام، تابستان ۱۳۷۷، چ ۶، ص ۱۸۲
 - ۲- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، زمستان ۱۳۷۶، چ ۳، ص ۱۷۸.

اشاره

در پایان فصل پیش، پایه های استوار شعر دینی را برشمردیم و به تفصیل درباره تعهد، هدفمندی و جنبش آفرینی این نوع شعر سخن رانیدیم. در این فصل، ابتدا ویژگی های شعر دینی را بیان می کنیم و سپس به صورت مصداقی، به برخی از نقش آفرینی های شعر دینی در جنبش های اجتماعی می پردازیم.

۱. ویژگی های شعر دینی

اشاره

شعر دینی، افزون بر تعهد، هدفمندی و جنبش آفرینی که پایه های اصلی اش به شمار می آید، با ویژگی هایی شناخته می شود. این ویژگی ها را می توان در شش عنوان برجسته کرد که اکنون برمی شماریم:

الف) پیوند با قرآن و حدیث

به یقین، اگر شعری می خواهد دینی خوانده شود، نمی تواند از آموزه های ناب کلام جاودان الهی و نیز گفتار و رفتار معصومان (علیهم السلام) تهی باشد و رنگ و بوی خدایی به خود نگیرد؛ زیرا دینی که این شعر می خواهد به آن منتسب شود، بدون قرآن و حدیث، چیزی تهی است و اصلاً این جدایی امکان ندارد. خداوند متعال، خود نیز کلام پاکش را بدون خدشه و برای هدایت بندگان می داند و می فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ این (آن) کتاب (است که) هیچ تردیدی در آن نیست، رهنمودی برای پرهیزکاران است». (بقره: ۲)

کلام معصومان (علیهم السلام) نیز که سرشار از حکمت و مایه هدایت آفریدگان است، دیگر الهام بخش شاعران شعر دینی شمرده می شود. از این رو، با جست و جویی اندک در آثار بزرگ ترین شاعران شعر دینی، مثل مولوی، عطار، حافظ، سعدی، بیدل و...، استفاده فراوان آنها از این دو منبع گران مایه

را می بینیم، به گونه ای که در مورد این کاربردها، کتاب ها و مقاله ها نوشته شده که برخی از آنها بدین قرار است:

۱. سید عبدالحمید سجادی، گزیده ای از تأثیر قرآن بر نظم فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۲. محمدرضا راشد محصل، پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی، مشهد، شرکت به نشر، چاپ نخست، ۱۳۸۰.

۳. علی ابوالحسن (منذر)، بوسه بر خاک پی حیدر (علیه السلام) (بحثی در ایمان و آرمان فردوسی و پرتوگیری شاهنامه از قرآن و احادیث معصومین (علیهم السلام) همراه با نقد نظریات آرای برخی از شاهنامه پژوهان معاصر)، تهران، عبرت، چاپ نخست، تابستان ۱۳۷۸.

۴. بهاء الدین خرمشاهی و سیامک انصاری، قرآن و مثنوی، تهران، قطره، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۵. بدیع الزمان فروزانفر، احادیث و قصص مثنوی، ترجمه کامل و تنظیم مجدد: حسین داوودی، تهران، امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۷۶.

۶. کاظم محمدی، مولانا و ترجمه آیات قرآن، کرج، نجم کبری، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۶.

۷. ماشاء الله جشنی آرانی، تجلی قرآن در معارف اسلامی در اشعار بیدل دهلوی، تهران، هستی نما، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۳.

۸. حکیمه دبیران، مقاله «تأثیر قرآن و حدیث در آثار سعدی»، مجموعه مقالات ذکر جمیل سعدی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاییز ۱۳۶۹، ج ۳، ج ۲، صص ۲۵-۴۰.

ب) ولایت محوری (غدیر)

واقعه غدیرخم، یکی از مهم ترین حادثه های تاریخ صدر اسلام و به تعبیر معصومان (علیهم السلام)، عید بزرگ الهی است که همه پیامبران به پاسداشت حرمت آن مأمور بودند، چنان که امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

يَوْمَ الْغَدِيرِ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا عَرَفَهُ حَرَمَتُهُ وَ أَنَّهُ عِيدٌ فِي السَّمَاءِ وَ فِي الْأَرْضِ. (۱)

روز عید غدیر، عید بزرگ خداست و خدای تعالی هیچ پیغامبری نفرستاد جز اینکه به او حرمت این روز را شناساند.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز این روز بزرگ را برترین عیدهای امت خویش معرفی می کند و می فرماید: «يَوْمَ غَدِيرِخُمْ أَفْضَلُ أعيَادِ أُمَّتِي؛ روز غدیر خم، برترین عید امت من است». (۲)

به راستی در غدیرخم چه گذشت؟ اجازه دهید پاسخ این پرسش مهم را از قلم شیوای زنده یاد استاد احمد احمدی بیرجندی بجوییم که می نویسد:

روز پنج شنبه ای از سال دهم هجرت بود. درست هشت روز از عید قربان می گذشت. سال آخر عمر پیامبر و الامقام فرا رسیده بود. کاروان به سوی مدینه ره سپار بود. بیش از صد هزار نفر در آن کاروان همراه پیامبر بودند. آفتاب عربستان سخت می تابید. اندک اندک سرزمین جُحفه و بیابان های خشک و سوزان غدیرخم از دور نمایان گردید. غدیر خم، چهارراهی بود به سوی مدینه و عراق و مصر و یمن.

ص: ۵۹

۱- حسین بن علی خزاعی نیشابوری، تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی، تصحیح: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۷۶.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۹۷، ص ۱۱۰.

پیامبر دستور فرمود: آنان که پیش افتاده اند، توقف کنند تا آنان که عقب مانده اند، برسند و سر و ته قافله جمع شود. در غدیر خم، جز چند درختی صبور و سرسخت و خشکیده و برکه ای آب باران نبود. ریگ های بیابان تفتیده شده بود. مسلمانان از عباهای خود استفاده می کردند تا پاهایشان نسوزد. برخی، کناره عبا را بر سرافکنده بودند که تابش آفتاب، سرهاشان را نسوزاند. برخی، از شاخه های درختان سایبان ساخته بودند. برای پیامبر گرامی نیز سایبانی ساختند.

نماز ظهر اقامه شد و پیامبر از منبری از جهاز شتران بالا رفت و پس از خطبه ای والا، دست علی (علیه السلام) را بلند کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ». این سخن را چند بار تکرار فرمود. آن گاه سر را به سوی آسمان برداشت و ادامه داد: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَحِبَّ مَنْ أَحَبَّهُ وَ أَبْغِضْ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ اِدْرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ». (۱)

هنوز صفوف مردم از هم گسیخته نشده بود که جبرئیل امین نازل شد و این آیه را بر پیامبر فروخواند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دینم را کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را (به عنوان) آیین شما پسندیدم». (مائده: ۳).

در این هنگام، حسدیان بن ثابت، شاعر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از ایشان اجازه خواست که اشعاری درباره این واقعه عظیم بسراید. پیامبر اجازه فرمود و

ص: ۶۰

۱- به راستی شادروان ابوالقاسم حالت، این سخنان را چه زیبا به نظم درآورده است: گفت پیغمبر که بعد از من علی رهبر بود در ره دین خدا و سنت و پروردگار هر که ما را دوست باشد گو علی را باش دوست هر که ما را یار باشد گو علی را باش یار برای خواندن همه قصیده، نک: ابوالقاسم رادفر، مناقب علوی در آئینه شعر فارسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تابستان ۱۳۸۱، چ ۱، صص ۳۳۲ و ۳۳۳.

حسان گفت:

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيَّهُمْ

بُحْمٌ وَاسْمِعْ بِالرَّسُولِ مُنَادِيًا (۱)

می بینیم این حادثه پراهمیت، از همان لحظه تولد، مورد توجه شاعران شعر دینی قرار گرفته است و شاعران ریز و درشت با دست مایه قرار دادن آن، شعرهای بسیاری سروده اند، چنان که گاه شاعران، تمام بدی های گیتی را از انکار غدیر دانسته و سروده اند:

هر چه بینی در بسیط خاک کج خوی شیر

هر که بینی مانده در چنگال آمالش اسیر

کفر و الحاد و نفاق و دور ماندن از صواب

و این پلیدی ها و ظلمت هست ز انکار غدیر (۲)

«شاعران غدیر، ادبیات و شعر را در مسیر هدف تعالی تبیین آرمان های شیعی و اثبات حقانیت علی (علیه السلام) و ولایت او و گسترش شور علی دوستی و علی جویی به کار گرفتند و این گونه، حادثه غدیر را زنده نگه داشتند». (۳)

«شعر غدیر، با نام علی (علیه السلام) جان می گیرد، با نام علی (علیه السلام) اوج می پذیرد و با نام علی (علیه السلام) مکانت و منزلت می یابد. تصویر غدیر بدون توصیف علی (علیه السلام) ناممکن است... هر گاه شعر می خواهد از جوشش خم غدیر بسراید، پیش از آن باید گوشه ای از کوثر ولایت علی بنمایاند. شعر غدیر، فقط یک واقعه را تصویر نمی کند، که یک معرفت را تفسیر می کند». (۴)

ص: ۶۱

۱- نک: احمد احمدی بیرجندی، در ساحل غدیر، غدیری های فارسی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷، چ ۱، صص ۱۳ و ۱۶.

۲- برای خواندن همه قصیده، نک: همان، صص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۳- جواد محدثی، فرهنگ غدیر، قم، نشر معروف، زمستان ۱۳۸۶، چ ۵، ص ۳۴۰.

۴- میثم نمکی آرانی، «شعر، غدیر و علی (علیه السلام)»، کیهان فرهنگی، آذر ۱۳۷۹، ش ۱۷۰، ص ۱۰۹.

غدیریه های فارسی به قدری فراوان است که از گرد آمدن آنها کتاب ها تدوین شده است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

۱. غدیر در شعر فارسی، گزینش و توضیح: سید مصطفی موسوی گرمارودی، قم، الهادی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۴، ۱۹۶ صفحه.

۲. گوهر عشق (گزیده اشعار غدیر)، گردآورنده: ضیاء الدین ترابی، تهران، روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۵، ۲۶۴ صفحه.

۳. نسیم غدیر: غدیریه هایی از شاعران امروز، جمع و تدوین: علی رضا میرزا محمد، تهران، مرکز آموزش و پژوهش دفتر بررسی های اسلامی، اسفند ۱۳۷۸، ۲۱۶ صفحه.

۴. احمدی بیرجندی، احمد، در ساحل غدیر (غدیریه های فارسی)، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، چاپ نخست، ۱۳۷۷، ص ۱۸۴.

(ج) حماسه و شهادت طلبی (عاشورا)

هنگامی که به موضوع های مورد استفاده شاعران شعر دینی می نگریم، جایگاه امام حسین (علیه السلام) و حادثه جانگداز عاشورا را در آن بسی والا می بینیم، به گونه ای که به عقیده زین العابدین رهنما:

آغاز دگرگونی ها، خود در اجتماع یا در ادبیات، همیشه از کارهای بزرگ سرچشمه می گیرد. چه کاری از رویداد روز دهم عاشورای ۶۱ هجری می توانست بزرگ تر شود. از این رو و به حق، از فردای این فاجعه، دگرگونی ها در مردم و در اجتماع، در دل ها و در افکار، دور و نزدیک

ص: ۶۲

شروع شد... از آن مهم تر، اثری بود که این واقعه در دگرگونی ادب و شعر فارسی و عربی باقی گذاشت که می توان آن را مبدأ رستاخیزی در ادبیات ایران و ایران دانست. (۱)

این تأثیر گذاری، فقط در اشعار شاعران شیعی مسلک نیست، بلکه در میان ستیان شاعر نیز دیده می شود. بر این اساس، حتی شاعران غیر شیعی، از مکتب های فکری گوناگون، در آثار شعر و نثر خود، به عظمت حضرت سیدالشهداء توجه کرده اند. از جمله عبدالرحمان جامی، که در قرن نهم در سفری از هرات به عراق رفته، از زیارت بارگاه امام حسین (علیه السلام) چنین یاد کرده است:

کردم ز دیده پای سوی مشهد حسین

هست این سفر به مذهب عشاق، فرض عین (۲)

شاعران شعر دینی، از جنبه های گوناگون به حادثه عاشورا پرداخته اند و از آن الگو گرفته اند؛ به گونه ای که می توان به طور کلی، شعر عاشورایی را به سه دسته تقسیم کرد:

یک برانگیزاننده صرف عاطفه؛

دو مقتل و واقعه نگاری؛

سه حماسی و انقلابی و الگو برای ستم ستیزی. (۳)

از میان این سه دسته، نوع سوم مهم است؛ چون به فلسفه قیام حسینی و یزیدشناسی روی می آورد؛ به انسان ها ملاک می دهد که ظالم کیست و مظلوم چه ویژگی هایی دارد. در این نوع شعر، دیگر خبری از سوز و اشک

ص: ۶۳

۱- زین العابدین رهنما، زندگانی امام حسین (علیه السلام)، تهران، زوار، ۱۳۷۸، چ ۱۸، پیش گفتار.

۲- نورالدین عبدالرحمان جامی، دیوان کامل جامی، مقدمه: هاشم رضی، تهران، انتشارات پیروز، ص ۷۸.

۳- نک: جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف، اسفند ۱۳۷۴، صص ۲۵۲ و ۲۵۳.

و آه در مصیبت حضرت نیست؛ هر چه هست، درس آموزی و شاگردی در محضر آقای شهیدان است که جان خویش را در راه زنده نگه داشتن دین جدش فدا کرد و شجاعانه ندا سر داد:

أَلَا إِنَّ الدَّعَى ابْنَ الدَّعَى قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ، بَيْنَ السَّلَّةِ وَالدَّلَّةِ، وَهِيَهَاتَ مَنَا الدَّلَّةُ، وَ مَا أَخُذُ الدَّنِيَّةِ، ابى الله ذلِكَ وَ رَسُولُهُ، وَ جَدودٌ طَابَتْ، وَ جُحُورٌ طَهَّرَتْ، وَ أَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ، وَ نَفُوسٌ ابِيَّةٌ، لَا تُؤَثِّرُ طَاعَةَ اللَّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ. (۱)

آگاه باشید! زنازاده فرزند زنازاده، مرا بین دو چیز مجبور کرده است؛ بین مرگ و ذلت، ولی هیئات که ما ذلت و خواری را بپذیریم. خداوند پذیرش ذلت را بر ما و بر پیامبر و مؤمنان روا نداشته است و دامن های پاک و دارای اصالت و شرف و خاندان دارای همت والا و عزت نفس ما هرگز اجازه نمی دهد اطاعت فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهیم.

در این مقام، وظیفه شاعر شعر دینی، آگاهی دادن به مخاطب است که چونان حسین باشد و تنها به گریه بر او بسنده نکند و پیامش را بیابد و به پا خیزد.

گفتنی است آن دو نوع شعر عاشورایی دیگر نیز در جای خود نیکو و بجاست و باید که در مظلومیت سالار شهیدان به جای سرشک دیده، خون گریست، چنان که مولامان حضرت مهدی (عج) در زیارت ناحیه مقدسه، سوگمندانه می فرماید:

لَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا. (۲)

ص: ۶۴

۱- محمد دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین (علیه السلام)، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المؤمنین (علیه السلام)، بهار ۱۳۸۴، چ ۳، صص ۱۶۵ و ۱۶۸.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۳۸.

هر صبح و شام بر تو گریه و شیون می کنم و در مصیبت تو به جای اشک، خون می گریم.

از دیرباز، نویسندگان بسیاری با گردآوری اشعار عاشورایی، کتاب‌ها تدوین کرده‌اند. دادن فهرستی از این کتاب‌ها ناممکن می‌نماید و به جست‌وجوی بسیار نیازمند است. در این قسمت، برخی از این کتاب‌ها را شمار می‌کنم:

۱. مرضیه محمدزاده، دانش نامه شعر عاشورایی: انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، جلد اول و دوم، زمستان ۱۳۸۳.

۲. خورشیدسرایان، گردآوری: سید علی اصغر صائم کاشانی، انتشارات تالار کتاب، چاپ نخست، زمستان ۱۳۷۷.

۳. بال سرخ قنوت، به اهتمام: محمدعلی مجاهدی (پروانه)، تهران، دفتر ادبیات آیینی، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۶.

۴. محمدعلی مجاهدی (پروانه)، کاروان شعر عاشورا، قم، زمزم هدایت، چاپ نخست، تابستان، ۱۳۸۶.

۵. سیدعلی حجازی، حسین بن علی در آینه شعر از آغاز تا پایان قرن سیزدهم هجری قمری، قم، فارس الحجاز، چاپ نخست، اسفند ۱۳۸۲.

۶. من می گویم، شما بگریید (مراثی عاشورایی)، به کوشش: علی رضا قزوه، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ نخست، ۱۳۸۴.

(د) کمال گرایی و آرمان خواهی (انتظار موعود)

آدمی، همواره موجودی آرمان خواه و کمال طلب بوده است. در طول تاریخ، آشکارا دیده می‌شود که انسان‌ها از وضع موجود راضی نیستند و در پی دنیایی بهتر، پرفاه‌تر و آسوده‌تر می‌گردند. به همین دلیل، نظریه‌های گوناگونی در

علوم مختلف، از جمله جامعه‌شناسی پایه ریزی می‌شود تا آدمی به این خواسته خود برسد. البته این رسیدن، چندان هم آسان نیست. از این رو، انسان‌ها همواره در انتظار رسیدن به آن جامعه آرمانی و اتویا به سر می‌برند و این «انتظار»، مفهومی است که به آدمیان نیرو می‌بخشد.

با اندکی کاوش علمی، می‌توان به این مطلب پی برد که «انتظار»، مفهومی برآمده از دین است و این مفهوم والا در بیشتر ادیان و مذاهب جهان به چشم می‌خورد، چنان که در دین مبین اسلام، برترین اعمال امت دانسته شده است (۱) و منتظران، برترین افراد اهل زمان نامیده شده‌اند. (۲)

این مسئله، مختص دین مبین اسلام نیست و همگان، از مسلمان و مسیحی و یهودی و زردشتی گرفته تا حتی پیروان آیین هندو، منتظر کسی هستند که بیاید و جهان را از بی عدالتی برهاند. حال این شخص، در هر دین و مذهبی، نامی دارد: مهدی، مسیح، (۳) سوشیانس، یشنو و... .

برای نمونه، «در هزاره گرایی زرتشتی» (۴) انتظار ظهور سه منجی از نسل زرتشت مطرح است. این منجیان، یکی پس از دیگری، جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد:

۱. هوشیدر، هزار سال پس از زرتشت؛

ص: ۶۶

۱- قال الرضا(علیه السلام): «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ». (شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، محرم ۱۴۰۵ هـ. ق / مهر ۱۳۶۳، ص ۶۴۴)

۲- قال الرسول(صلی الله علیه و آله): «أَنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِأَمَانَتِهِ الْمُتَنْتَظِرُونَ بِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ». (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲)

۳- موعود یهودیان، نک: حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، پاییز ۱۳۸۵، چ ۹، صص ۱۲۰-۱۲۵.

۴- zoroastren millennialism

۲. هوشیدر ماه، دو هزار سال پس از زرتشت؛

۳. سوشیانس (یا سوشیانت)، سه هزار سال پس از زرتشت که با ظهور او، جهان پایان می یابد. (۱)

«در زند و هومن یسن [نیز]... از ظهور شخصیت فوق العاده ای به نام سوشیانس (نجات دهنده بزرگ) خبر داده و درباره او می نویسد: سوشیانس، دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگ دستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات دهد و مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند». (۲)

در آیین هندو نیز خدای ویشنو، ظهورها و تجلیاتی بر روی زمین دارد. او هر بار به صورت انسان یا موجود دیگری تجلی می یابد و با آمدن در روی زمین، مأموریت خاصی را انجام می دهد. ویشنو، ده تجلی دارد که نه تایی آن گذشته، ولی تجلی دهمش مربوط به آینده است. در این ظهور و تجلی دهم که در پایان عصر تاریکی، یعنی عصر کنونی است، «ویشنو سوار بر اسب سفیدی ظاهر خواهد شد، شمشیری درخشان در دست خواهد گرفت و بدکاران و بدکیشان را کیفر خواهد داد و پاک دینان و درست کاران را متنعم خواهد ساخت. او آداب و رسومی نیکو بنا خواهد کرد». (۳)

حال در حیطه هنر و ادبیات نیز شاعران هم که سزاست از جمله سرآمدان فکری جامعه باشند، نباید به این آرمان خواهی و کمال گرایی، بی توجه بنگرند. پس همواره باید چکامه ها بسرایند و غزل انتظار سر دهند.

ص: ۶۷

۱- همان، ص ۶۱

۲- مجتبی تونه ای، موعود نامه: فرهنگ الفبایی مهدویت، قم، میراث ماندگار، ۱۳۸۴، چ ۱، ص ۳۷۷.

۳- عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، سیری در ادیان زنده جهان (غیر از اسلام)، قم، آیت عشق، زمستان ۱۳۸۳، چ ۱، ص ۵۹.

آنها وظیفه مهمی بر دوش دارند و آن، تشریح وضعیت جامعه مطلوب و آرمانی است؛ همان آرمان شهری که قرن هاست بشر به دنبال به وجود آوردن آن، در بیراهه های کمونیسیم، سوسیالیسم و کاپیتالیسم، سرگردان است و ره به جایی نمی برد.

برای ظهور منجی و رسیدن به آن جامعه مطلوب باید زمینه ها را فراهم ساخت و با نقد جامعه موجود و همراهی نکردن با ستمگران و عافیت طلبان، جامعه آرمانی را خواستار شد. استاد محمدرضا حکیمی، در توضیح این وظیفه هنرمند متعهد می نگارد:

وظیفه شعر متعهد انقلابی چیست؟ روشن است: تشریح وضع مطلوب؛ وضع مطلوب قرآنی، وضع متعالی (ارزشی) و فراخوانی مردم به آن، تا جامعه به رکود آموخته نگردد. (۱)

بی گمان، کمترین تأثیری که شعرهای آرمان خواهانه بر افراد جامعه خواهد داشت، این است که موجی از انتظار سازنده را در دل افراد جامعه ایجاد خواهد کرد. به آنها امید آینده ای روشن خواهد داد و آنان را برای فراهم آوردن چنان روزگاران درخشانی، به تلاش و پویایی و تکاپوی مثبت و خواهد داشت.

ه) مبارزه با رفاه طلبی و نمایندگی طبقه محروم

جامعه، تا زمانی که هنوز بوی خوش انقلاب و شور و نشاط را در خود احساس می کند، به سوی ثروت و ثروت اندوزی گام بر نمی دارد. در چنین جامعه ای، کاخ نشینی وجود ندارد تا بتوان تفاوت کاخ نشینی و کوخ نشینی را مشاهده کرد و بر روزهای خوش یگانگی همگان دریغ خورد. هرچه هست، به همه مربوط است و همه مثل همند. به تدریج، مدتی که می گذرد، مردمان

ص: ۶۸

۱- یادنامه مهرداد اوستا، به کوشش: محمدحسین رحمانی، قم، مرکز بررسی های اسلامی، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۱۱۵.

طعم رفاه را می چشند و اندک اندک رفاه طلبی و ثروت اندوزی شعارشان می شود؛ چنان که نمونه های تاریخی آن، بعضی صحابه اند در زمان خلیفه سوم، و امروز هم که تا دلتان بخواهد، از این قماش آدم ها فراوانند. حال شاعر شعر دینی که می خواهد نماینده طبقات محروم باشد، این رفاه طلبی را بر نمی تابد و بر آن می تازد. (۱) به همین دلیل، بعضی از نویسندگان معتقدند:

شاعری که بار سنگین دوست داشتن مردم را به دوش می کشد، نباید نسبت به شرایط فرهنگی و معیشتی آنان بی توجه بماند. شاعر باید مثل یک متخصص علوم اجتماعی، از زیر و بم زندگی مردم و مثل یک روان کاو دقیق، از زوایای درونشان آگاه باشد. این شناسایی، هم به شاعر و هم به مردم مساعدت می کند تا بیشتر یکدیگر را یاری کنند و به تکامل نزدیک تر شوند. (۲)

نکته مهم دیگر این است که بدون تردید در همه جوامع، نیازمندان فکری و کسانی که به اصطلاح به آنها «عوام» گفته می شود، اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، و این اکثریت به دلیل ناتوانی و نارسایی فکری، نه توان جنبش دارند و نه قدرت تغییر در شرایط اجتماعی و فرهنگی خویش. در چنین احوالی است که نقش تأثیرگذار شاعر متعهد و توانا آشکار می شود. چنین شاعرانی می توانند در شمار کسانی باشند که هدایت فکری جامعه را عهده دار شوند و جامعه را از خطر تباهی و گمراهی باز دارند. حال این همه صفر که کنار هم چیده شده است و هیچ ثمری ندارد، به عددی نیازمند است تا آنها را از صفر

ص: ۶۹

-
- ۱- نمونه عالی این شعر معترض و مبارز، شعر «یک قلم ناسزا به محتکر قریباً الی الله» از زنده یاد سلمان هراتی است، به این نشانی: سلمان هراتی، از آسمان سبز، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، آذر ۱۳۶۴، چ ۱، صص ۹۱-۹۶
 - ۲- غلامحسین متین، شعر برای بیداری، چاپ نوبهار، ۱۳۵۷، چ ۱، ص ۱۵.

بودن و هیچ ماندن، نجات دهد و جامعه را به حرکت درآورد. این عدد، همان فرد نخبه جامعه است که به آن گروه اکثریت خط می دهد و راه و چاه می نماید.

در این میان، شاعر متعهد و اندیشمند و توانا، یکی از نخبگان و برگزیدگان بالقوه جامعه است که می تواند نقش مهمی در اجتماع بازی کند و در مقام نماینده طبقات محروم و کسانی پنداشته شود که نمی توانند چون او اثری جاودانه بیافرینند و حرف دلشان را بزنند. شاعر شعر دینی چنان که گفتیم باید در دل مردمان جای گیرد و همواره از آن روز در هراس باشد که خود را از جامعه کنار بکشد و در برابر حوادث اجتماعی، سکوت اختیار کند؛ که آن روز، روز مرگ هنری او در آن جامعه است.

(و) دوری از ابتدال و بحران هویت

پس از عصر مشروطه، تحولی شگرف در محتوای ادبیات شکل گرفت؛ زیرا پرچمداران عرصه هنر، درس خوانده های مغرب زمین بودند که اندک اندک به مسیر بیهودگی و پوچ گرایی افتادند و حتی با مطالعه نوشته هاشان می توان تمسخر ارزش های ملی و دینی را آشکارا مشاهده کرد. (۱)

این روند انحراف آمیز همچنان ادامه داشت و جز گروهی اندک که ادبیات سالم را ترویج می کردند، در بیشتر آثار منتشر شده عصر پهلوی، روند فزونی گرفتن این انحطاط را می بینیم. «خوشبختانه با پیش آمدن انقلاب اسلامی، در ادبیات هم تحولی شبیه انقلاب صورت گرفت که حاصل آن، زدودن پرده های

ص: ۷۰

۱- نمونه این گونه نوشته ها، نمایش نامه ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر، نوشته میرزا فتحعلی آخوندزاده است. برای آگاهی بیشتر، نک: هدایت الله بهبودی، درباره ادبیات نوین ایران پیش از نهضت مشروطه، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، چ ۱، صص ۱۸ و ۱۹.

غفلت بود. بنابراین، ادبیات دینی، ادبیاتی است که در خدمت تعهد و مردم بوده، از تفننی بودن روشن فکرآبانه به دور است و هدف آن، ابلاغ ارزش های والای انسانی و برخورداری از مکتب اسلامی است». (۱)

۲. بررسی مصداقی شعر جنبش آفرین

اشاره

در این قسمت از کتاب، به بررسی مصداقی شعر دینی و نقش آن در جنبش های اجتماعی سیاسی می پردازیم. البته نباید از نظر دور داشت که این مسئله، نه در حد رساله ای کوتاه چون این نوشته است، که به نوشتن کتاب ها نیاز دارد و انرژی بسیار افزونی می طلبد.

به نظر می رسد نکته مهم در این مورد آن است که شعر جنبش آفرین، جز در مواردی استثنا چون دوران مشروطه و شاید زمان های کوتاه دیگر جزو زندگی مردم ایران زمین نشده است. البته نویسنده، منکر این مطلب نیست که ایرانی جماعت، همواره به شعر علاقه داشته است و با آن زندگی می کند، ولی این نوع شعر، شعر تعلیمی و عرفانی است و می توان گفت چندان ربطی به موضوع مورد بحث، یعنی شعر جنبش آفرین ندارد. شعر مورد بحث، شعر مردمی است؛ شعری که از تفکر انقلابی الهام بگیرد و سروده شود و مردم نیز آن را به گوش جان بشنوند و تحت تأثیرش قرار بگیرند، مثل شعرهای نسیم شمال در عصر مشروطه.

در این مقام با تقسیم دوره های شعر فارسی به پنج دوره شعر پیش از مشروطیت؛ شعر مشروطه؛ شعر در عصر پهلوی اول؛ شعر در عصر پهلوی

ص: ۷۱

۱- نک: محمد مهدی بهداروند، مقاله «ویژگی ادبیات دینی»، کیهان فرهنگی، تیر ۱۳۸۰، ش ۱۷۷، ص ۱۱.

دوم؛ شعر دینی پیش از انقلاب و شعر بعد از انقلاب، به بررسی مصداقی هر یک از آنها می پردازیم.

الف) شعر پیش از مشروطه

اشاره

منصفانه باید گفت که وقتی شعر درازدانه پیش از مشروطه را با همه سبک ها و انواع گوناگونش بررسی می کنیم، چندان مردمی بودن و اثرگذاری اجتماعی را در آن نمی بینیم. هرچه هست جز در موارد استثنا مدح و ثنای پادشاه وقت است که بسته به طول و عرض حوزه حکومت خود، شاعرانی دست به نقد در آستین داشت که هر گفتار و رفتار و خواسته اش را به نظم درآوردند و وقت و بی وقت آن را برایش بخوانند و صله ای دریافت کنند.

شاعران نیز «در دنیای قدیم، اصلاً مسائل اجتماعی را یا نمی دیدند یا ناگفته می گذاشتند. چنین هشیاری ها و حساسیت ها در افق فرهنگ ما کمتر بوده که شاعری این قدر به آفات اجتماعی پردازد.» (۱) در آن دوران، کار شاعران چنان بالا گرفته بود که «شاعران درباری در بعضی از ادوار تاریخی ایران، از افراد مشهور جامعه بودند و حرفه شاعری شان، مکنت و ثروت زیادی برای آنها در پی داشت، (۲) چنان که گفته اند: رودکی را دویست غلام بود و چهارصد شتر، بار و بندیل او را می کشید.» (۳)

بر این اساس، در مورد این گونه شعرها گفته می شود:

از نظر شاعر این دوره، جهان، چیزی است ایستا. او هیچ گونه تغییری

ص: ۷۲

-
- ۱- بهاء الدین خرمشاهی، حافظ نامه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، ۱۳۷۵، چ ۷، ج ۱، ص ۳۱.
 - ۲- منیب الرحمن، شعر دوره مشروطه، برگردان: یعقوب آژند، تهران، روزگار، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۹.
 - ۳- همان.

در پیرامون و روابط اجتماعی جهان اطرافش حس نمی کند. به نظر او، جهان، چیز پوینده ای نیست. حرکت اگر حرکتی هم وجود داشته باشد در شعر این دوره هیچ انعکاسی ندارد. انسان در مرکز کائنات ایستاده و کائنات همان حرکت بطلمیوسی خود را دارد. به طور کلی شاعر این دوره، از جهان وسیع پیرامونش... کوچک ترین اطلاعی ندارد. (۱)

حال قضاوت کنید که آیا این شعر بی بو و بی خاصیت البته منهای شعر شاعران درجه یک فارسی زبان که فقط دیوان قطور کن و پادشاه خوشحال کن بود، می توانست با عامه مردم بی سواد که پادشاه را نماینده خدا بر زمین می دانستند، ارتباط برقرار کند و آوای مخالفت سر دهد و جنبشی بیافریند؟

به یقین، پاسخ، منفی است. این شعر درباری و دور از مردم که شاعر آن با کمترین صله، از این دربار به آن دربار کوچ می کرد و ممدوحی تازه می یافت، رمق شورآفرینی نداشت. به همین دلیل، وقتی تلاش می کنی و دنبال شعری جنبش آفرین می گردی، نهایت مطلبی که به دستت می رسد، شعرهایی است که حداکثر هنرشان، انتقاد خفیف از پادشاه یا هشدار به او یا تذکر شرایط آشفته روزگار است. البته در روزگار نو و با ظهور اقبال لاهوری، اتحاد مسلمانان و غرب ستیزی، موضوع های مهم دیگری است که بعضی شاعران به آن پرداخته اند.

شعر دینی این دوره را نیز تقریباً می توان با کمی تسامح به دو شکل کاملاً متفاوت تقسیم کرد. تا پیش از صفویه، شعر با موضع دین، جایگاه والایی دارد و همه شعر عرفانی و تعلیمی این چند قرن را دربرمی گیرد و

ص: ۷۳

بسیار بامحتواست، ولی از دوره صفویه به بعد، شعر با موضوع دین رواج فراوان می یابد که در فصل دوم، در تعریف شعر دینی، به تفصیل، درباره شعر با موضع یا موضوع دین پرداختیم.

جالب اینجاست که حتی مرثیه عاشورایی محتشم کاشانی هم که از بهترین نوع این شعرهاست (۱) و به گفته یان ریپکا: «تا روزگار ما هم سوگنامه دوازده بند مولا محتشم کاشانی، هنوز فریبندگی، صمیمیت و خلوص خود را از دست نداده است» (۲)، ولی «باید اعتراف کنیم که این شعر، موضع فکری خاصی در قبال واقعه کربلا اتخاذ نمی کند. در اینجا از عوامل و ریشه های نهضت حسینی خبری نیست و همچنان از عواقب آن سخن نرفته است... این شعر، دشمن را هم نشان نمی دهد یا اگر هم نشان می دهد، فقط دشمن امام حسین (علیه السلام) است که تصویر می شود، نه دشمن حسینان تاریخ... حتی تقصیرها هم به گردن چرخ بیدادگر و روزگار غدار انداخته می شود، نه بندگان عصیانگر خدا:

تا چرخ سفته بود، خطایی چنین نکرد

با هیچ آفریده جفایی چنین نکرد

به این ترتیب، قیام هدفمند عاشورا، به یک درگیری بین آل ابوسفیان و آل پیامبر تبدیل می شود و تأسف خوردن هم برای این است که این شهیدان، آل پیامبر بوده اند، نه قیام کنندگان برای برپایی حق و رسواکنندگان

ص: ۷۴

۱- این ترکیب بند دوازده بندی، بارها از سوی شاعران، استقبال شده است. ۲۱ مورد از آنها را می توانید در این کتاب ببینید: حسین درگاهی و دیگران، شورش در خلق عالم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۸.

۲- یان ریپکا، تاریخ ادبیات ایران، برگردان: ابوالقاسم سرّی، تهران، سخن، ۱۳۸۳، چ ۱، ج ۱، ص ۵۳۳.

دستگاه خلافت موروثی. چنین است که این شعر، وظیفه و رسالت ما را نیز مشخص نمی کند و در آخر، شعر، درست در لحظه ای که باید فریاد بکشد و موضع گیری کند، می گوید: خاموش باش!

خاموش محتشم که دل سنگ، آب شد

بنیاد صبر و خانه طاقت خراب شد»

خاموش محتشم که از این حرف سوزناک

مرغ هوا و ماهی دریا کباب شد

در این مقام، از باب مشت نمونه خروار، به شعر اجتماعی چند شاعر اشاره می کنیم و باقی را به تتبع خوانندگان گرامی وا می گذاریم.

یک حافظ

گروهی، حافظ را شاید به اغراق انقلابی ترین شاعر عصر خویش می دانند، (۱) ولی من معتقدم که حافظ، مصلح و متفکری اجتماعی است. او «از آن روی مصلح اجتماعی است که با آفت های اجتماعی کار دارد؛ یعنی دردها و فسادها و آسیب ها را تا اعماق می شناسد و جراح وار به نیشتر انتقاد می شکافد و آن گاه به مهربانی مرهم می نهد... صومعه و صومعه نشینان، خانقاه و خانقاه نشینان، خرقة و خرقة پوشان، اعم از صوفی و زاهد و شیخ و محتسب حتی اگر محتسب، پادشاه مقتدری چون امیر مبارز الدین بود آماج انتقادهای طنزآمیز حافظ است». (۲)

بر این اساس، در تحلیل شعر اجتماعی حافظ می خوانیم:

حافظ اگرچه شاعری غزل سراسر است و در خصوص غزلیات عشقی و

ص: ۷۵

۱- نک: شعر برای بیداری، ص ۱۸.

۲- حافظ نامه، ج ۱، ص ۳۱.

عرفانی وی تاکنون شرح و بسط‌ها و تفسیرهای فراوان نوشته‌اند و نیز بسیاری از غزلیات او به زبان‌های خارجی ترجمه شده، با این حال بسیاری از اشعار وی، انعکاس اوضاع اجتماعی و سیاسی روزگار وی است. حتی گاه یک بیت یا یک مصرع وی، وضع درهم و برهم و ناروا و مشکلات زندگی اجتماعی و ظلم و جور حکام خودکامه یا ... تظاهر و ریای فراوان بعضی از زاهدان و صوفیان را در عبارتی کوتاه و بسیار زیبا توجیه می‌کند که این نوع شعر، در شاعران قبل و بعد از وی کمتر سروده شده است. چنان که در غزلی، وقتی می‌خواهد از اوضاع و احوال جامعه و درهم ریختگی و پریشانی مردم یاد کند، با یک بیت فصیح و بلیغ و یک جمله کوتاه که در واقع یک مصرع شعر اوست، یک دنیا مطلب را به خواننده عرضه می‌دارد و می‌گوید:

صعب روزی، بوالعجب کاری، پریشان عالمی.

منظورش از صعب بودن روز و روزگار، قطعاً سختی زندگی و درهم ریختگی اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم و نظرش درباره بوالعجب کاری، وضع بی حساب و کتاب و گرفتاری‌های فوق العاده مردم در مورد زدوخوردها و جنگ و گریزهای مدعیان حکومت و عدم امنیت، و غرضش از پریشان عالمی، بی بندوباری بزرگان قوم و از میان رفتن همه ضوابط و مقررات دینی و عرفی است. بدین ترتیب، حافظ، سخت‌ترین و ناگوارترین اوضاع اجتماعی را در همین یک مصرع گنجانده است. لذا اگر در اشعار او دقت شود، در عین حال که عارفی رند و هنرمند و متوجه به ذات پاک احدیت است، بسیاری از غزلیاتش، آکنده از مباحث اجتماعی و مسائل مبتلا به مردم روزگار خود است. (۱)

ص: ۷۶

۱- غلامرضا سلیم، جامعه‌شناسی ادبیات یا اجتماعیات در ادب فارسی، تهران، توس، ۱۳۷۷، چ ۱، صص ۱۲۸ و ۱۲۹.

بی گمان، در همه زبان ها، کاربرد طنز برای نشان دادن مشکلات و کاستی ها، بیش از زبان جدّ است. هنگامی که به شاعران ایران زمین می نگریم، عبید زاکانی را در این میان دارای مقامی بس والا می بینیم که با طنز نیش دار خود، به جنگ بدی ها و انسان های بدکار می رود و رسواشان می سازد، چنان که نوشته اند:

عبید، تأثر خود را از پریشانی اوضاع و احوال و آشفتگی روزگار و جنگ های خانگی جلاپریان و مظفریان و دیگر فتنه ها و آشوب هایی که آن روز، امواج مرگ بار خود را بر سر مردم بی گناه فرو می کوفت، به این ترتیب بیان کرده است:

حاصل ز زندگانی ما جز وبال نیست

وز روزگار بهره به جز از ملال نیست

از خوان مُمسکان مَطْلَب توشه حیات

کان لقمه پیش اهل طریقت حلال نیست

در وضع روزگار نظر کن به چشم عقل

احوال کس مپرس که جای سؤال نیست

در موج فتنه ای که خلائق فتاده اند

فریادرس به جز کرم ذوالجلال نیست (۱)

یکی از معروف ترین شعرهای اجتماعی عبید، قصیده موش و گربه است. شادروان استاد عباس اقبال، در مقدمه خود بر کلیات عبید زاکانی، در مورد این قصیده می نویسد:

این قصه بسیار شیرین که در سراسر ممالک فارسی زبان شهرتی تمام

ص: ۷۷

۱- عبید زاکانی، کلیات عبید زاکانی، به کوشش: پرویز اتابکی، تهران، انتشارات کتاب فروشی زوّار، ۱۳۴۳، چ ۲، صص پانزده و شانزده، به نقل از: پیش گفتار اتابکی بر این کتاب.

یافته و عده ای از ابیات آن حکم مثل سائر را پیدا کرده، مسلماً اشاره به یک واقعه تاریخی است مانند دیگر نوشته های عید، که به عنوان انتقاد از اوضاع زمان و پاره ای از آداب و مراسم معموله عهد، نگاشته شده است. (۱)

سه سیف فرغانی

سیف الدین فرغانی، شاعر قرن هفتم هجری، از شاعرانی است که گاه مضمون های اجتماعی در شعرش یافت می شود. هم اوست که «مضمون مبارزه با ستمگری را با بیانی خطاب آمیز به شعر در آورده است»؛ (۲) آنجا که خطاب به شاهان ستمگر می گوید:

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد

هم رونق زمان شما نیز بگذرد

وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب

بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

باد خزان نکبت ایام، ناگهان

بر باغ و بوستان شما نیز بگذرد

آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام

بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

چون داد عادلان، به جهان در، بقا نکرد

بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت

این عوعو سگان شما نیز بگذرد

بادی که در زمانه بسی شمع ها بکشت

هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

۱- همان، صصس سی و چهار و سی و پنج.

۲- شعر و شاعران در ایران اسلامی، ص ۶۶.

زین کاروانسرای، بسی کاروان گذشت

ناچار، کاروان شما نیز بگذرد

ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن

تأثیر اختران شما نیز بگذرد

این نوبت از کسان، به شما ناکسان رسید

نوبت ز ناکسان شما نیز بگذرد

بر تیر جورتان ز تحمل، سپر کنیم

تا سختی کمان شما نیز بگذرد

آبی است ایستاده در این خانه، مال و جاه

این آب ناودان شما نیز بگذرد

ای تو، رمه سپرده به چوپان گرگ طبع

این گرگی شبان شما نیز بگذرد

پیل فنا که شاه بقا، مات حکم اوست

هم بر پیادگان شما نیز بگذرد (۱)

سیف «از هرج و مرجی که ظاهراً به خاطر مهاجمه وحشت انگیز مغول در تمام سرزمین ها پیدا شده، به سختی می نالد و ناراحتی های خود را با تأثر بسیار اظهار می کند و از گذشته های امن یاد می نماید و توضیح می دهد که روان شدن خون عزیزان همانند آب بر خاک، افتادن ولایات به دست مردم بی عقل و بی دین، در آمدن مُلک آدمیان در اختیار شیاطین، سرگردانی امرا و سلاطین، شکسته شدن رایت اسلام، پیری و فرتوتی دین و جوانی و برومندی دولت کفر

ص: ۷۹

و بی بند و باری صاحب قدرتان، وزش باد فنا از مَهَبِ قهر الهی و امثال این مطالب، نتیجه هجوم بنیان کن مغولان بوده است».

(۱)

ب) شعر مشروطیت

اشاره

پیش تر گفتیم که وقتی به تاریخ ادبیات این مرز و بوم مراجعه می کنیم، می بینیم در طول صدها سال، شعر فارسی گرچه از نظر سبک های ادبی و نوع بیان شاعری متفاوت شده، همواره در یک مسئله اشتراک داشته و آن، دور بودن از مردم و درباری بودن شعر است؛ یعنی از زمان رودکی، پدر شعر فارسی، تا قرن ها بعد و عصر قاجار، شاعران همواره کنج عافیت دربار را بر نماینده مردم بودن ترجیح می دادند و صبح و شام، پادشاهان را می ستودند و صله می ستاندند. زین العابدین مراغه ای، در کتاب سیاحت نامه ابراهیم بیک خود که در همین عصر قاجار نوشته، می نویسد:

بهره ای که [دولتیان] از آیین وزارت و حکومت دارند، همانا پیوند کردن دو سخن دروغ به همدیگر است که شعرش نام گذاشته اند. بعضی به واسطه آن سخنان به هم پیوسته، پادشاه را به آسمان برده، معراج می دهند و برخی هم دارا و سکندر را از گور در آورده، تفنگ به دوشش داده، به قراولی و درباری در گاه سلطنت و می دارند. زمره ای نیز در عدالت، نوشیروان و در زهد و تقوا، ثانی اباذر و سلمانش می شمارند و فرقه ای از آن بی آرمان نیز خرس کشتن پادشاه را در جنگل، ردیف ضربت اسدالله الغالب در روز خندق می نگارند. (۲)

ص: ۸۰

۱- جامعه شناسی ادبیات یا اجتماعیات در ادب فارسی، ص ۱۲۴.

۲- زین العابدین مراغه ای، سیاحت نامه ابراهیم بیک، تهران، نشر سپیده، بهار ۲۵۳۷ شاهنشاهی، چ ۴، ص ۱۲۲.

مراغه ای در جایی دیگر، در مورد شاعران عصر قاجار می گوید: «شاعری، یعنی مداحی کسان ناسزاوار». (۱)

در این میان، در دهه آخر عمر ناصرالدین شاه قاجار، اندک اندک در کنار شعر درباری، نوعی شعر مردمی باب شد. این جریان، به اعتبار مخاطب، شعر مردمی نامیده می شد؛ «چه، مخاطبان اصلی آن، نه درباریان و صاحبان زور و زر و تزویر که جمهور مردمی بودند که در ازای شنیدن شعر، صله ای به شاعر نمی دادند و شاعر نیز توقع وظیفه و انعام از آنها نداشت. (۲) از این دست شاعران، به فروغی بسطامی، یغمای جندقی، میرزا نعیم و ادیب نیشابوری می توان اشاره کرد. (۳)

این شعر مردمی، فقط از نظر مخاطب تغییر کرده بود، ولی از نظر مضمون، «درون مایه این نوع اشعار را مضمون های کهنه و غیرقابل مصرف عارفانه، عاشقانه، پند، اندرز و دیگر مضمون های پراکنده تشکیل می داد که غالباً به علت تهی بودن از روح و معنویت لازم و گرفتار شدن در گرداب تکرار و تقلید، تأثیر خود را از دست داده بود». (۴)

البته پس از عصر ناصری، «تحولات اجتماعی که بعد از مشروطیت در ایران به وجود آمد، در تمام جنبه های زندگی ایرانیان مؤثر واقع شد و در افکار و عقاید آنان رخنه کرد و در عرصه حیات ادبی کشور نیز منعکس

ص: ۸۱

۱- همان، ص ۱۵۹.

۲- سید مهدی زرقانی، چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران، ثالث با همکاری انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۳، چ ۱، ص ۴۹.

۳- نک: همان.

۴- همان.

شد. (۱) بر همین اساس، به موازات تحولات سیاسی اجتماعی ایران آن دوره، ادبیات و به ویژه شعر نیز باید در مخاطب و مضمون، تغییر فزون تری به خود می دید و از همه نظر نو می شد. به همین دلیل، پس از امضای فرمان مشروطه به دست مظفرالدین شاه و درگذشت این شاه و مخالفت شاه بعدی، محمدعلی شاه با بساط مشروطه، شاعران با زبانی نو، (۲) به مبارزه با او پرداختند. به عقیده دکتر شفیعی کدکنی:

درون مایه های شعر مشروطه در قیاس با دوره قبل، مسائلی است از قبیل آزادی، وطن، زن و تعلیم و تربیت او، غرب و صنعت غرب، انتقادهای اجتماعی و تا حد زیاد، دوری از نفوذ دین. (۳)

با توجه به استفاده فراوان شاعران مشروطه از دین و عناصر آن در شعرهای خود، باید پذیرفت که «انقلاب مشروطه هرگز به معنای پشت کردن به مفاهیم دینی یا به معنای تلاش برای غربی ساختن ایران نبود. سخنان تندی نیز که گاهی از سوی بعضی از مشروطه خواهان بیان می شد، نه علیه دین و دین داری، بلکه علیه خرافات و اوهامی بود که به اسم دین، به مردم فروخته می شد.» (۴) حتی می بینیم دکتر عبدالحسین زرین کوب درباره روح دیانت در اشعار ملک الشعراء بهار می نویسد:

در بیشتر قصاید بهار، روح دیانت، جلوه ای بارز دارد. نه فقط اشعاری

ص: ۸۲

۱- گروهی از نویسندگان، نهضت مشروطیت ایران (مجموعه مقالات)، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تابستان ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۶۳.

۲- دکتر شفیعی کدکنی در مورد این زبان نو می نویسد: «زبان شعر مشروطه، اندک اندک به زبان کوچه نزدیک می شود؛ چه از لحاظ نحو و چه از لحاظ صرف یعنی واژگان». (ادوار شعر فارسی از مشروطه تا سقوط سلطنت، ص ۴۳)

۳- همان، ص ۳۷.

۴- عباس عبدالمحمدی، مقاله: «تفکر دینی در ادبیات مشروطه»، ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، ج ۲، ص ۲۴۵.

که در مدح و رثای پیامبر و امامان است، شاهد این دعوی است، بلکه در اخلاقی هم که وی تعلیم می دهد، روح دیانت و تعلیم اهل ظاهر، بارزتر و قوی تر از روح عرفان و تعالیم حکما به نظر می آید. (۱)

برخی نویسندگان، شعر دوره مشروطه را، شعر دوره گذرا می دانند و معتقدند:

شعر دوره مشروطه، شعر «دوره گذرا یا انتقال» است. در جامعه شناسی تاریخی، دوره گذرا به دوره ای اطلاق می شود که در آن، همه ابعاد جامعه در حال دگرگونی است و بحران های فکری، اخلاقی و روحی به اوج خود می رسد. ویژگی های دوره گذرا از این قرار است:

۱. انقطاع پیوندهای جامعه با گذشته و اصول کلاسیک؛

۲. فروریختن ارزش های مذهبی، اجتماعی و ادبی و شورش در برابر آنها؛

۳. مبالغه در نوگرایی و میل به بدعت و تشکیل دو جبهه متخاصم و افراطی متجدد و سنت گرا؛

۴. بیگانگی روزافزون با خود، دیگرپرستی، شخصیت زدایی و آشفتگی وجدان اجتماعی؛

۵. اعتراض به انحطاط و زدودن معنویت؛

۶. بالا رفتن میزان جرم و جنایت و شور و شر و ظهور مذاهب انحرافی. (۲)

بدین ترتیب، شعر مشروطیت، با ویژگی های خاص خود پدیدار می گردد و چنین تعریف می شود:

شعر مشروطیت، بخشی از ادبیاتی است که در دوره مبارزه مشروطه خواهان بر ضد حکومت استبدادی قاجاریه، یعنی چند سال آخر

ص: ۸۳

۱- عبدالحسین زرین کوب، با کاروان حله: مجموعه نقد ادبی، تهران، علمی، پاییز ۱۳۷۴، چ ۹، ص ۳۷۷.

۲- چشم انداز شعر معاصر ایران، ص ۶۱.

سلطنت ناصرالدین شاه تا اوایل سلطنت رضا شاه پهلوی به وجود آمد و چون هدف اصلی آن، مبارزه برای کسب آزادی و استقرار حکومت مشروطه در ایران بود، به ادبیات مشروطیت معروف شد. در این میان، شعر به علت قدرت تأثیری که داشت، سهمی بیشتر بر عهده گرفت و بدین ترتیب، شعر مشروطیت با ویژگی های خود، بخشی از تاریخ شعر فارسی دری را به خود اختصاص داد. (۱)

ویژگی مهم این شعر این است که «بعد از مشروطیت، تحت تأثیر فعل و انفعالات مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، مخاطبان بیشتری پیدا کرد. ادبیات به درون مردم کوچه و بازار کشیده شد و از انحصار دربار و اشرافیت به در آمد. توسعه سواد در بین عامه مردم، گسترش چاپ و انتشار و گرایش های عمومی در حیات اجتماعی ایران، مطبوعات و رسانه های گروهی، تأثیرات عمیقی در بسط و توسعه ادبیات نوین ایران به جا گذاشت». (۲)

باید پذیرفت با گشت و گذاری در دیوان های شعر عصر مشروطه، فراوان به عناصر دینی برمی خوریم که از سوی شاعران این عصر، به کار رفته است؛ مفاهیمی چون خدا، (۳) قرآن کریم، (۴) حجاب (۵) و مدح و رثای

ص: ۸۴

-
- ۱- . واژه نامه هنر شاعری، ص ۱۶۴.
 - ۲- . یعقوب آژند، ادبیات نوین ایران، از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، چ ۱، ص ۱۱.
 - ۳- . فرخی یزدی: عالم همه عابدند و معبود یکی است دنیا همه ساجدند و مسجود یکی است با دیده انصاف چو نیکو نگری روحانی و ما را همه مقصود یکی است (محمد فرخی، دیوان فرخی یزدی، تصحیح و مقدمه: حسین مکی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، چ ۱، ص ۲۱۶). نسیم شمال: همیشه مسلک ما یاری خدا بوده برای دین خدا جان ما فدا بوده... (سید اشرف الدین حسینی (نسیم شمال)، باغ بهشت، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۵۷، ص ۱۴).
 - ۴- . عشقی: نام دژخیم وطن، دل بشنود خون می کند پس بدین خونخوار، اگر شد روبه رو چون می کند؟ آن که گفتی، محو قرآن را همی باید نمود عنقریب این گفته با سرنیزه مقرون می کند (سید محمدرضا میرزاده عشقی، کلیات مصور عشقی، تألیف و نگارش: علی اکبر مشیر سلیمی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، چ ۷، ص ۳۳۴)
 - ۵- نسیم شمال: دختری دیدم که از عفت به رخ بسته نقاب در میان چادری پیدا شده چون آفتاب چون بدیدم آن حیا و آن عفاف و آن حجاب گفتمش احسنت خواندم این دو شعر مستطاب دختران را یار جانی عصمت است و عفت است میوه باغ جوانی عصمت است و عفت است... (باغ بهشت، ص ۷۱)

۱- حیفم آمد در اینجا این شعر عارف قزوینی را نیاورم سلام اول ما بر رسول خالق اکبر دوم به ساقی کوثر، سوم شفیعه محشر سلام چارم و پنجم به مجتبی و شه دین یکی شهید به زهر و دگر ز نیزه و خنجر ششم سلام به آن کس که بود عابد و ساجد به عابدی که شد آخر، اسیر فرقه کافر سلام هفتم ما هست بر محمد باقر که جمله اند به نزدش مثال بنده و چاکر سلام هشتم ما، بر ششم امام طریقت که فاضل است و وثیق و شفیق، حضرت جعفر نهم به موسی کاظم، دهم به شاه خراسان که دین ختم رسل را نموده اند منور سلام یازدهم بر امام عالم و آدم محمدتقی، آن اعلم و یگانه هنرور سلام می کنم از جان و دل علی نقی را که اوست بر همه مولا- و اوست بر همه سرور سلام سیزدهم بر وجود باذل عادل جامام یازدهم، عسکری شیر دلاور سلام چاردهم بر امام قائم بالحق جکه گشته غایب و پنهان به امر حضرت داور ظهور او همه خواهان و مقدمش همه عاشق که تا بری بنماید جهان ز کفر سراسر به امر خالق یکتا کند ظهور و همانا زمانه را کند از عدل، مُشکبیز و معطر شفیع روز جزا شو مرا تو ای شه خوبان تو ای یگانه شهنشاه دین و حجت و رهبر

فراوان در این دیوان‌ها دیده می‌شود. در این مقام، به مناسبت عنوان بحث که نقش این شعرها در جنبش آفرینی مشروطه است، فقط به مفاهیمی می‌پردازیم که در این راستا نقش داشته‌اند:

یک عشق به دین و وطن

* نسیم شمال:

اجنبی شد حمله ور بر مذهب و آیین ما

ای دریغا می رود هم مملکت هم دین ما

ای جوانان وطن آلیوم همت است

ای هواخواهان دین امروز روز غیرت است

می رود ناموس، آخر این چه خواب غفلت است

دشمن بیگانه آمد بر سر بالین ما

ای دریغا می رود هم مملکت هم دین ما... (۱)

* ملک الشعراء بهار:

هان ای ایرانیان! ایران اندر بلاست

مملکت داریوش دستخوش نیکلاست

مرکز ملک کیان در دهن اژدهاست

غیرت اسلام کو؟ جنبش ملی کجاست

برادران رشید! این همه سستی چراست

ایران مال شماست، ایران مال شماست

به کین اسلام باز، خاسته برپا صلیب

خضم شمال و جنوب داده ندای نهیب

ص: ۸۷

۱- دیوان ملک الشعراء بهار، ص ۲۰۸.

روح تمدن به لب، آیه امن یجیب

دین محمد یتیم، کشور ایران غریب

ج

بر این یتیم و غریب نیکی، آیین ماست

ایران مال شماسست، ایران مال شماسست (۱)

* فرخی یزدی:

ای وطن پرور ایرانی اسلام پرست

همتی زانکه وطن رفت چو اسلام ز دست

بیرق ایران از خصم جفاچو شده پست

دل پیغمبر را ظلم ستمکاران خست

خلفا را همه دل غرقه به خون است ز کفر

حال حیدر نتوان گفت که چون است ز کفر... (۲)

* ادیب الممالک فراهانی:

تا ز برِ خاکی ای درخت برومند

مگسل از این آب و خاک، رشته پیوند

مادر توست این وطن که در طلبش خصم

نار تطاول به خاندان تو افکنند...

این وطن ما منار نور الهی است

هم ز نُبی خواندم این حدیث و هم از زند

آتش حُبِّ الوطن چو شعله فروزد

جاز دل مؤمن کند به مجمره اسپند...

* میرزاده عشقی:

ص: ۸۸

-
- ۱- دیوان فرخی یزدی، ص ۱۹۱.
 - ۲- سید علی موسوی گرمارودی، زندگی و شعر ادیب الممالک فراهان، ی تهران، قدیانی، ۱۳۸۴ چ ۱، ج ۲، صص ۱۶۳ و ۱۶۴. (این شعر، تلمیحی است از این روایت نبوی: حب الوطن من الايمان).

مرا عزاست نه عید، این چه عید قربان است
که گوسفند وطن زیر تیغ خصمان است
الا که عید من امروز نیست، چون قربان
شوم پی وطن، آن روز عید قربان است
مرا به جامه عیدی مبین، دلم خون است
درون خانه عزا و برون چراغان است (۱)

دو مبارزه با ستم شاهان با بهره گری از معارف دین

* ملک الشعراى بهار:

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست

کار ایران با خداست (۲)

مذهب شاهنشاه ایران ز مذهب ها جداست

کار ایران با خداست...

* ملک الشعراى بهار:

پادشاهها ز ستبداد چه داری مقصود

که از این کار جز ادبار نگردد مشهود

جود کن در ره مشروطه که گردی مسجود

شرف مرد به جود است و کرامت به سجود

هر که این دو ندارد عدمش به ز وجود

ملکا جور مکن پیشه و مشکن پیمان

که مکافات خدایی ت بگیرد دامان

۱- . کلیات مصور عشقی، ص ۴۱۱.

۲- دیوان ملک الشعراء بهار، ص. ۱۲۴.

خاک مصر طرب انگیز نبینی که همان

خاک مصر است ولی بر سر فرعون و جنود... (۱)

* نسیم شمال:

تا چند کشی نعره که قانون خدا کو

گوش شنوا کو (۲)

آن کس که دهد گوش به عرض فقرا کو

گوش شنوا کو...

* میرزاده عشقی:

...دست و پای گلّه با دست شبانشان بسته اند

خوانی اندر ملک ما، از خون خلق آرسته اند

گرگ های آنگلو ساکسون، بر آن بنشسته اند

ج

هیئتی هم بهرشان، خوان گسترانی می کند

رفت شاه و رفت ملک و رفت تاج و رفت تخت

باغبان زحمت مکش، کز ریشه کردند این درخت

میهمانان و ثوق الدوله، خونخوارند سخت

ای خدا با خون ما این میهمانی می کند... (۳)

سه اتحاد مسلمانان

* ملک الشعراى بهار:

...خوش بُود ار ملت اسلام نیز

دشت بشویند ز کین و ستیز

زان که فزون است بداندیش ما

دشمن ملک و عدوی کیش ما

چاره ما نیست به جز اتحاد

این ره رشد است فنعم الرّشاد

ص: ۹۰

۱- همان، ص ۱۱۰.

۲- باغ بهشت، ص ۲۵.

۳- کلیات مصور عشقی، ص ۳۱۰.

پند همین است خموش ای بهار

جوی دل پندنیوش ای بهار

چاره ما یاری دین است و بس

خاتمه الخیر همین است و بس (۱)

* فرخی یزدی:

گاه آن است که زین و لوله و جوش و خروش

که به پا گشته ز هر خائن اسلام فروش

غیرت توده اسلام درآید در جوش

همگی متحد و متفق و دوش به دوش

حفظ قرآن را بر دفع اجانب تازند

یا موفق شده یا جان گرامی بازند... (۲)

* نسیم شمال:

واحسرتا که بر هم، اتفاق ملت

بر باد داد دین را، بغض و نفاق ملت

مبعوث شد به امت پیغمبر نکونام

تعلیم کرد بر خلق، احکام شرع اسلام

یک دین و یک خدا را بر خلق کرد اعلام

تا بر نفاق دایر گردد وفاق ملت

داد از نفاق ملت، داد از نفاق ملت... (۳)

* نسیم شمال:

خورشید وطن با ماه دیروز برابر شد

ایرانی و عثمانی امروز برادر شد

ص: ۹۱

۱- دیوان ملک الشعراء بهار، ص ۷۹۶.

۲- دیوان فرخی یزدی، ص ۱۹۲

۳- باغ بهشت، ص ۱۰۱.

این عقد اخوت باز شد تازه مبارک باد

پیچید به هفت اقلیم آوازه مبارک باد

شد پاره ز استبداد شیرازه مبارک باد

این شیعه و سنی باز یک روح و دو پیکر شد

ایرانی و عثمانی هستند به یک پایه

هم مشرب و هم قبله، هم مذهب و هم سایه

فرمان اخوت داد خلاق به هر آیه

ز ساحت قدس حق مشروطه مقرر شد

ایرانی و عثمانی امروز برادر شد... (۱)

چهار انقلاب

* فرخی یزدی:

نای آزادی کند چون نای انقلاب

باز خون سازد جهان را نینوای انقلاب

انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید

نیست غیر از خون پاکان خون بهای انقلاب.. (۲)

* میرزاده عشقی:

این ملک، یک انقلاب می خواهد و بس

خونریزی بی حساب می خواهد و بس

امروز دگر درخت آزادی ما

از خون من و تو آب می خواهد و بس (۳)

* فرخی یزدی:

ص: ۹۲

۱- همان، ص ۲۱۹.

۲- دیوان فرخی یزدی، ص ۹۲.

۳- کلیات مصور عشقی، ص ۴۱۲.

روزی که شهید عشق قربانی شد

آغشته به خون مفخر ایرانی شد

در ماتم او عارف و عامی گفتند

ایام صفر، محرم ثانی شد (۱)

عارف قزوینی:

از خون جوانان وطن لاله دمیده

از ماتم سرو قدشان سرو خمیده

در سایه گل بلبل از این غصه خزیده

گل نیز چو من در غمشان جامه دریده

چه کج رفتاری ای چرخ

چه بدکردای ای چرخ

سر کین داری ای چرخ

نه دین داری، نه آیین داری ای چرخ (۲)

* ادیب الممالک فراهانی:

گر همی خواهی که اسلام آید از خواری برون

جان فدا کن، گریه را حاصل چه باشد ای ادیب (۳)

ج) شعر در عصر پهلوی اول

پس از عصر مشروطه و روی کار آمدن حکومت پهلوی، ادبیات و شعر، از آن شورآفرینی دوره مشروطه به درآمد و خیلی

رقیق شد؛ چه از نظر مخاطب و چه از نظر مضمون. شخصیت های درجه یک این شعر هم هر یک به نوعی به کنار رفته بودند

و جانشین هاشان، عروسک های خیمه شب بازی بودند که فقط

۱- دیوان فرخی یزدی، ص ۲۲۶.

۲- دیوان عارف قزوینی، ص ۳۱۶.

۳- زندگی و شعر ادیب الممالک فراهانی، ج ۲، ص ۷۰.

ظاهری پُرطَمَطَاق داشتند؛ و لا غیر. از این روست که دکتر شفیع کدکنی درباره این رجال ادبی آن دوره می نویسد:

در این دوره، آنها که به عنوان ادبای رسمی هستند، یعنی کسانی که روزنامه ها را اشغال کرده اند و تریبون ها را در اختیار گرفته اند، می توان گفت غالباً آدم های سطحی، و در زمینه شناخت مسائل اجتماعی کم فرهنگ، خودفروخته و حتی بی وطن هستند. بهار در تبعید است؛ ایرج مرده است؛ عارف در همدان به زندگی گیاهی خودش ادامه می دهد و در درّه های همدان تقریباً حالت زندانی به خود گرفته است؛ عشقی هم ترور شده است، پروین اعتصامی هم زنی بود بیشتر منزوی و نهایت انتقادی که دارد در: «روزی گذشت پادشهی از گذرگهی...» منعکس است؛ غالب اعتراض های فرخی یزدی هم با کنایه و به کار گرفتن استعارات شعر کلاسیک است و کمتر صراحت دارد. (۱)

فشار و سانسوری که رژیم رضاخانی بر ادیبان وارد می کند، به اندازه ای است که حتی انتقادها در شعر این دوره «متوجه چیزهای سطحی و روبنایی است. انتقادها، سطحی است و آن تندی ای که در شعر عارف و عشقی و بهار بود و به ریشه مسائل می زد، در این دوره نیست [و] رژیم، این اجازه را به کسی نمی دهد که به مسائل عمقی بیندیشد و مسائل عمقی را در آثار خود منعکس کند». (۲)

از این رو، شعر آن دوره، رو به نوعی «نمادگرایی» می نهد و دیگر از شعرهای با پیام مستقیم و عامه پسند امثال نسیم شمال، عارف و عشقی خبری نیست. به همین دلیل، اندک اندک شعر دوباره مثل سده های پیش، از

ص: ۹۴

۱- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، صص ۴۷ و ۴۸.

۲- همان.

دسترس عموم خارج و به ادیبان و خواص مختص می شود. نویسنده ای در مورد پیدایش این نمادگرایی می نویسد:

در اوایل دوران سیاه پهلوی، بعضی از آزادی خواهان و حتی شاعران، از حربه کارآمد شعر و قلم برای مبارزه، به خوبی استفاده می کردند، ولی به علت همان جوّ دوره رضاخانی و نیز عدم اعتقاد عمیق خود، در نهایت یا از مبارزه دست کشیدند و سکوت اختیار کردند، یا متأسفانه مفتون و فریفته فرهنگ آن روز غرب شدند. البته همان جوّ خفقان آلود، خیلی سریع و صریح اثرش را در ادبیات جلوه گر ساخت؛ زیرا شاعران مجبور بودند حرفشان را در بستری از کنایه و رمز و اشاره و... بیان کنند. از این رو، شعر به طرف نوعی تمثیل گرایی و سمبولیزم کشیده شد. واژه هایی چون شب، دیو، جنگل، نور، دریا، سیم خاردار، نسیم، خورشید، بهار، باران، دشنه، غبار، سکوت، زمستان، بیابان، چراغ، ابر، قاصدک و...، معنایی غیر از معنای لغوی خود داشتند. (۱)

برخی هم معتقدند: «دوره بیست ساله حکومت استبدادی رضا شاه، مانع سیر طبیعی جریان شعر مشروطیت شد» (۲) و در این دوره بود که شعر رو به انحطاط گذاشت. دکتر شفیع کدکنی در کتاب محققانه ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، با آوردن نمونه ای عینی، درباره این انحطاط می نویسد:

نمونه دیگر انحطاط، روزنامه کانون شعر است که در سرلوحه آن (۱۶ فروردین ۱۳۱۳ ه. ش) هدف های روزنامه به قرار ذیل تعیین شده بود:

۱. ایجاد حس وطن پرستی و شاه دوستی با زبان شعر و نثر در بین تمام طبقات؛

ص: ۹۵

۱- منوچهر اکبری، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، بخش اول: شعر، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی،

پاییز ۱۳۷۱، چ ۱، ج ۱، ص

۲- واژه نامه هنر شاعری، ص ۱۶۵.

۲. مبارزه جدی علیه مسکرات؛

۳. توجه دادن جامعه ایرانی به صنایع مفیده اروپا و امریکا.

یکی نبود از آن ساده دلان پرسد که این حرف ها چه ربطی به عالم شعر دارد. (۱)

پس می بینیم در آن دوره خفقان رژیم رضاخانی، هیچ شاعری، چه دینی و چه غیردینی، جرئت مخالفت سرایی نداشت و اگر هم استثنا شاعری بود مثل فرخی یزدی، لبانش را به هم می دوختند و سر به نیستش می کردند.

نکته دیگر آنکه در آن زمان، مخالفت با مظاهر مذهبی چون حجاب و روحانیت، خاستگاه دولتی داشت و از سوی مطبوعات به آن دامن زده می شد. از این رو، شاعران در خدمت رژیم، همواره می کوشیدند خوش خدمتی کنند و بر ضد این مضامین شعر بسرایند. بر این اساس، رهبر کبیر انقلاب در سخنانش درباره شعر آن دوره و مخالفت آن با دین می فرماید:

شعرا شعر گفتند، مجالس درست کردند، محافل درست کردند، تبلیغات کردند. هرطور توانستند، با هر شیوه ای، این روحانیون را و این متدینین را کوبیدند و مقصود اصلی این بود که اسلام را از بین ببرند. (۲)

د) شعر در عصر پهلوی دوم

یک ادبیات مطلوب رژیم

نویسنده کتاب شعر و شاعران در ایران اسلامی، به حق درباره ادبیات موردنظر رژیم پهلوی می نویسد:

در دوران سیاه طاغوت، تلاشی هماهنگ و گسترده توسط رژیم و وابستگانش رسمی و غیررسمی صورت می گرفت تا ادبیاتی عرضه شود

ص: ۹۶

۱- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ص ۵۲.

۲- صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۱.

که هیچ نشانی از میراث گذشتگان نداشته باشد. نوپردازان و پیشتازان ادب معاصر، پا به میدان نهادند که روند فسادشان چهار محور اساسی را تشکیل می داد:

یک اسلام زدایی و ارائه طرح های مبتذل از ملیت و گذشته ایرانیان؛

دو خودباختگی در برابر فریب های غرب و اشاعه جلوه های منحط فرهنگ آن دیار؛

سه ترویج فساد اخلاقی و جنسی؛

چهار به انحطاط و سقوط کشاندن فرهنگ و ادب فارسی. (۱)

با گشت و گذاری هرچند کوتاه در مجموعه شعرهای چاپ شده در آن زمان، به راحتی می توان رد پای این محورها را دید، چنان که در بحث بعد (شاعران روشن فکر) به برخی از آنها می پردازیم.

دو شاعران روشن فکر

اشاره

گفتیم که مشکل بزرگ شعر فارسی پیش از مشروطه، دوری از مردم بود. عوام، حرف شاعران، یعنی خواص را نمی فهمید؛ در نتیجه، سخن بیشتر شاعران به مردم نمی رسید یا اگر هم می رسید، اقبالی نمی یافت. جالب اینجاست که درست همین مشکل برای شاعران روشن فکر عصر پهلوی دوم هم اتفاق افتاد؛ یعنی مردم نه آنها را می شناختند، نه حرفشان را می شنیدند و می فهمیدند و نه به آن اهمیت می دادند. شاهد آن، اعلام به بن بست رسیدن شعر این شاعران، از سوی این نویسنده است در همان سال ها:

آنچنان که معلوم است، شعر امروز ایران به بن بست رسیده است. دفترهای شعر، دیگر خواننده چندانی ندارد و به همین سبب، واحدهای

ص: ۹۷

انتشاراتی، به نشر دفترهای تازه شعر، علاقه و رغبتی نشان نمی دهند؛ زیرا حتی درباره نامدارترین شاعران امروز و حتی با تیراژهای هزار تا حداکثر دو هزار نسخه نیز واحدهای انتشاراتی، امید به فروش دفترهای تازه شعر ندارند... چنین شعرهایی قادر به برانگیختن شور و شوقی در گروه شعر دوست نیست؛ سرِ زَا می رود و دیگر از آنها در یاد و زبان مردم، خبری نیست.

(۱)

برای شعر این شاعران، سه درون مایه برجسته برشمرده اند:

اول مرگ و نومیدی

شعر روشن فکران آن دوره، سرشار از درون مایه مرگ و نومیدی است، به گونه ای که «غالباً شاعران به مرگ می اندیشند و اصولاً یکی از درون مایه های اصلی شعر این دوره، مسئله اندیشیدن شاعران به مرگ و حتی ستایش مرگ و ناامیدی عجیب و غریبی است که شاید بهترین پیغام گزارش به حق اخوان ثالث باشد.» (۲) آل احمد نیز درباره شاعر این دوره می نویسد: «شاعر امروز هم مثل آدم هرکاره دیگری، آدمی است سرگردان در این جهان؛ میان ترس و امید.» (۳)

دوم پناه بردن به افیون

در کنار درون مایه مرگ و نومیدی، «مضمون دیگری رشد کرد و آن پناه بردن به افیون و میخانه و مستی و گریز از هشیاری و ستیز و مبارزه است. این ویژگی، بیشتر در نتیجه یأس و شکست بعد از ۲۸ مرداد برای

ص: ۹۸

۱- ناصر پورقمی، شعر و سیاست و سخنی درباره ادبیات ملتزم، تهران، مروارید، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، صص ۵ و ۶.

۲- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ص ۶۱.

۳- جلال آل احمد، ارزیابی شتابزده، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، چ ۱، ص ۲۲.

روشن فکران به وجود آمده بود. در آن جوّ یأس و مرگ، اندک اندک، مضمون‌هایی از قبیل ستایش میخانه و می و پناه بردن به افیون و هرویین رواج یافت و بسیاری از شاعران این نسل، در غبار گم شدند» (۱).

برای این مسئله، مثال جالبی از کتاب شعر و سیاست، نوشته ناصر پورقمی می آورم:

به یاد یک «شعر» از یکی از شاعران نامدار و به اصطلاح «صاحب نظر» این زمانه می افتم که حتی پس از چند بار خواندن، موفق به درک مقصد و مقصود و حتی موضوع آن نشدم و عاقبت با اغتنام فرصت آشنایی با شاعر، با وی به گفت و گو نشستیم و هنگامی که او با حوصله بسیار، شعر خود را شکافت و مفهوم و موضوع آن را گفت، معلوم شد موضوع «شعر» و مراد شاعر، جز این نبوده که شبی در شهر او میخانه‌ها تعطیل بوده اند و او به اجبار به کنج اتاقش پناه برده و استکانی زده و باز هم همان در و دیوار و همان تکرار! (۲)

اینجاست که این نویسنده، نومیدانه از شعر روشن فکری روزگارش، با درد و گلایه فراوان می نویسد:

آیا به راستی، این است شعر روزگار ما؟ این است شعری که آن همه تئوری درباره حقانیت آن می بافند؟ این است شعری که مردم باید با آن زندگی کنند و آن را دست مایه جنبش و حرکت کنند؟ آیا به راستی، این است مهم ترین مسئله روزگار ما و دیار ما؟ با چنین شعری است که در این روزگار و در این دیار می توان با مردم رابطه برقرار کرد؟ و آیا با چنین شعرهایی، باز هم می توان از توده مردم یا دست کم از گروه شعر دوست،

ص: ۹۹

۱- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ص ۶۱.

۲- شعر و سیاست و سخنی درباره ادبیات ملتزم، ص ۱۳.

توقع اقبال داشت؟ (۱)

سوم ستیز با اخلاقیات حاکم بر جامعه

سومین درون مایه شعر روشن فکران عصر پهلوی دوم، «ستیز و درگیری شعرا با اخلاقیات حاکم بر جامعه است. نفرت و دشمنی آنها با نهادها و اصول سنتی اخلاق حاکم بر جامعه خواه در شکل دینی و خواه در شکل عرف اخلاقی حاکم بر جامعه آشکار است، به همراه نوعی کفر گفتن و گونه ای تجاهر به فسق، و این تمی بود رایج و حاکم بر تفکر شعرای آن دوره» (۲).

می بینیم که از دل این شعر زنگار بسته افیونی، نه ندایی از دین بلند است و نه جایی برای شورآفرینی و برآوردن رسالت شاعری و تعهد. هرچه هست، مستی واژه بر روی سفید کاغذ است که خواننده ندارد و کمتر کسی، گوشه ذهنش را به آن مشغول می کند.

سه انواع شعر سیاسی دوره پهلوی دوم

اشاره

اشعار سیاسی عصر پهلوی دوم را به چهار دسته می توان تقسیم کرد:

اول اشعار سیاسی چپ گرا

اشعار سیاسی چپ گرا، شامل سه نوع سروده است؛ اشعار کارگری، اشعار چریکی و توجه به انقلاب های نقاط مختلف جهان. البته «از نظر گستردگی و مقبولیت اشعار سیاسی چپ، در طول این دوره فراز و نشیب هایی به چشم می خورد. در دهه بیست، به خاطر حضور نیروهای شوروی در ایران و حمایت آنها از گروه های چپ گرا، اشعار چپ گرایانه رونق زیادی داشت، اما

ص: ۱۰۰

۱- همان.

۲- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ص ۶۲.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و کشف سازمان نظامی حزب توده، فعالیت شعرای چپ گرا کمتر شد. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه در اواخر دهه چهل، با شروع مبارزات چریکی، اشعار چریکی این گروه در بین مردم گسترش پیدا کرد.^(۱)

دوم اشعار سیاسی ملی گرایانه

شاعران ملی گرا با استفاده از آموزه های ملی گرایانه، به مخالفت با رژیم پهلوی می پرداختند. نهضت ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد و نیز دکتر مصدق، به طور گسترده در شعر این دست شاعران بازتاب یافته است. توجه به مفاخر کهن، قهرمانان ملی و اساطیری، بیگانه ستیزی و نیز اهمیت دادن به وحدت ملی و زبان فارسی، از دیگر موضوع های مورد علاقه ملی گرایان شاعر است. نکته پایانی اینکه «اشعار ملی گرا کمتر به حوادث بین المللی توجه داشتند و اکثراً به مسائل داخلی کشور می پرداختند».^(۲)

سوم اشعار سیاسی اسلامی

«قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، نقطه عطفی در مبارزات مردم ایران علیه حکومت پهلوی بود. پس از این قیام بود که مردم و نخبگان جامعه، به اهمیت و نقش اسلام در مبارزه پی بردند. در بین شاعران نیز اندک اندک افرادی، واژه ها و مفاهیم اسلامی را در شعرشان به کار بردند؛ درحالی که قبل از سال ۱۳۴۲، استفاده از تعبیر اسلامی در اشعار سیاسی، چندان به چشم نمی خورد. با

ص: ۱۰۱

۱- شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۱۹۲.

۲- همان، ص ۲۴۴

نزدیک شدن به پیروزی انقلاب اسلامی، بر تعداد شاعرانی که از مفاهیم اسلامی در شعرشان بهره می گرفتند، افزوده شد».

(۱)

برخی مفاهیم اسلامی مانند عدالت، قیام، شهادت، انتظار، ولایت و ظلم ستیزی، در شعر شاعران این دوره فراوان به کار رفته است. در بخش بعد، به طور مفصل به این گونه سیاسی شعر خواهیم پرداخت.

چهارم اشعار سیاسی سلطنت طلب

اشعار این شاعران به مدح و ثنای خاندان سلطنت می پردازد. موضوع هایی مانند سالروز تولد شاه یا ولی عهد، سالروز تاج گذاری شاه و پدرش و نیز انقلاب سفید شاه و ملت و جشن های ۲۵۰۰ ساله، بسیار مورد توجه این شاعران است. حتی کسانی از این شاعران بودند که «کودتای ۲۸ مرداد را به عنوان قیام ملی توصیف می کردند». (۲)

ه) شعر دینی پیش از انقلاب اسلامی

اشاره

با نگاهی گذرا به شعر و تحولات شعری در طول مدت پادشاهی محمدرضا، یعنی از سال ۱۳۲۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی، جریان های سیاسی گوناگون شعر را می توان مشاهده کرد که در بخش پیشین به سه تایی آنها که چندان ربطی هم به بحث شعر دینی ندارد به اجمال پرداختیم.

اینک به ضلع چهارم این مربع شعری می پردازیم؛ یعنی شعر دینی متعهد قبل از انقلاب. البته باید توجه داشت و انصاف داد که «بخش مهمی از شعر نو نیمایی در سال های دهه چهل و پنجاه، جنبه مذهبی نداشته، یا کمتر به

ص: ۱۰۲

۱- همان، ص ۳۰۲

۲- همان، ص ۳۲۵

مفاهیم دینی تمایل نشان داده است.»^(۱) به هر حال، شعر دینی هم با وجود شاعران اندک خود، مثل نعمت میرزاده (م.آزم)، طاهره صفارزاده، مهرداد اوستا، علی موسوی گرمارودی، حمید سبزواری، محمود شاهرخی و چند تن دیگر توانست جایگاهی در میان شعر پیش از انقلاب برای خود بیابد و این شاعران، شرایط بد اجتماعی، سیاسی و مذهبی آن عصر را به ما می نمایانند.

به نظر می رسد در این نوع شعر، امام خمینی(ره) و دوره های پربار زندگی آن بزرگ مرد، در مرکز دایره توجه این شاعران قرار دارد، «به طوری که بخش وسیعی از اشعار سیاسی این دوره، حول محور رهبری ایشان سروده شده است.»^(۲) از این رو، بد نیست به طور گذرا، زندگی مبارزاتی آن عزیز سفرکرده را فهرست وار یادآوری کنیم تا مشخص شود کدام بخش از زندگی ایشان، بیشتر بر شاعران مذهبی تأثیر گذاشته است:

۱. تلگراف ایشان به علم، نخست وزیر در ۳۰/۱۰/۱۳۴۱ در اعتراض به طرح و تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی.

۲. تحریم رفراندوم در ۲/۱۱/۱۳۴۱.

۳. انتشار تلگراف امام در ۱۳/۱/۱۳۴۲ در پاسخ به تسلیت مراجع به مناسبت فاجعه حمله به مدرسه فیضیه قم.

۴. انتشار اعلامیه به تاریخ ۲۸/۲/۱۳۴۲ خطاب به واعظان درباره ایام محرم، مبنی بر بازگ کردن مسائل روز کشور بر منبر.

ص: ۱۰۳

۱- محمدجعفر یاحقی، جویبار لحظه ها: جریان های ادبی معاصر ایران، تهران، جامی، ۱۳۸۰، چ ۳، ص ۱۵۷.

۲- همان، ص ۲۴۶

۵. اعتراض به شاه در پایان درس خارج در ۱/۳/۱۳۴۲ ضمن بررسی اوضاع سال ۴۱ و ۴۲.
۶. سخنرانی تاریخی در عصر عاشورا (۱۳/۳/۱۳۴۴).
۷. دستگیری ایشان در نیمه شب ۱۵/۳/۱۳۴۲ که موجب پدید آمدن قیام تاریخی ۱۵ خرداد شد.
۸. انتقال ایشان در ۴/۴/۱۳۴۲ از پادگان قصر به سلولی در پادگان عشرت آباد و سپس در ۴/۵/۱۳۴۲ حصر امام در منزلی در داوودیه تهران.
۹. آزادی ایشان در ۱۵/۱/۱۳۴۳.
۱۰. واکنش ایشان به خیر روزنامه اطلاعات مبنی بر سازش رژیم و روحانیت.
۱۱. ۲۵/۲/۱۳۴۳ نخستین سخنرانی پس از آزادی و تأکید بر ادامه مبارزه.
۱۲. سخنرانی معروف ۴/۸/۱۳۴۳ و واکنش به طرح اسارت بار کاپیتولاسیون.
۱۳. تبعید به آنکارای ترکیه و سپس بورسا در ۱۳/۸/۱۳۴۳.
۱۴. مهاجرت به عراق در مهر ۱۳۴۴.
۱۵. شروع درس ولایت فقیه در مسجد شیخ انصاری در نجف اشرف در سال ۱۳۴۸.
۱۶. واکنش ایشان به برپایی جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در سال ۱۳۵۰.
۱۷. حرام دانستن شرکت در حزب فرمایشی و شه ساخته رستاخیز در پاسخ به استفتائات مردم در دی ۱۳۵۳.

۱۸. شهادت آقا سید مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶.

۱۹. درج مقاله توهین آمیز «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه اطلاعات و واکنش علما و مردم به آن.

۲۰. هجرت به پاریس و اقامت در نوفل لوشاتو در ۱۳/۷/۱۳۵۷.

۲۱. بازگشت غرور آفرین به ایران در ۱۲/۱۱/۱۳۵۷.

۲۲. تشکیل دولت موقت در ۱۵/۱۱/۱۳۵۷.

۲۳. پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲/۱۱/۱۳۵۷.

۲۴. ورود به قم پس از پانزده سال تبعید در ۱۰/۱۲/۱۳۵۷. (۱)

پس از شکست نیروهای ملی و مذهبی در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شاعران این دو جناح سرخورده شدند و تا مدت ها نتوانستند به مخالفت جدی با رژیم پهلوی پردازند. در این میان، جبهه مذهبی به ناگاه با خروش پیامبرگونه حضرت امام، جانی تازه گرفت و فعالیت خود را آغاز کرد. احمد درستی در کتاب شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم درباره موضوع های شاعران اسلام گرا در سال ۵۶ و ۵۷ می نویسد:

مبارزات مردم ایران در این دوره، به ویژه حوادث مربوط به انقلاب اسلامی، از جمله حوادث روزهای هفدهم تا نوزدهم دی ۱۳۵۶ در قم و چهلیم شهدای آن در تبریز و شهرهای دیگر، حادثه هفدهم شهریور ۱۳۵۷ و کشتار مردم در میدان ژاله (شهدای فعلی) که به جمعه سیاه معروف شد، حادثه آتش زدن سینما رکس آبادن و حماسه آفرینی ها و از جان

ص: ۱۰۵

۱- نک: مصطفی فیض، چراغ عجم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۸۲، چ ۱، صص ۱۴-۱۶.

گذشتگی های مردم در تظاهرات و راه پیمایی ها، از موضوع های مورد توجه شعرای اسلام گرا بود. (۱)

در اینجا موضوع هایی را که شاعران شعر دینی در مبارزه با رژیم پهلوی بدان پرداخته اند، جداگانه بررسی می کنیم.

یک مبارزه با استبداد و اختناق

اشاره

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بازگشت محمدرضا به ایران، شاهنشاه اندک اندک تمام قدرت را به دست خود گرفت و بیش از پیش به شاهی خودکامه و ظالم تبدیل شد. از این رو، جو اختناق، همه جا را فراگرفت و در واقع استبداد، بیداد می کرد.

کار این استبداد به جایی کشیده شد که نویسنده ای در مقدمه منتخبی از اشعار انقلابی که حدود سال ۱۳۵۸ به چاپ رسانده، وضع اختناق پهلوی و برخورد با شعر متعهد را چنین بیان می کند:

سال ها قبل از انقلاب، آن زمانی که خفقان و استبداد همه ایران را فراگرفته بود و سانسور بی رحمانه ای بر مطبوعات حکم فرما بود، اگر شاعر متعهد و آزاده ای شعری می سرود و فریادهای درونش را در جملاتی موزون می ریخت، آن شعر، زبان به زبان و دست به دست در همه شهرها و گاه شهرهای دور می گشت و آنهایی که از رژیم و جنایت های آن دل پرخونی داشتند، آن اشعار را در خلوت زمزمه می کردند یا در مجالس و محافلی که به دور از چشم اغیار تشکیل می شد، برای یکدیگر می خواندند و آتش خشم چون همیشه، در وجودشان به گردش در

ص: ۱۰۶

می آمد و دلها در هوای آزادی می تپید. (۱)

در این میان، شاعران مذهبی سرای آن دوره، بیکار نشستند و به سرایش اشعاری در نکوهش این جوّ اختناق پرداختند. در این مقام، به موضوع هایی که شاعران درباره آن شعر گفتند و نیز نمونه هایی از شعر آن می پردازیم:

اول نکوهش کودتای ۲۸ مرداد

پس از کودتا، شرایط خفقان آور پدید آمده، شاعران را به واکنش واداشت؛ چنان که خسرو فرشیدور، در شعری به نام «مغولان» که چند روز پس از آن واقعه سروده، عاملان کودتا و حکومت آنان را، حکومت مغولان می داند که برای از هم پاشیدن بساط اسلام و بنا کردن کفر آمده اند:

وحشیان، بی خردان، بی وطنان آمده اند

کافران، دوزخیان، اهرمنان آمده اند

ماردوشان ستم پیشه ضحاک تبار

بر سر نعش وطن خنده زنان آمده اند...

شب تاریک پی روز سپید آمده است

بت پرستان ز پی بت شکنان آمده اند

بهر پاشیدن اسلام و بنا کردن کفر

کافران، ددمنشان، دین شکنان آمده اند

شهریور ۱۳۳۲ (۲)

حمید سبزواری نیز در همان سال، مردمان ایران را زندگان بی اثر می داند و می سراید:

به غم نشسته در این تیره شام بی سحریم

به درد خفته در این رهگذار پرخطریم...

نهاده گوش به فرمان عامل زوریم

گشاده چشم به دنبال صاحبان زوریم

- ۱- ناهید امینیان، شکوفه های آزادی: مجموعه ای از اشعار انقلابی، تهران، میثم، ۱۳۵۸، ص ۷.
- ۲- عبدالرحیم ذاکر حسین، ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران، علم، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۰.

برهنه ایم و به شهر خیال شمشیریم

گرسنه ایم و به دنیای وهم، شیر نریم...

نه مرده ایم، که زندگان بی اثریم

نه زنده ایم که چون مردگان بی خبریم...

پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ سروده شد. (۱)

دوم انتقاد از برنامه های فرهنگی رژیم

برنامه های فرهنگی رژیم پهلوی، در راه نشر و تبلیغ فرهنگ غرب بود. این مسئله، به روشنی در برنامه های تلویزیونی، سینما و تئاتر آن دوره دیده می شود. به همین دلیل، شاعران علاقه مند به فرهنگ این ملت، از برنامه های فرهنگی دولت انتقاد می کردند. حمید سبزواری در بخش هایی از شعر بلند «ای سپید، سپیده» به این مطلب اشاره کرده است:

به شهوت کشانید ما را سراپا

به ذلت نشانید ما را سراسر

به ما چیرگی داد آن را که دارد

صفات مؤنث، لباس مذکر

بری کرد مردان ز مردی و غیرت

عری کرد نسوان ز ناموس و گوهر

هنر آنچنان مبتذل شد به دوران

که خواندند مرد دلککان را هنرور

بدین نکته وصف هنرپیشگان بس

هر آن کو بد آموزتر، پرهنرتر... (۲)

محمدحسین بهجتی اردکانی نیز از اینکه محمدرضا و پدرش رضاخان، به جای پرداختن به توسعه حقیقی کشور، بیشتر به مسائل روبنایی و سطحی می پرداختند، برمی آشوبد و اعتراض خود را چنین بیان می کند:

اگر ترقی کشور به شعر و موسیقی است

اگر به مستی و بی عفتی و رقص و سرود

ص: ۱۰۸

۱- حمید سبزواری، سرود درد، تهران، کیهان، بهار ۱۳۶۷، چ ۱، ص ۱۱.

۲- همان، ص ۲۴۳

به حق قسم که برای همیشه باید گفت

چنین دیار سیاه و کثیف را بدرود

وگر مقلد رفتار سایر ملل اند

چرا دمی نگشایند چشم خواب آلود

فتاده در پی تسخیر آسمان آنها

ولیک همت اینان بود می و دف و رود

ز دیگران نگرفتیم یاد جز مستی

به غیر خار ز گلزار دست ما چه درود؟

فغان که درد دل «بهجتی» فراوان است

ولی دریغ که نبُود مجال گفت و شنود

[\(۱\) ۱۴/۹/۱۳۴۱](#)

سوم مخالفت با انقلاب شاه و مردم

انقلاب شاه و مردم، از دیگر موضوع های مورد انتقاد شاعران مخالف رژیم بود. شاه می خواست از راه اجرای اصلاحات ارضی، تشکیل سپاه دانش و اعطای حق رأی به زنان، بخشی از خواسته های دولت مردان امریکا را تأمین کند. حمید سبزواری در قصیده «پیش گویی» درباره این به اصطلاح انقلاب می سراید:

چند فرمان، ای به فرمان آمده

ای ز تو خلقی پریشان آمده

ای ز دشمن مر تو را فرمان به دست

دشمن حق، خصم یزدان آمده

ای ز فرمان تو در اصلاح ارض

عرض و طول ملک، ویران آمده

وز سپاه دانش و ترویج تو

ننگ و رسوایی فراوان آمده

وز پی آزادی نسوان، زنان

در کمند آزمندان آمده

ای تو را بر بسته چشم حق نگر

کور از مادر به دنیا آمده

ص: ۱۰۹

۱- سید حمید روحانی (زیارتی)، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی (ره)، دارالعلم و دارالفکر، دی ۱۳۵۸، چ ۴، ج ۱، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

هان بفرما تا چه فرمانی ز خصم

بر فنای ملک ایران آمده

هان بفرما تا چه دستور از عدو

بر دوام ظلم و عدوان آمده...

سروده سال ۱۳۵۵ (۱)

چهارم مخالفت با ساواک

در زمان رژیم پهلوی، سازمان امنیت کشور یا همان ساواک، مسئولیت شناسایی، کشف و سرکوب نیروهای مخالف رژیم را بر عهده داشت. مأموران این سازمان مخوف که زیر نظر سیا و موساد آموزش می دیدند، بسیاری از مبارزان را دستگیر، زندانی، شکنجه و شهید کردند و جنایت های بی شماری مرتکب شدند. از این رو، شاعران مبارز و مخالف رژیم، در اشعار خود به بدگویی از این سازمان جنایت پیشه پرداختند:

هر کوی و برزنی را

می جویند

هر مرد و زنی را

می بویند

بشنو!

این زوزه های سگان شکاری است

در جست و جویش اکنون

و خاک،

خاک تشنه

و قطره های خون.

آن گرگ تیرخورده آزاد

در شهر شهرها

امشب کجا پناهی خواهی یافت

یا در خروشش خشم گلوله

کی سوی بیشه راهی خواهی یافت

۱۳۵۰ (۱)

اسماعیل قمری در شعری به نام «ساواک»، همه اعضای ساواک را ناپاک، پلید و بی رحم می داند و می سراید:

خدایا! روزگار خلق ایران

سیه شد از جنایت های ساواک

همه افراد بی رحم و پلیدند

همه جلاد و بی شرمند و بی باک (۲)

پنجم انتقاد از حضور مستشاران خارجی در ایران

رژیم پهلوی برای گستراندن فرهنگ غرب در ایران، از کمک کشور های غربی و مستشاران آنها بهره می برد، به گونه ای که در اواخر دوره محمدرضا، تعداد مستشاران نظامی و غیرنظامی امریکایی در ایران، بسیار چشم گیر بود. شاعران متعهد آن زمان که از این شرایط ناراضی بودند، این نارضایتی را در شعر خود بازتاب می دادند:

خواست چو اهریمن پلید وطن را

یکسره سودا کند به غیر، به ترفند

خواست چو با دام غیر، دام مذلت

طوق اسارت به گردن وطن افکند

ص: ۱۱۱

۱- محمدرضا شفیعی کدکنی (م.سرشک)، از بودن و سرودن، تهران، توس، تیر ۱۳۵۷، چ ۲، صص ۶۷ و ۶۸.

۲- شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۲۵۷.

خواست چو با دستِ مستشار نظامی

ریشه اسلام را از خاک وطن کند

داد چو بیگانه را جواز خیانت

خواست چو این ملک را ز ننگ بیاکند..

نعمت میرزاده (م. آزرَم) (۱)

ششم مخالفت با تشکیل حزب رستاخیز

رژیم پهلوی می کوشید صورتی دموکراتیک به اعمال خود دهد. به همین دلیل، گه گاه دستور تشکیل احزاب را صادر می کرد. مدتی دو حزب «ایران نوین» و «مردم»، نقش دو حزب اکثریت و اقلیت را بازی می کردند، ولی در دهه پنجاه، شاه دستور داد حزبی فراگیر به نام «رستاخیز» تشکیل شود و همه کارمندان دولت، موظف به عضویت در آن شدند. برخی شاعران در آثار خود، به انتقاد از این حزب پرداخته اند:

جانشین حزب ایران نوین

حزب نوبنیاد رستاخیز شد

حزب مردم هم به حکم شهریار

شد برون از گود و حلق آویز شد

شاه گفت آن کو بُود بیرون ز حزب

بایدش بیرون ز کشور نیز شد...

عده ای را نیز دندان طمع

جبهه صید مال و منصب تیز شد...

حزب شاهی هیچ گه چیزی نشد

یا دو روزی چیز کی ناچیز شد

عبدالعلی ادیب برومند (۲)

-
- ۱- سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی (ره)، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید با همکاری سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، خرداد ۱۳۶۴، چ ۱، ج ۲، صص ۴۴ و ۴۵.
- ۲- ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ج ۴، ص ۲۲۴.

یکی از برنامه های رژیم پهلوی، تجدید عظمت ایران باستان بود. بدین منظور، محمدرضا تصمیم گرفت در سال ۱۳۵۰، جشن های باشکوهی به مناسبت دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران در تخت جمشید برگزار کند. این جشن های پرهزینه، فراوان از سوی شاعران انقلابی مورد انتقاد قرار گرفت:

فقر و بیکاری در ایران بین چه غوغا می کند

شاه در ویرانه هایش جشن برپا می کند

من ندانم این چه رقص و این چه شور و این چه سور

وام بیگانه ز ملت، پشت را تا می کند

جشن فرعون زمانه گرچه پرزرق است و برق

کآسمان ها غبطه این جشن زیبا می کند

شاه می خندد، فرح رقصد، علم کوبد دهل

پایکوبی ها در این محفل، هویدا می کند

لیک می بینم فقیری بی دوا میرد دریغ

مثل او صدها بمیرد، شه تماشا می کند

آن یکی برپا نماید شور و شادی در قمر

شاه ایران جشن را بنگر کجاها می کند

تاجر و دهقان و زارع هرچه می آرد به دست

بهره وام است، آخر بانک ینما می کند

شاه ایران! هرچه می خواهی دلت می کن ولی

مرگ می آید تو را، تاریخ، رسوا می کند
هر خردمندی شناسد خیمه شب بازی شاه
کاو ز بهر تخت لرزانش تقلاً می کند
ملت ایران چو می خواهد بگوید حرف من
شاه می گوید سپس خود را مبرا می کند
گاه دانشجو بگوید شاه و گه خرداد ماه
جوی خون سازد روانه، بین چه با ما می کند
یک طرف تبعید مرجع، یک طرف زندان قصر
یک طرف فریاد قم سر تا تریا می کند
یک طرف حق تساوی، یک طرف لغو طلاق
بنگر این تزویرگر قرآن هدایا می کند
یک طرف کشف حجاب و یک طرف فحشا و می

ج

ملک ایران را خدایا شه اروپا می کند
آری آری شاه ظالم! نیک می دانی خودت
بودجه جشن تو غارت ملک ما را می کند
دوش با صاحبدلی گفتم که ملت تا به کی
سلطه درباریان بر جان گوارا می کند
گفت وه بگذار تا ببند سزای غفلتش
آن که جو کارد، چرا گندم تمنا می کند؟

«رحمتی» این ملت خوش خفته را بیدار کن

گرچه جلاّد ستمگر بر تو ایذا می کند

حسین رحمتی مهرماه ۱۳۵۰ (۱)

نعمت میرزاده (م. آزر) موضوع انتقاد بر جشن های پرهزینه شاهنشاهی را در این دو بیت چنین بیان می کند:

شب بود، شب دد، شب اهرمن

وقاحت به شادی دریده دهن

شب نورباران، شب شعبده

شب سور اهریمن و سوگ من (۲)

دو امام خمینی (ره) در شعر پیش از انقلاب

پیش تر گفتیم که اصولاً شعر دینی پیش از انقلاب، بیشتر بر محور حضرت امام می گردد. از آن لحظه که آن پیر مراد، نهضت خود را آغاز کرد و بر ضد طاغوت خروشید، شاعران نیز همانند بیشتر مردم، رهبری او را پذیرفتند و در شعرشان بازتاب دادند، به گونه ای که این دست شاعران از شعرهایی که در فاصله آذر ۱۳۴۱ تا فروردین ۱۳۵۸ در وصف آن امام بی همتا سروده اند، کتابی با بیش از سیصد صفحه تدوین شده است که از حجم بالای این گونه شعرها خبر می دهد. ویژگی های کتاب شناسی این کتاب بدین قرار است:

مصطفی فیض، توصیف خاکیان از آفتاب، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۱، ۳۵۲ صفحه.

اکنون فهرست وار، به بعضی از این شعرها اشاره می کنیم:

ص: ۱۱۵

۱- سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی (ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۷۴، چ ۲، ج ۳، صص ۹۶۰-۹۶۲.

۲- شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۲۵۱

* استاد محمدرضا حکیمی، پس از واقعه ۱۵ خرداد سروده است:

... ای پیشوای شیعه که تاریخ ما ز تو

از افتخار، پا به سر کهکشان کشید

قم را شکوه نهضت تو در همه جهان

اندر شمار مکتب آزادگان کشید

قم جای درس بود و سکونی خمودگون

وینک حماسه اش ز تو تا هر کران کشید

ای پیشوای خلق که تاریخ انقلاب

نقش تو را به طاق بلند زمان کشید

خورشیدسان، خروش تو از مرز خاوران

تا دورتر کرانه غرب جهان کشید

ای قرن ها حماسه و ای سال ها خروش

ای کز تو انقلاب، سوی جاودان کشید

نام تو زنده است که خود دست روزگار

نام تو را چه خور، به سر خاوران کشید

صد آفرین به روح خمینی و نهضتش

کاین گونه، خلق را به جهادی گران کشید... (۱)

* شاعری ناشناس در غزلی، محمدرضا شاه را به آزاد کردن حضرت امام از زندان فرا می خواند و می سراید:

شاه را گو مرجع تقلید را آزاد کن

۱- توصیف خاکیان از آفتاب، صص ۴۷ و ۴۸.

مسلمین خسته دل را زین الم دلشاد کن...

گر که می نازی به تخت و بخت و تاج و اقتدار

این جهان فانی است، تاریخ پدر را یاد کن

رهبر دین، پیشوای ملت و زندان کجا

خویش را آماده بهر کیفر میعاد کن...

* شاعری در غزلی ناتمام به نام «سه بت شکن»، حضرت امام را پس ابراهیم خلیل الله (علیه السلام) و حضرت علی (علیه السلام)، سومین بت شکن سراسر تاریخ می داند و می سراید:

جهان شده ز وجود سه بت شکن آگاه

ج

کزین سه، در سه زمان جلوه کرد وجه الله

یکی ظهور به بابل نمود و بت بشکست

که نام او به جهان خوانده شد خلیل الله

دوم کسی که جهان پاک کرد از بت ها

فراز دوش نبی بود علی ولی الله

سوم کسی که قیامش بدین زمان افتاد

ز نسل موسی جعفر، خمینی روح الله

بزرگوار خدایا! نمای تأییدش

که همتش شکنند پشت هر عدو الله (۱)

* نعمت میرزاده (م. آزر) در شهریور ۱۳۴۴، در قصیده ای بسیار گیرا و استوار در ۴۸ بیت، امام دربند رژیم را می ستاید و برای نخستین بار،

حضرت آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی را به نام «امام» می خواند و می سراید:

ای ز وطن دور، ای امام خمینی

ای تو علی را یگانه پور همانند

مطلع این قصیده بدین قرار است:

ای ز وطن دور، ای مجاهد در بند

ای دل اهل وطن به مهر تو پیوند (۱)

* زنده یاد نصرالله مردانی در غزلی هشت بیتی، حضرت امام را فاتح همیشه تاریخ می داند و بر ایشان درود می فرستد:

ای ناجی بزرگ جهان، نایب امام

خورشید تابناک افق های خون، سلام...

می آیی از مدار سحر با پیام فتح

جای فاتح همیشه تاریخ، ای امام (۲)

* زنده یاد دکتر طاهره صفارزاده در آبان سال ۱۳۵۸، در شعری نو به نام «سروش قم» که آن را به پیشگاه امام خمینی (ره)

تقدیم کرده از ایشان که مهربان معلم بیداری و رهبر نبرد نهایی است، می خواهد که بازگردد:

باز آ

باز آ

ای مهربان معلم بیداری

ای رهبر نبرد نهایی... (۳)

ص: ۱۱۸

۱- نهضت امام خمینی (ره)، ج ۲، صص ۴۴ و ۴۵.

۲- توصیف خاکیان از آفتاب، ص ۱۹۱.

۳- طاهره صفارزاده، بیعت با بیداری، شیراز، انتشارات نوید، زمستان ۱۳۶۵، چ ۳، ص ۲۴.

دکتر شریعتی در شعری که در روزنامه اطلاعات پنج شنبه پنجم بهمن ۱۳۵۷ چاپ شد، حضرت امام را در روزگار قحطی فریاد و جنبش، فریاد روزگار می نامد و درباره روح خدا می سراید:

فریاد روزگار ماست

روح خدا

در روزگار قحطی هر فریاد

در روزگار قحطی هر جنبش

هر کوشش،

فریاد روزگار ماست... (۱)

سه وصف آزادی و زندانیان دربند

در ایران خفقان زده عصر پهلوی دوم، آزادی، کالای کمیابی بود که برای مبارزان، سخت دست نیافتنی می نمود. از این روست که شاعران در شعرهاشان زیباترین تعبیرها را برای وصف آن به کار می برند:

دلی که شد به جهان آشنای آزادی

به جان خویش پذیرد بلای آزادی...

محمدعلی مردانی (۲)

یا این شعر با نام «آه آزادی!»:

کو بهاری خوش و بزمی خوش و عهدی خوش

که نشینم خوش در دامن گل ها من

تا برآسیم در سایه آزادی

بسرایم شکرین شعر طرب زا من

ص: ۱۱۹

۱- توصیف خاکیان از آفتاب، صص ۱۵۲ ۱۵۴

۲- شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۲۷۱.

آه، آزادی، آزادی، آزادی

به فدای تو ای مملکت آرا من...

حمید سبزواری اسفند ۱۳۴۸ (۱)

و نیز:

چو دم زنی همه دم از کلام آزادی

بیا ز من بشنو در مقام آزادی

احمد بلوری (۲)

از دیگر موضوع های مهم آن زمان در شعر شاعران دینی، سرودن به یاد زندانیان دربند رژیم است. برای نمونه، دکتر شفیعی کدکنی در شعر «پرسش» می سراید:

آسمان را بارها

با ابرهایی تیره تر از این

دیده ام

اما بگو

ای برگ!

در افق این ابر شبگیران،

کاین چنین دلگیر و بارانی است،

پاره اندوه کدامین یار زندانی است؟

مرداد ۱۳۵۲ (۳)

ص: ۱۲۰

۲- . شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۲۷۳.

۳- از بودن و سرودن، صص ۶۵ و ۶۶.

یا نعمت میرزاده (م. آرزوم) شعر «درود خلق» خود را، به واپسین گروه از زندانیان سیاسی تقدیم کرده است که به بازوی توانای خلق از زندان رهایی یافته اند:

از سینه گداخته خلق

شمشیرهای آخته آذرخش خشم، فرود آمد

بر بندبند دیو نگهبان بندهای دلیران

و آن گاه

دیوار استوارنمای ستم به ناگهان

چون نان دروغ پوچ، فرو ریخت.

وز کام اژدهای پلید ستم

رزمندگان خلق برون تاختند

نستوه و سرفراز

تا باز هم تداوم این رزم را چنان که بشاید

با عزم استوار، میان بندند...

اول بهمن ۱۳۵۷ (۱)

چهار بزرگداشت شهیدان نهضت و برخی مخالفان رژیم

اشاره

پیروزی انقلاب اسلامی، ثمره خون هزاران شهید انقلابی بود؛ از جان گذشتگانی که شجاعانه با رژیم مبارزه کردند و جان عزیز خود را از دست دادند. شاعران مبارز، از این حماسه ها چکامه ها سرودند و به یادگار از خود به جا گذاشتند. دکتر شفیعی کدکنی درباره آن والامقامان سروده است:

ص: ۱۲۱

۱- نعمت میرزاده (م. آزر م)، گلخون، تهران، تیرنگ، بهمن ۱۳۵۸، چ ۱، صص ۱۳۹.

آن عاشقان شَرزه، که با شب نزیستند

رفتند و شهر خفته ندانست کیستند

فریادشان تموج شطّ حیات بود

چون آذرخش در سخن خویش زیستند

مرغانِ پرگشوده توفان که روز مرگ

دریا و موج و صخره بر ایشان گریستند

می گفتی ای عزیز! «سَتَرَوَن شده است خاک.»

اینک بین برابر چشم تو چیستند:

ج

هر صبح و شام به غارتِ توفان روند و باز،

باز، آخرین شقایق این باغ نیستند

تهران، ۶/۴/۱۳۵۱ (۱)

خسرو فرشیدور در شعر «در شعر شهادت»، سروده های خود را افسانه فخر و غرور و نبرد شهیدان می داند و چنین می سراید:

خون تو در درون کفن جوش می زند

روح تو در فضای وطن جوش می زند...

فریادهای سرخ و غرورآفرین تو

در شعر و حرف و نغمه من جوش می زند

خفتی به خاک سرد ولی خون گرم تو

در ذره های خاک وطن جوش می زند

افسانه های فخر و غرور نبرد تو

۱- از بودن و سرودن، صص ۹ و ۱۰

در هر پیام و شعر و سخن جوش می زند

آذر ۱۳۴۷ (۱)

حمید سبزواری در اوج کشتار رژیم در سال ۱۳۵۷، غمگنانه همچو بلبل، از مرگ گل کفن نوحه سر می دهد:

طرب رمیده ز گلشن چه گلستان است این

نشاط رفته ز مرغان، چه داستان است این...

به مرگ گل کفن نوحه می کند بلبل

چه بی ترانه بهاری، چه بوستان است این... (۲)

نعمت میرزاده (م. آزر) در شعر خود با عنوان «برای شهیدان» می سراید:

...اینک غریو روح شهیدانند

این کولیان باد که در صحنه های رزم

فریاد انتقام دلیران را

تفسیر می کنند...

می دانم ای برادر!

شرط برادری

این گونه نیست اما

بخشای ای برادر!

بر دست بسته ام...

مشهد خرداد ۱۳۴۶ (۳)

ص: ۱۲۳

۲- . سرود درد، ص ۳۸۲.

۳- نعمت میرزاده (م. آرزوم)، سحوری، تهران، رواق، تابستان ۱۳۵۷، چ ۱، صص ۷۲ ۷۹.

جالب اینکه حتی در سروده های به ظاهر بی ربط به جریان انقلاب و شهادت نیز ردپایی از شعر دینی انقلابی دیده می شود. برای نمونه، در شعر تقدیمی م. آرزوم به حضرت فاطمه (س) با مطلع زیر:

سلام من به سوی دختر پیامبری

که آیتی است چنین دختر از چنان پدری

چنین آمده است:

مگر خبر نشدی ای بزرگ بانوی من

که ریخت خون شهیدان به هر سر گذری

یقین که از پی این شام دیرپای ستم

نوید عدل بیارد سپیده سحری (۱)

افزون بر وصف شهید و شهادت به صورت کلی، در شعر برخی شاعران، وصف تعدادی از مخالفان برجسته رژیم پهلوی دیده می شود که به برخی از آنها می پردازیم.

اول جهان پهلوان غلام رضا تختی

تختی به خاک رفت

تختی فسرد و مرد

او کاوه بود، رستم دستان گود بود

او نام آب و خاک وطن را به «زور» خویش

آن سوی مرزهای وطن زنده کرده بود

اما درون میهن خود، نام زنده اش؛

ص: ۱۲۴

تا زیر خاک رفت

او دل شکسته بود

او از حیات مردم خود دل گسسته بود

این روزنامه ها...

اینان که....

یادش عزیز باد...

تختی دریغ مرد

تختی به خاک رفت

تهران سه شنبه، ۱۳۴۶/۱۰/۱۹ (۱)

مرثیه ای برای تختی

کدامین پیک را باید روانه کرد

اکنون نزد رودابه

کدامین نرم گوی نکته دان

شاید گزارش را

چه سان گوید بر آن شیرپرور، زن

که رستم، قامت برنایی و پاکی

بلند آوازه همزاد پیروزی

برافرازنده رایات آزادی

در این پیکار دهشناک،

کاینک رایت افراسیاب و

۱- علی موسوی گرمارودی، عبور، تهران، توس، اردیبهشت ۱۳۴۹، چ ۱، صص ۶۷-۷۱.

رایت کاوس یک رنگ است

و پیروزی شهید سازش و افسون و

نیرنگ است

به ناهنگام خود را کشت

کدامین دل کند باور؟

کدامین ضربه اش افکند؟

کدامین ناروا از پشت؟...

مشهد بهمن ۱۳۴۶ (۱)

جوانمرد و موفق بود تختی

که عضو جبهه حق بود تختی

از این رو عمر او کم بود چون شمع

که خود را سوخت بهر خاطر جمع

غلط گفت آن که گفتا این جوانمرد

زدست زن، قرص بیهشی خورد

شهید راه آزادی ایران

جز بیداد جفا حق کشی مرد

که گوید قاتل خود بود تختی؟

کجا دانا کند این نکته باور

بگویم قاتل تختی که باشد؟

جرژیم مرد کش، نامرد پرور

عدوی رستم ما ناکسان اند
که در مردار خواری کرکسان اند
گناه وی که ایران زاده بودی
گناه دیگرش آزاده بودی
اگرچه دست هر ایرانی پاک
نوازش ها نماید بابکش را
ولی چون بوسه گرم پدر نیست
که بنماید گرامی کودکش را

ص: ۱۲۶

خدایا! حفظ کن آن ماه رو را

یک تختی دیگر ساز او را (۱)

دوم جلال آل احمد

چریک پیر

مرثیه برای جلال آل احمد

فراز قله دگر برج دیدبان خالی است

چریک پیر کزان اوج چارسو دیدن،

دو چشم دوخته بر مرزهای آزادی،

و هر مهاجم چالاک را به تیر نشان،

به جای خود می دوخت،

به سال های خموش،

نبرد می آموخت،

ز پای فتاده است.

درون برج نگهبان مرزهای شرف

کدام فاجعه سرزد؟

چریک پیر چرا آرمید ناهنگام

عقاب مرگ چه سان بر فراز او پر زد؟... (۲)

سوم شهید آیت الله محمدرضا سعیدی

رفت سعیدی از جهان شاد و سعید

با هزاران افتخار و صد امید

با محمد، با رضا محشور شد

دو هزار و سیصد و سی بعد شصت (۳)

ص: ۱۲۷

۱- نهضت امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲- سحوری، صص ۱۴۰ ۱۴۷

۳- شعر، در منبع به همین شکل آمده و قافیه درستی ندارد.

در قزل قلعه با بسی زجر و ستم

روح او زانجا سوی طوبی پرید

لعن و خشم حق به قوم ظالمین

جمع نامردان مزدور پلید (۱)

م. آزرم نیز در شعری می سراید:

محمدرضای سعیدی، بزرگی

که اسلام او را به جان پروریده

ز بیداد ضحاک و دژخیم هایش

جشیدی است اینک به خون آرمیده (۲)

چهارم دکتر علی شریعتی

نه هیچ گردهم از قفا، نه هیچ در برابرم

در این سفر، پگاه تر، سوار شد برادرم

چه غربتی است بادیه، سحور غم برآمده

تو خفته کاروان شده، سپیده دم برآمده...

همان سوار اولین که جمره را به سنگ زده

ج

همان که رودخانه را به خون تازه رنگ زد

همان چراغ نور و خون، همان اگر شب آمدی

همان معلم شهید، اگر به مکتب آمدی...

حمید سبزواری نیز در رثای او، ۳۲ دو بیت با عنوان «خفتی چرا...» (۴) سروده است:

ص: ۱۲۸

۱- نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۶۴۱.

۲- همان، ص ۷۰۷.

۳- ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ج ۴، صص ۳۳۵ ۳۳۷.

۴- سرود درد، صص ۳۵۶ ۳۶۳.

خفتی چرا ای چشم بیدارت نخفته

ای مرغ دل در جان هشیارت نخفته

پای طلب هرگز ز رفتارت نخفته

یک دم زبان در کام دربارت نخفته

□ □ □

خفتی چرا، هرگز نبودی سرد و خاموش

هرگز نمی کردی ز حق گفتن فراموش

هرگز نمی خفتی نمی رفتی تو از هوش

ای قلمز اندیشه، چون افتادی از جوش؟

□ □ □

خفتی چرا، اینک نه وقت خفتن توست

ای بحر دانش موسم آشفتن توست

وقت هنرآموزی و دُرسفتن توست

گاه سخن پردازی و حق گفتن توست

پنجم جلال آل احمد و دکتر علی شریعتی

در ارتفاع قله

هم پای پاک اباذر بودی

هم شانه ستبر شجاعت

هم شانه جلال

اکنون تو با جلالی

ما بی تو

بی او

بی جلال

ما کیستیم

طاهره صفارزاده (۱)

پنج قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲

خون خورشید، جان روز

اوج عصیان

حجم وسیع فریاد خلق

شاهد تجلی اسلام

عصاره سال های خشم خفته در گلو

لکه ننگ بر دامن رژیم جبار

من خردادم

«نه» منفجر شده، شور سلحشورانم

غزل خون شهیدان

یوم الله أم، یوم الناس أم

روز خالق و خلق

جواد محدثی (۲)

ص: ۱۳۰

۱- طاهره صفار زاده، سفر پنجم، تهران، رواق، اسفند ۱۳۵۶، ج ۲، صص ۵۷ و ۵۸.

۲- ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، ج ۱، ص ۲۳

عاشورا آفرین قرن

خون شفق دوباره سر از بی کران کشید

ج

گردون، لوای خون، به فراز زمان کشید...

پس آن همه به نیمه خرداد از چه کشت؟

پس انتقام از چه ز روحانیان کشید؟...

آن مؤمنان پاک و رامین کجا شدند

آنان که دین ز ماتمشان الّامان کشید...

محمد رضا حکیمی (۱)

جلادان پلید

وای از آن تندباد نیمه خرداد

کان همه سرو بلند را ز بن افکند

ننگ به جلاد، آن پلید که ری را

ج

کرد ز خون شهید، سرخ چو یا کند

مویه بر آن کشتگان دشت و رامین

سجده بر آن مردمان پاک برومند (۲)

شش قیام هفده شهریور ۱۳۵۷

شقایق های جمعه سیاه

ای گرگ های هار

-
- ۱- توصیف خاکیان از آفتاب، صص ۴۶ و ۵۰.
 - ۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۶۱۲.

ای کرکسان زشت

ای ساکنان قلعه بیداد و جهل و فقر

ای در کف تمام شما جام های زهر

امروز جمعه است

آن جمعه سیاه که چون لاله سرخ شد...

خسرو فرشیدور شهریور ۱۳۵۷ (۱)

جمعه سرخ

بر لاله شنیده ام ژاله

بر ژاله ندیده ام لاله

بر ژاله ببین کنون که یک دشت

لاله بدمید و خون فشان گشت

در ژاله نگر که یک بیابان

شد لاله پر زخون نمایان...

مظاهر مصفاً شهریور ۱۳۵۷ (۲)

* کجا که سرزدم!

میان آن همه دود،

میان آن همه مردم،

درون داغ و درود،

میان آن همه آتش،

کنار خرمن درد

- ۱- حماسه انقلاب، صص ۵۹-۶۲.
- ۲- شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۲۷۷.

کنار آن همه افتاده مشبک سرد

کنار آن همه آه می مردم،

از این خیال که شاید تو هم، جوانک من

تو هم کنار یک خیابان، کنار یک میدان

به خاک فتادی

به دست یک نامرد

شب از کرانه گذر کرد و باز آمد روز

چرا به خانه خود برنگشته ای هنوز؟

غلامحسین متین ۱۹ شهریور ۱۳۵۷ (۱)

(و) شعر دینی پس از انقلاب اسلامی

اشاره

مقام معظم رهبری، در مقدمه بر کتاب سرود درد نوشته حمید سبزواری درباره شعر انقلاب می نویسد:

شعر دوران انقلاب، در میان همه مقاطع تاریخ طولانی، این ویژگی را دارد که تقریباً یک دست و کامل در جهت آرمان ها و هدف های والا و سخنگوی احساسات و افکار و جهت گیری های ملتی است که شاعر از دل آن برخاسته و بدان وابسته است.

شعر دوران انقلاب، شعر زر و زور نیست، شعر احساسات سطحی و فردی و متوجه به آرزوها و امیال حقیر بشری نیست؛ زبان یک ملت و شرح حال یک امت است، انعکاسی از روح بزرگ جامعه ای است که یک پارچه و در جهت هدف ها و آرمان های الهی و انسانی گام برداشته و فداکاری کرده است. شعر هدفدار و سازنده مردمی است، شعر دربارها و می خانه ها و عشرتکده ها نیست. شعر، صحنه عظیم جهاد و سیاست و انقلاب و جهان نگری است؛ شعر خدایی

ص: ۱۳۳

است.

هم زمان با پیروزی نهضت اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی(ره)، شعر انقلاب پا به عرصه وجود نهاد. «شعر انقلاب به بیدار کردن انبوه ختفگان پرداخت تا بگویند برای چه خاموشند؟ و شاعران که کارمایه از جان می گرفتند و به واژگان جان می بخشیدند، جان بر سر آن نهادند». (۱)

دکتر محمدجعفر یاحقی در مورد تشکیل شعر انقلاب معتقد است:

شعر عصر انقلاب، همگام با شکل گیری انقلاب در سال های پایانی حکومت رژیم پیشین پا گرفت و مسیر خود را مشخص کرد. در راه پیمایی ها و تظاهرات روزهای انقلاب، بسیاری از شاعران با الهام از دستاوردهای نهضت شعر گفتند و ارزش های نوین حرکت مردمی را که عمدتاً جنبه های حماسی، عرفانی و دینی داشت، در خود منعکس کردند. (۲)

در این بخش، به اصناف شاعران پس از انقلاب، تعریف این شعر و ویژگی های آن می پردازیم و سپس چونان بخش های پیشین به نمونه هایی از این شعر خواهیم پرداخت.

به نظر می رسد پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاعران این مرز و بوم، به سه دسته تقسیم شدند: (۳)

۱. گروهی از این شاعران که پیش از انقلاب نیز شعر می گفتند، در آستانه انقلاب، با ارزش ها و مفاهیم تازه ای که از رهگذر انقلاب در عرصه

ص: ۱۳۴

۱- فرامرز سلیمانی، شعر شهادت است، تهران، موج، بهار ۱۳۶۰، ص ۱۳.

۲- محمدجعفر یاحقی، چون سبوی تشنه (تاریخ ادبیات معاصر ایران)، تهران، جامی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۵۲.

۳- این تقسیم بندی، از کتاب چون سبوی تشنه، نوشته محمد جواد یاحقی گرفته شده است.

فرهنگ و زندگی اجتماعی پیدا شده بود، هماهنگ شدند و با استفاده از مایه های هنری خویش، شاخه نیرومندی از شعر انقلاب را پدید آوردند.

۲. عده ای هم که تمایلات عموماً غربی داشتند، از همان ابتدا، سیر انقلاب را در جهت مطلوب خود ندیدند و خط خود را از آن جدا کردند. بعضی از آنها هم به خارج از کشور رفتند و ناخشنودی از انقلاب و اهداف آن را در شعر خود بازتاب دادند.

۳. دسته سوم، شاخه جوان ادبیات امروز است که سن پدیدآوردندگانش، اقتضا نمی کند پیش از انقلاب، آثاری پدید آورده باشند. اینان، کار ادبی خود را در انقلاب آغاز کردند و چون به اصل و مبانی آن اعتقاد داشتند، به طور طبیعی، منادی اندیشه ها و پیام های انقلاب اسلامی شدند.

به راستی انقلاب اسلامی ایران چگونه شکل گرفت؟ نویسنده ای معتقد است: «زمزمه هایی که در سکوت آغاز شد، به موجی از صدا بدل گشت و صداها بلندتر شد و به فریاد رسید و فریادها از چهار جانب، نقطه اوج انقلاب را ساخت. شاعر چون هر هنرمند دیگری، در این فریادها شرکت داشت» (۱) و بدین سان، شعر انقلابی را پدید آورد. اما تعریف این شعر جدید چیست؟ فرامرز سلیمانی در کتاب شعر، شهادت است آن گاه که می خواهد شعر انقلابی سال های ۵۷ تا ۵۹ را بررسی کند، درباره تعریف شعر انقلابی می نویسد:

شعر امروز ایران، در تجربه مرحله تازه ای است که می توان نام «شعر

ص: ۱۳۵

۱- شعر، شهادت است، ص ۸۳.

انقلاب» را بر آن نهاد. تعریف شعر انقلاب را دقیقاً نمی دانیم، چنان که تعریف شعر را. نیز آن را شاخه مستقلی از شعر به حساب نمی آوریم، اما شعری را که پیش در آمد و محرک موج سترگ انقلاب شد، شعری را که در روزهای انقلاب عرضه شد و شعری را که در پی آمد انقلاب از آن سخن گفت، چنین نام نهادیم. بدین سان، تمام آنچه را شعر متعهد، شعر مسئول، شعر اجتماعی، شعر سیاسی، شعر اختناق، شعر مقاومت، شعر زیرزمینی و شعر زیراکسی نامیده می شد و در پیوند مستقیم و غیرمستقیم، دور یا نزدیک با انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بود، در این بحث بررسی کرده ایم. (۱)

باید اذعان کرد که بسیاری از شعرهایی که شاعران در آن

زمان می سرودند، اشعار قوی و قابل توجهی نبود، ولی این مطلب، از ارزش تاریخی و به جا و درست سروده شدن آنها نمی کاهد. به قول منوچهر اکبرلو:

اگر ادبیات و شعر روزهای نخستین انقلاب، چندان پخته و جاافتاده نیست، به علت عظمت انقلاب و حرکت تند و توفان واری است که به شاعران، فرصت اندیشیدن و آفرینش آثار قوی و مایه دار را نمی دهد. (۲)

همین نویسنده، در جای دیگر خاطرنشان کرده است:

آنچه به عنوان آثار ادبی از دوران خشم و عشق و فریاد و حماسه و شور و شهادت و خون به جای مانده، از نظر من قابل تأمل و ارزشمند است؛ حتی اگر ضعیف باشد و شعارزده و سطحی و گذرا. شاعر، در آن مرحله از انقلاب شکوهمند و توفنده اسلامی، فرصت اندیشه

ص: ۱۳۶

۱- همان، ص ۹.

۲- نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، بخش اول: شعر، ص ۱۶.

شاعرانه را نداشت و تا می خواست با تأمل و درنگ و حوصله کافی شعر را در کارگاه خیال بپزد و آن را به رنگ و عاطفه بسپارد و به نگارگری و میناگری اش پردازد، جریان ها و موضوع های شاعرانه متعدد و اساسی، اما زودگذر و تکرارناپذیر را از کف داده بود. می توان شعرهای دوران انقلاب، خصوصاً دوره اول تا سقوط رژیم طاغوت را، شعرهایی تا حدی روززده و شتاب زده نامید. (۱)

پیش از آنکه به ویژگی های شعر انقلاب پردازیم، نقل قولی از زنده یاد، احمد زارعی بیراه نیست که در مورد محتوای این شعر می نویسد:

در محتوا، بیش از همه محورها، جنگ (مبارزه طلبی، شهید و شهادت، پیکار با ظالم)، امام (تمجید از صفات و حالات ایشان و نیز تأثر و مرثیه سرایی در سوگ حضرتش)، مناسبت ها (شهادت یاران امام، عاشورایی ها، ولادت ها و شهادت های امامان، بعثت و...) و اجتماع (موضع گیری بر ضد رفاه طلبان بی درد و دفاع از محرومان، دغدغه کم رنگ شدن ملاک های انقلاب) در شعر انقلاب به چشم می خورد. (۲)

حال، شعر انقلاب با این محتوای فاخر، باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟ به نظر می رسد پس از جمع بندی دیدگاه های اهل فن، می توان این ویژگی ها را برای شعر انقلاب برشمرد:

یک حضور مذهب و نمادهای آن

اشاره

بدون تردید انقلاب اسلامی ایران، بر شالوده مذهب استوار بود و پیروزی نهضت بدون این باور، ناتوان می نمود. از این رو، شاعران نیز

ص: ۱۳۷

۱- همان، ص ۳

۲- احمد زارعی، مقاله «ارزیابی شعر انقلاب اسلامی بر پایه میراث فرهنگی»، مجله شعر، ش ۱۷، صص ۱۸ و ۱۹.

فراوان در شعر خود، از مذهب و نمادهای آن بهره برده اند، چنان که نویسنده ای در این باره معتقد است:

بخش عمده شعر انقلاب، با مفاهیمی ربط پیدا می کند که در حوزه دین و باورهای مذهبی قرار دارند. دین، جان مایه تفکر شاعران و در نتیجه، محتوای غالب شعر شد و متقابلاً شعر توانست در پرواز بلند خویش، به افق هایی در کهکشان دین و باورهای آن سیر کند که رهاورد آن، تصویرهای تازه ای از متعلقات دین بود که گاهی برای خود دین باوران نیز تازگی داشت و جلوه های بدیعی را به نمایش می گذاشت. بدین گونه، مفاهیم ارزشمند و بلندی چون جهاد، شهادت، ایثار، انفاق، گذشت، بعثت، عاشورا، امامت، ولایت، غدیر، انتظار، دعا، عدالت و... در معرض نگاه تازه شاعران انقلاب، جلوه های متفاوت و تازه ای یافتند. (۱)

در اینجا شایسته است نمونه هایی از این رویکرد به مذهب را بیاوریم، ولی حقیقت این است که با حجم بالای این گونه شعر، گزینش، کار دشواری است. از این رو، مشخصات کتاب شناسی یکی از بهترین مجموعه ها را می آوریم تا علاقه مندان، به آن مراجعه کنند:

صبحدم با ستارگان سپید: نگاهی به بیست و پنج سال شعر مذهبی ایران ۸۰ ۱۳۵۵، گردآوری و تنظیم: امیر مسعود طاهریان، مشهد، شرکت به نشر، چاپ نخست، ۱۳۸۱، ۴۱۶ صفحه.

شب های کوفه

آواز در باران رهایش را نفهمیدند!

چاه از غمش پر شد، صدایش را نفهمیدند!

غمگین ترین شب پیش روی آسمان در خاک

خورشید پنهان کرد، جایش را نفهمیدند!

ص: ۱۳۸

۱- مصطفی محدثی خراسانی، مقاله «شعر انقلاب و نگاه تازه به مفاهیم دینی»، کیهان فرهنگی، ش ۱۶۰، بهمن ۱۳۷۸، ص ۴.

با کوله باری کوچه های فقر را می گشت

شب های کوفه، ردّ پایش را نفهمیدند!

شمشیر بود و دست هایی از دعا سرشار

ج

اعجاز سرخ ربنایش را نفهمیدند!

سجاده ها بر غربت آن مرد می گریند

مردی که عاشق شد، خدایش را نفهمیدند!

محبوبه بزم آرا (۱)

فقط شبیه خودت هستی

نه مثل ساره ای و مریم، نه مثل آسیه و حوا

فقط شبیه خودت هستی، فقط شبیه خودت، زهرا!

اگر شبیه کسی باشی، شبیه نیمه شب قدری

شبیه آیه تطهیری، شبیه سوره «اعطینا»

شناسنامه تو صبح است، پدر، تبسم و مادر، نور

سلام ما به تو ای باران، درود ما به تو ای دریا

کبود شعله ور آبی! سپیده طلعت مهتابی

به خون نشستن تو امروز، به گل نشستن تو فردا

ص: ۱۳۹

مگر که آب وضوی تو، ز چشمه سار فدک باشد

و گر نه راه نخواهی برد، به کربلا و به عاشورا

علی رضا قزوه (۱)

خورشید و ماه

پرواز آسمانی او را مَلک نداشت

ماهی که در اطاعت خورشید شک نداشت

سنگش زدند و دست ز افشای شب نشست

آن نور ناب، واهمه ای از محک نداشت

مهتاب زیر سیلی شب بود و آفتاب

حتی دو دست باز برای کمک نداشت

ای بود دستمزد رسالت؟ زمینیان!

این خلق خیره! دست محمد نمک نداشت...

می پرسد از شما، که: چه کردید؟ مردمان!

گلدان یاس باغچه من، ترک نداشت

خورشید و ماه را به زمینی فروختید

ج

ای کاش خاک تیره یثرب، فدک نداشت

امید مهدی نژاد (۲)

ممنوع!

-
- ۱- علی رضا قزوه، عشق علیه السلام، تهران، انجمن شاعران ایران، بهار ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۲۸ و ۲۹.
 - ۲- اشارات ماهنامه ادبی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما (ویژه نامه شهادت حضرت فاطمه زهرا(س))، تیر ۱۳۸۴، صص ۸۱.

کلام هیچ... که حتی اشاره ممنوع است
نوشته اند به طومار جاده با خط خون
برای مرگ، عبور از کناره ممنوع است
میچ دور بدن های کشتگان، مهتاب!
کفن برای تن پاره پاره ممنوع است
غرور داد به چشمان تشنه لب؛ اخطار
که: «سمت آب گوارا نظاره ممنوع است»
تمام ما حاصل نهضت حسین این است:
که نام مرد به هر سنگواره ممنوع است
شهادت آمد و هفتاد و دو نفر گفتند:
«در انتخاب خطر، استخاره ممنوع است»
سید جلال موسوی (۱)

ستایش ها

ستایش ها (۲)

جهان فراموش نمی کند

یک روز و آن همه خورشید؟!!

یک روز و آن همه غروب?!!

از آن پس

روزها همه کوتاه تر شدند

۱- صبحدم با ستارگان سپید: نگاهی به بیست و پنج سال شعر مذهبی ایران ۸۰، ۱۳۵۵، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲- این شعر، از بیست بند تشکیل شده و ما در اینجا فقط چند بند آن را آورده ایم.

□ □ □

به اشاره انگشت

جهان ارادت داشت

چه کور بود چشمی

که تنها انگشترت را دید!

□ □ □

آخرین فریاد را

بی صدا

فراز دست گرفتی

پاسخ حرمله بر قلب جهان نشست

□ □ □

پرسید: چرا؟

هفتاد و دو دلیل آوردی

جهان، مُجّاب شد

[حمیدرضا شکارسری بهار ۱۳۷۳ \(۱\)](#)

یا علی موسی الرضا(علیه السلام)

ای علی موسی الرضا، ای پاک مرد یثربی، در طوس خوابیده

من تو را بیدار می دانم

زنده تر، روشن تر از خورشید عالم تاب

از فروغ و فزّ شور و زندگی سرشار می دانم

گرچه پندارند دیری هست همچون قطره ها در خاک

ص: ۱۴۲

۱- حمید رضا شکارسری، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۵۴، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۷۸، چ ۱، صص ۱۴-۲۰.

رفته ای در ژرفنای خواب

لیکن ای پاکیزه باران بهشت، ای روح عرش، ای روشنای آب

من تو را بیدار ابری پاک و رحمت بار می دانم...

من تو را بی هیچ تردیدی که دل ها را کند تاریک

زنده تر، تابنده تر از هرچه خورشید است در هر کهکشانی،

دور یا نزدیک

خواه پیدا، خواه پوشیده

در نهان تر پرده اسرار می دانم

با هزاری و دو صد، بل بیشتر، عمرت

ای جوانی و جوان جاودان، ای پور پاینده،

مهربان خورشید تابنده،

این غمین همشهری پیرت،

این غریب مُلک ری، دور از تو دلگیرت

با تو دارد حاجتی، دردی که بی شک از تو پنهان نیست

وز تو جوید درنمانی راه و درمانی

جاودان جان جهان! خورشید عالم تاب!

این غمین همشهری پیر غریبت را، دلش تاریک تر از خاک

یا علی موسی الرضا، دریاب

چون پدرت این خسته دل، زندانی دردی روان کش را

یا علی موسی الرضا دریاب، درمان بخش

یا علی موسی الرضا دریاب

مهدی اخوان ثالث (م.ا.مید)، تهران: مهر ۱۳۶۱ (۱)

غزل بهار

برای منتقم خون شهیدان مهدی موعود(عج)

آه می کشم تو را، با تمام انتظار

پر شکوفه کن مرا، ای کرامت بهار

در رهت به انتظار صف به صف نشسته اند

کاروانی از شهید، کاروانی از بهار

ج

ای بهار مهربان! در مسیر کاروان

گل پیاش و گل پیاش، گل بکار و گل بکار

بر سرم نمی کشی دست مهر اگر مکش

تشنه محبتند لاله های داغدار

دسته دسته گم شدند سهره های بی نشان

تشنه تشنه سوختند نخل های روزه دار

می رسد بهار و من بی شکوفه ام هنوز

آفتاب من بتاب، مهربان من بیار

با تمام انتظار

تمام خاک را گشتم به دنبال صدای تو

ص: ۱۴۴

-
- ۱- جعفر پژوم، نامی و نامه ای از مهدی اخوان ثالث (م امید)، نشر سایه، زمستان ۱۳۷۰، چ ۱، صص ۳۹ و ۴۰.
- ۲- علی رضا قزوه، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۴۱، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۷۸، چ ۱، صص ۲۵ و ۲۶.

بین! باقی است روی لحظه هایم جای پای تو
اگر کافر، اگر مؤمن، به دنبال تو می گردم
چرا دست از سر من بر نمی دارد هوای تو
دلیل خلقت آدم! نخواهی رفت از یادم
خدا هم در دل من پر نخواهد کرد جای تو
صدایم از تو خواهد بود اگر برگردی ای موعود
پر از داغ شقایق هاست آوازم برای تو
تو را من با تمام انتظارم جست و جو کردم
کدامین جاده امشب می گذارد سر به پای تو
نشان خانه ات را از تمام شهر پرسیدم
مگر آن سوتر است از این تمدن روستای تو
یوسف علی میرشکاک تهران پاییز ۱۳۶۸ (۱)

دو مردمی شدن

پیش تر گفتم که شعر فارسی، به جز چند صباحی در عصر مشروطه، هیچ گاه مردمی نشد و همواره فاصله ای ژرف میان شعر و ایرانیان وجود داشت. شعر انقلاب دست کم در سال های آغازین آن شعری مردمی است. «سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹، سال های دگرگونی، آشفته‌گی و شکوفایی شعر

ص: ۱۴۵

۱- یوسف علی میرشکاک، زخم بی بهبود (گزیده اشعار یوسف علی میرشکاک)، به اهتمام: عبدالجواد موسوی، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۵، چ ۱، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.

امروز ایران بود و شعر که احساس می شد از مردم فاصله گرفته است، گامی بلند در جهت مردمی شدن برداشت... .

سال ۱۳۵۷ با جنبش های پراکنده انقلابی در شهرهای ایران آغاز شد و شعر انقلاب که تجربه دوره های گوناگون انقلاب مشروطیت، اختناق رضاخانی، مبارزات سیاسی پس از رضاخان تا ۱۳۳۲ و سمبولیسم دوره مقاومت پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را پشت سر داشت، جانی تازه به خود گرفت. از هفته شهریور ۱۳۵۷ با توده گیر شدن انقلاب ایران، شعر نیز هویت تازه ای یافت و آزادی با خون به دست آمده پس از انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، دفترهای تازه شعر را به مردم شناساند و شعر انقلاب را قوام بخشید». (۱)

سه پرهیز از نمادگرایی

شعر پیش از انقلاب، به ویژه به دلیل وجود محدودیت های سیاسی و برای فرار از سانسور، به دامن نوعی تمثیل و نمادگرایی پناه برده بود و پیوسته از واژه ها، مفاهیم و نمادهایی استفاده می کرد که به وجوه و معانی مختلف قابل حمل بود. (۲) به هرحال، شاعر روزگار انقلاب، تا حد زیادی از قید کنایه پردازی و لفظ گرایی رها شده است. صراحت بیان، بی پیرایگی زبان و طرح حقایق مهم در کمال آزادی، یکی از ویژگی های اساسی شعر انقلاب است. (۳) البته به نظر می رسد با الهام از فرهنگ اسلامی، تمثیل ها و نمادهای تازه ای اندک اندک به ادبیات و شعر انقلاب، راه یافته است. (۴)

ص: ۱۴۶

۱- شعر شهادت است، صص ۲ و ۳.

۲- نک: چون سبوی تشنه، ص ۲۵۷.

۳- نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، بخش اول: شعر، ص ۱۶.

۴- نک: چون سبوی تشنه، ص ۲۵۷.

چهار غفلت ستیزی و دعوت به بیداری

از ویژگی های اصلی شعر انقلاب، غفلت ستیزی است. انقلاب، خود، ریشه در غفلت ستیزی و مبارزه با جهل و ناآگاهی و دعوت مردم به هوشیاری و بیداری دارد و شعر انقلاب نیز به تبع آن، غفلت ستیزی و بیدادگر است. در واقع، غفلت ستیزی، اصلی ترین شاخصه شعر نسلی از شاعران انقلاب اسلامی است که با خود انقلاب متولد شدند و در کوره های تجارب آن گداختند و به کمال نزدیک شدند. نسلی که اکنون شاخه گسترده و تکثیر شده است؛^(۱) نمونه این دست شعرها، رباعی زیر از زنده یاد دکتر قیصر امین پور است:

مبادا خویشتن را واگذاریم

امام خویش را تنها گذاریم

ز خون هر شهیدی لاله ای رست

مبادا روی لاله پا گذاریم

پنج مبارزه با طبقه روشن فکر غرب زده

مسئله بازگشت به خویشتن را از سال ها پیش سید جمال الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری، جلال آل احمد، دکتر علی شریعتی و نویسندگان متعهد مطرح کردند و اندک اندک به شعر راه یافت. تیغ تیز این شعرها، روشن فکران خودفروخته را هدف قرار می داد که به دامن غرب پناه می بردند و بعضی هاشان گرفتار افیون و الکل شده بودند. دو نمونه از این شعرها بدین قرار است:

هم اکنون که نقش تو را به ناکجا می برند

او در کافه ای نشسته و ودکا می نوشد و مرگ تو را تحلیل علمی می کند!

بر او ببخش خواهرم!

ص: ۱۴۷

روشن فکر است.

سید علی موسوی گرمارودی

روزی که روشن فکر در کوچه های شهر پر آشوب

دور از هیاهوها عرق می خورد، با جان فشانی های حزب الله

تاریخ این ملت ورق می خورد.

سید حسن حسینی

شش به کارگیری قالب های مختلف شعری

از ویژگی های اساسی شعر انقلاب اسلامی، به کار گرفتن قالب های گوناگون شعری، برای بیان مفاهیم و مضامین مورد نظر است. در شعر انقلاب، با رویکرد به غزل و ظهور حماسه و مرثیه در آن، احیای قالب های رباعی و دوبیتی، تجدید حیات قالب مثنوی، (۱) آفرینش قالب غزل مثنوی و مثنوی چهار لختی (۲) روبه رو هستیم که توضیح آن را می توانید در منابع معرفی شده در پانوشت ببینید.

هفت ورود مسائل سیاسی اجتماعی به شعر انقلاب

اشاره

مسائل اجتماعی و سیاسی، از دیرباز در شعر فارسی مجال ظهور و بروز یافته اند. این مسائل، گاه به صراحت و گاه در پرده ای از رمز و اشاره بیان شده است. (۳) برای نمونه، در همین کتاب، به مصداق هایی از آن در شعر قبل و بعد از مشروطه و شعر عصر پهلوی اول و دوم اشاره کردیم. اینک به برخی

ص: ۱۴۸

-
- ۱- نک: عبدالجبار کاکایی، آوازه های نسل سرخ (نگاهی به شعر معاصر ایران)، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۳ و ۹؛ نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، بخش اول: شعر، صص ۱۱ و ۱۲.
 - ۲- نک: ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، ج ۱، صص ۲۰۰ و ۲۰۳.
 - ۳- نک: همان، ص ۶۲.

مصدق های شعر دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به تفکیک موضوع می پردازیم.

اول امام خمینی(ره)

یکی از موضوع های مهم شعر دینی پس از انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی(ره)، رهبر کبیر نهضت و مسائل مربوط به ایشان است که شاعران، فراوان درباره آن شعر سروده اند. از باب مشت نمونه خروار، فقط بخشی از شعرهایی که شاعران در سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ درباره ایشان سروده اند، در کتابی ۲۷۰ صفحه ای با این مشخصات کتاب شناسی چاپ شده است:

مصطفی فیض، چراغ عجم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲.

در سوگ آینه

در رثای حضرت امام خمینی(ره)

امشب خبر کنید تمام قبیله را

بر شانه می برند امام قبیله را

ای کاش می گرفت به جای تو دست مرگ

جان تمام قوم، تمام قبیله را

برگرد، ای بهار شکفتن! که سال هاست

سنجیده ایم با تو مقام قبیله را

بعد از تو، بعد رفتن تو گرچه نابجاست

باور می کنیم دوام قبیله را

ص: ۱۴۹

تا انتهای جاده نماندی که بسپری

فردا به دست دوست، زمام قبیله را

محمد کاظم کاظمی تیرماه ۱۳۶۸ (۱)

□

شکوهی دیگر نیست

برای حضرت روح الله (ره)

زمین

وقتی تو نباشی

منجلا بی است

و زمان

نفرینی بر خویشان

□

تو نیستی

آسمان تکراری است

و زمین، شرمگین

و زمان سوخته

و انسان

غمگین شکوهی که دیگر نیست

تو نیستی

و انسان

۱- محمد کاظم کاظمی، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۴۹، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۷۸، چ ۱، صص ۱۱ و ۱۲.

بر آستان اندوهی محض

تمام می شود

ای دارنده نور ازلی بر پیشانی!

اکنون روزگار توست

تو بر فراز

به دست های ما می نگری

و ما از بسیاری سوگ

مهربان شده ایم

و برای خود فاتحه می خوانیم (۱)

دوم مقام معظم رهبری

خامنه ای ای تو ز نسل حسین

جای خلف صالح پیر خمین

خامنه ای رهبر آزادگان

راعی قوم به ره افتادگان

ای علوی مرد عجم افتخار

سیدی از آل علی یادگار

ج

هست به دست تو محمد نسب

جامت اسلام عجم تا عرب

نقل روایت نه به آسانی است

سید ما بین که خراسانی است

خصم به قصد تو چه خون ها نکرد

جشیعه به راهت چه جنون ها نکرد

خامنه ای نقد وصایت تو راست

ای تو علی وار، ولایت تو راست

ای به حقیقت پدر قوم ما

یقظه بفرما که رود نوم ما

امر توأم ور تو بگو جان دهی

رهبر آزاده چه فرمان دهی

ص: ۱۵۱

جان بدهم بهر تو زهرا پسر

جرهیر جانباز بفرما به سر

جان به فدای تو و جانان تو

ججای پسر فاطمه قربان تو

ای به ره دین خدا جان نثار

جحافظ احکام و شریعتمدار

ای لب شیرین تو وقت سخن

غنچه احباب و گُل انجمن

راهبر! راه تو پوییم ما

عطر ولایت ز تو جوییم ما

ما همه خریدیم تویی جمع جمع

جمع نداریم به غیر از تو شمع

بحث فنون را چو تو فرزانه نیست

بزم جنون را چو تو پروانه نیست

واصل حق، بهر تو باید سرود

عارف کامل به تو بادا درود

احمد عزیزی (۱)

از دفاع مقدس هشت ساله ایرانیان و موضوع های مرتبط با آن مثل شهید، بسیجی، جانباز، مفقودالاثرا، جبهه، خرمشهر، بمباران و...، شاعران عصر انقلاب بسیار استقبال کرده اند. برای یافتن نمونه های فاخر این گونه شعرها، می توانید به این کتاب ها مراجعه کنید:

۱. سید حسن حسینی، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۸۱، ۳۳۱ صفحه.

ص: ۱۵۲

۱- احمد عزیزی، از ولایت باران، تهران، سروش، آبان ۱۳۷۹، چ ۲، صص ۱۱۹.

۲. واحد روابط عمومی و بین الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شعر شهادت، تهران، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۶۷، ۳۱۹ صفحه.

۳. ضیاء الدین ترابی، شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس)، قم، مؤسسه فرهنگی سماء، چاپ نخست، ۱۳۸۱، ۳۴۳ صفحه.

راه ناتمام

آن روز

بگشوده بال و پر

گفتی:

«دیگر به خانه باز نمی گردم

امروز من به پای خود رفتم

فردا

شاید مرا به شهر بیارند

بر روی دست ها»

اما

حتی تو را به شهر نیاوردند

گفتند:

«چیزی از او به جای نمانده است

جز راه ناتمام»

قیصر امین پور (۱)

ص: ۱۵۳

۱- قیصر امین پور، تنفس صبح: گزیده دو دفتر شعر تنفس صبح و در کوچه آفتاب، تهران، سروش، ۱۳۸۳، چ ۴، ص ۷.

غریبانه

یاران چه غریبانه رفتند از این خانه

هم سوخته شمع ما، هم سوخته پروانه

ج

بشکسته سبوهامان، خون است به دل هامان

فریاد و فغان دارد، دُردی کش می خانه

هر سو نظری کردم، هر کو گذری کردم

خاکستر و خون دیدم، ویرانه به ویرانه

افتاده سری سویی، گلگون شده گیسویی

ج

دیگر نَبُود دستی، تا موی کند شانه

تا سر به بدن باشد این جامه کفن باشد

فریاد «اباذرها» ره بسته به بیگانه

لبخند سروری کو، سرمستی و شوری کو

هم کوزه نگون گشته، هم ریخته پیمانہ

آتش شده در خرمن، وای من و وای من

از خانه نشان دارد، خاکستر کاشانه

ای وای! که یارانم، گل های بهارانم

رفتند از این خانه، رفتند غریبانه

پرویز بیگی حیب آبادی (۱)

۱- پرویز بیگی حبیب آبادی، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۲۶، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۷۸، چ ۱، صص ۲۲ و ۲۳.

در خلوت بعد از یک تشییع

به شهید غفور صمدپور

دلم برای جبهه تنگ شده است

چقدر جاده های هموار، کسالت آور است

از یک نواختی دیوارها دلم می گیرد

می خواهم بر اوج بلندترین صخره بنشینم

آن بالا به آسمان نزدیک ترم

و می توانم لحظه های تولد باران را

پیش بینی کنم

دلم برای جبهه تنگ شده است

آنجا، معنویت به درک نیامده بسیار است

آنجا ما مقابل آسمان می نشینیم

و زمین را مرور می کنیم

و به اندازه چندین چشم، معجزه می بینیم

چقدر تماشای دورها زیباست

دلم برای جبهه تنگ شده است

در کوچه های بن بست

یک ذره آفتاب به دست نمی آید

و ما هر روز به انتها می رسیم

و درهای عافیت باز می شوند

و میز مهربانی ما را

با یک لیوان شربت خنک تمام می کنند

وقتی یک جرعه آب صلواتی

عطش را می خشکاند

دیگر به من چه که کوکا خوشمزه تر از پیسی است

باید گذشت

باید عطش و سنگلاخ را تجربه کرد

آسایش، از مقصد دورمان می دارد

اسب من به آسمان نگاه می کند

مردان جبهه چه حال و هوایی دارند

چه سربلند و بانشاط می ایستند

برویم سربلندی بیاموزیم

آی با شمایم

چه کسی دوست دارد صاحب آسمان باشد؟

بیا

برای هواخوری

به جنگل های مجاور جبهه پناه ببریم

سنگرها بیلاق تفکرند

در کوه ها نگاه ما را به بالا سوق می دهند

کوه همیشه عجیب است

در کوه، تکلم خدا جریان دارد

ص: ۱۵۶

از عادت کوچه های داغ عربستان

تا کوه دور حرا

پیغمبری به بار نشست

بیا به جبهه، به کوه برویم

شتاب کن، آقای عادت!

پل هوایی، فاصله دیگری است

که آسمان را از ما مضایقه می کند

من می خواهم بیشتر آفتاب بینم

می خواهم برف را، باران را، بهاران را بفهمم

نگاه کن هوای دود گرفته شهر

تنفس راحت را از ما گرفته است

دلم برای فضای ناپیدای مه لک زده است

مه، مهربانی مبهمی است

تا خود را تنها تصور کنیم

تنهایی، راز بزرگی است

در تنهایی بی تعارف

مهمان دلمان خواهیم بود

اینجا همه با آسمان حرف نمی زنند

اینجا زیر نور نئون، آسمان پیدا نیست

مردم برای بازگشایی دلشان

به كاهه مى آيند

ص: ۱۵۷

آنان به لحظه های بعد از اکنون

به عبث امیدوارند

آنها هنوز

بهانه های روشن دل را نشناخته اند

و در نیم کره تاریک دل آرمیده اند

و فکر می کنند تمام دل

خوشحالی پس از پیدا کردن یک جنس

با قیمت نازل در بازار سیاه است

بیا به جبهه برویم

من آنجا را یک بار بوییده ام

آنجا رطوبت مطبوعی دارد

که به ایستادگی درخت کمک می کند

ما چقدر جاهای دیدنی داریم

ما چقدر غافلیم

ما که به بوی گیج آسفالت

عادت کرده ایم

و نشسته ایم هر روز کسی بیاید

زباله ها را ببرد

چه انتظار حقیری!

دلم برای جبهه تنگ شده است

چقدر صداقت نیست

چقدر شقایق ها را ندیده می گیریم

ص: ۱۵۸

حس می کنم سرم سنگین است

□

امروز دوباره کسی را آوردند

که سر نداشت

سلمان هراتی (۱)

بوسه بر خاک

با آنکه گلوله اش تنم را بوسید

جخون زد شتک و پیرهنم را بوسید

آن قدر گلوله بر تن خصم زدم

تا خم شد و خاک وطنم را بوسید

محمد رضا سهرابی نژاد (۲)

شهیدان

خوشا آنان که جانان می شناسند

طریق عشق و ایمان می شناسند

بسی گفتیم و گفتند از شهیدان

شهیدان را شهیدان می شناسند

علی رضا قزوه (۳)

چهارم حج خونین ۱۳۶۶

هَبَلْها

به یاد حجاج شهید

مثال زمزمت جوشید باید

زحرامت کفن پوشید باید

هَبْلِها، بار دیگر قد کشیدند

به تطهیر حرم کوشید باید

محمد رضا سهرابی نژاد (۴)

سپید جامه احرام

ص: ۱۵۹

۱- از آسمان سبز، صص ۸۳۷۹.

۲- محمد رضا سهرابی نژاد، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۲۲، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۴۳.

۳- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۴۱، ص ۵۲.

۴- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۲۲، ص ۹۶.

اگر حرم به زبان آید و سخن گوید
حکایت از دل هر عصر و هر زَمَن گوید
گهی ز ابرهه آن قائد صحابه فیل
که قصد خانه نمود از سوی یمن گوید
گهی ز لوث بتان معلق از دیوار
گهی ز شرک بزرگان انجمن گوید
گهی ز راز و نیاز شبانه مرسل
که بود صادق و محبوب و مؤتمن گوید

ج

گهی ز فتح مبین و شکستن بت ها
در آن زمان که علی بود بت شکن گوید
گهی ز جور یزید و هجوم لشکر او
به سوی خانه و آتش بدان زدن گوید
گهی ز فتنه حجاج و کینه تیزی او
که کوفت خانه به نیرنگ اهرمن گوید

ج

گهی ز پوچی اندیشه های عبد و هاب
که بود عنصر مزدور و بی وطن گوید
گهی ز نام حجاز و تلاش آل سعود
به قصد محو چنین شهرت کهن گوید

گهی ز سیل خروشان زائران خدا

برای اینکه کند کفر ریشه کن گوید

ص: ۱۶۰

گهی ز فاجعه حرم که در آن

سپید جامه احرام شد کفن گوید

گهی ز خون عزیزان که ریخت بر شن ها

ز زائران حرم جمله مرد و زن گوید

گهی ز تهمت آل سعود بی ایمان

به راهیان ره عزت و شدن گوید

گهی ز ناله ایتم شاهدان حرم

که خونشان شده آلاله چمن گوید

من این حکایت آن خانه خوب بشنیدم

چرا که راز دل خویشان به من گوید

محمدعلی رضاییان (۱)

عجب از حلم تو دارم کعبه!

از تو ای کعبه شگفت است نه از آل سعود

کاین همه صبر و تحمل که تو کردی ز چه بود؟!

میهمانان تو را بی گنه از کین کشتند

ز آنکه در پیش بت قرن نکردند سجود

جرم آنان همه آن بود که مانند خلیل

سر به ذلت نهادند به امر نمرود...

ج

آن سیه روی که ابلیس در او کرده حلول

۱- واحد روابط عمومی و بین الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، حج خونین: گزیده اشعار سروده شده به مناسبت فاجعه خونین مکه مکرمه و در رثای شهدای گران قدر حج ۱۳۶۶، تهران، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهمن ۱۳۶۷، چ ۱، ص ۶۸.

کرد جوری که غمین گشت رسول محمود

ای ستمکار! مشو خوش دل از این کرده زشت

که تو را حاصل از این کار زیان بود نه سود

«فخر» را ورد زبان است که لعنت به تو باد

بر شهیدان به خون خفته ز دادار درود

فخر مهدی کرمانی (۱)

مرثیه قبله خونین

سلام بر تو

ای خانه امن!

ای قبله خون رنگ من

ای به خون تپیده خاموش

ای مبدأ خروش

ای قبله مسلمین

ای همیشه در تشریف سوگ

در سوگواری مظلومان خاک

بگو

چگونه سوی تو قامت بندم

تا یاد جسم پاره پاره فرزندان سرزمین غریبم

بین من و تو حایل نشود؟

تا اندیشه قنوتم

رنگ خون نگیرد؟

ص: ۱۶۲

۱- همان، ص ۱۱۵.

و رکوع و سجودم؟

بر تو نماز بگزارم

یا بر شهدای غریب و مظلوممان؟...

و بار دیگر

جمعه خونین نهم مردادماه مکه

امتداد جمعه سیاه شهریور پنجاه و هفت

و سپاه ابوجهل همان

و سپاه حسین (علیه السلام) هم...

و صهیون آل سعود

در قصر عاج خویش

سرمست از الطاف خدایان زور و زر و فسق و فجور کاخ سفید

هدایای افزون تری را

بر کشتار شرم آور و ننگینش طلب می کند

بی خبر از روز بزرگ قسط و عدالت

اُف بر شما

ای زاده های ظلم و ثروت

خداوندا!

ای خدای محمد (صلی الله علیه و آله)

سوگند به فرزند کعبه

و سوگند به زهرای اطهر

با ما بگو

آیا در کجای زمان قرار دارد

آن جمعه موعود

ص: ۱۶۳

تا ندای نجات دهنده در خاک بیچد

آن گاه که بر کعبه تکیه زده باشد

«الا یا اهل العالم!»

انا القائم المنتظر

و انا السیف المنتقم»

(ای مردم عالم!

منم آن قائم منتظر

و منم آن شمشیر انتقام)!

زنده یاد سپیده کاشانی (۱)

پنجم هم دردی با دیگر مسلمانان

رد پای دشنه

به مظلومان بوسنی

ردپای دشنه است، اینکه مانده بر گلو

تشنه او به خون من، تشنه من به خون او

مثل سایه با من است هر کجا که رو کنم

دشنه این سیاه مست، دشنه این درنده خو

از نگاه وحشی اش آهوانه می روم

خانه خانه، ده به ده، کوچه کوچه، کوبه کو

«آشیان ما کجاست؟» هم زبان من بنال

از چه ماند بغض ما در گلوی جست و جو

«فرستی نمانده است باید انتخاب کرد»

ص: ۱۶۴

۱- همان، صص ۱۲۸ ۱۳۳.

یا که باز هم گریز، یا مصاف رو به رو

چهره زمان ما، زرد زرد مانده است

غیر مرگ سرخ نیست، راه کسب آبرو

تقی متقی (۱)

در باغ های سارایوو

سرها شکوفه های ریخته در بادند

و ماه

پنجره ای برای گریستن

کاش زمین را آب می گرفت

نوح می آمد

انسان، پرنده می شد

و درخت،

پلی به سمت خدا

در باغ های «سارایوو»

کودکی

از لبخندش

خون می چکد

بر آینه ای مرده

ملحفه آسمان، خونین است

خورشید

۱- ناگهان بهار: مجموعه غزل شاعران حوزه علمیه قم، به کوشش: یدالله گودرزی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۷۳، چ ۱، صص ۹۷ و ۹۸.

بر تخت بیمارستان

پاشویه می شود

صندلی های چرخ دار

بال درآورده اند

پیراهن های خاکی

در گنجه ها می گریند...

من با اشاره حرف می زنم

تو بی اشاره جان می دهی

چشم آبی جان!

من از تو شمع می سازم

تو مدام گلوله می خوری،

چشم آبی جان!

چه قشنگ «الله اکبر» می گفتی

مرا ببخش،

چشم آبی جان!

علی رضا قزوه ۱۳۷۱ (۱)

زخم های کهنه صبرا

شتیلا ایستاده بر خرابه خانه

چون پیرمرد عصا در دست

بی آنکه دوست داشته باشد

لباس رزم جوانی را

ص: ۱۶۶

۱- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۴۱، ص ۷۴۷۰.

از تن درآورد

شاید به انتظار کسی است

که یک سپیده می آید

به جست و جوی خواهر گیسو سپیدش،

صبرا

با چتری چهار رنگ

برای نیره هایش

که در خرابه های بیروت

باران سنگ بر سرشان می بارد

علی رضا قزوه پاییز ۱۳۷۹ بیروت خرابه های صبرا و شتیلا (۱)

دختر قدس

پرد از صخره ها، گویی پلنگ است

به سنگر زاده و فرزند جنگ است

جهیز دختر رزمنده قدس

کلام الله و، یک قبضه تفنگ است

محمد رضا سهرابی نژاد (۲)

خون بر شمشیر

الا افغانی مانده به زنجیر

میان حربه ای از بانگ تکبیر

چه بیمت از هجوم ارتش سرخ

که خون پیروز خواهد شد به شمشیر

محمد رضا سهرابی نژاد (۳)

ص: ۱۶۷

-
- ۱- عشق علیه السلام، ص ۸۷.
 - ۲- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۲۲، ص ۹۲.
 - ۳- همان، ۹۱.

نکته پایانی: وظایف شعر انقلاب

نکته پایانی این فصل، وظایفی است که برعهده شعر انقلاب گذاشته شده است. استاد محمدرضا حکیمی، این وظایف را چنین برمی شمارد:

۱. تفسیر انقلاب: شعر باید انقلاب را همواره تفسیر و تعریف کند تا چیزی دیگر به جای انقلاب در ذهنیت ها رسوخ نیابد و جای گزین نشود.

۲. اهداف انقلاب: شعر باید اهداف انقلاب را همواره باز گوید و تشریح کند و به یادها آورد و زنده بدارد تا عرصه ای برای جولان ارتجاع باقی نماند.

۳. ارکان انقلاب: شعر باید ارکان انقلاب را سازد؛ یعنی طبقات محروم و فرودست و آگاهان و عدالت خواهان را...، تا فراموش نشود که در یک انقلاب راستین باید آنچه آگاهان می گویند، تحقق یابد و آنچه محرومان را از محرومیت نجات می دهد و به حقوق مغضوب و کرامت مهدور خویش می رساند، عملی گردد، نه آنچه برخورداران می طلبند.

۴. آفات انقلاب: شعر انقلاب باید از آفات انقلاب آگاه باشد و آنها را پیوسته نشان دهد، تا انقلاب از آفت زدگی برهد و به آفت زدایی برسد، و گرنه، مکتب برباد رفته است.

۵. تصویر محیط انقلاب: شعر انقلاب، در تصویرگری محیط انقلاب، باید هر دم دو تصویر را در دیدگاه جامعه قرار دهد و ذهنیت جامعه را به آن دو تصویر متوجه سازد و دیده جامعه را در آن باره تیز و حساس کند:

الف) تصویر زندگی برخورداران و شادخواران و ستمگران و بی خبری و نامردمی آنان، خود و خانواده هایشان.

ب) تصویر زندگی محرومان و ستم کشان و کمبودداران و زاغه نشینان و فراموش شدگان و تباه روزان و مرگ تدریجی آنان، خود و خانواده هایشان.

ص: ۱۶۹

شعر دینی، شعری استوار و ثابت قدم است که از دیرزمان تاکنون، همواره مورد توجه شاعران بوده است و در آن طبع آزمایی کرده اند؛ حال یا آن را موضوع شعر خود قرار داده اند یا از موضع دین به شاعری پرداخته اند. از آن سو، پیروزی نهضت امام خمینی (ره) در ایران، نوعی از شعر دینی مقاوم را پدید آورد که با محتوای بدیع و احیای قالب های سنتی و بهره بجا از شعر نو و سپید، توانست نقشی بی بدیل در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کند.

همچنین پاسداشت هنر و ادبیاتی که در راه آرمان های انقلاب و دفاع از کیان ایران اسلامی تلاش کرده است، از رسالت های مهم رسانه ملی و اصحاب آن به نظر می رسد. در این میان، شعر دینی که بی شک سهمی هر چند اندک در پیروزی انقلاب اسلامی و نیز جریان های مختلف بعد از پیروزی داشته است، می تواند از موضوع های بسیار مناسب برای پردازش در رسانه ملی به شمار آید.

معرفی کارشناسان

۱. حمید سبزواری ۱۱. ساعد باقری ۲۱. سیمین دخت وحیدی
۲. محمود شاهرخی ۱۲. جواد محدثی ۲۲. یوسف علی میرشکاک
۳. مشفق کاشانی ۱۳. علی رضا قزوه ۲۳. احمد عزیزی
۴. علی معلم دامغانی ۱۴. عبدالجبار کاکایی ۲۴. محمدرضا عبدالملکیان
۵. محمدرضا حکیمی ۱۵. محمد کاظم کاظمی ۲۵. اکبر بهداروند
۶. حسین الهی قمشه ای ۱۶. مصطفی محدثی خراسانی ۲۶. حمیدرضا شکارسری
۷. محمدعلی مجاهدی (پروانه) ۱۷. علی اکبر رشاد ۲۷. محمدرضا سهرابی نژاد
۸. غلام علی حداد عادل ۱۸. صادق رحمانی ۲۸. محمدحسین جعفریان
۹. علی موسوی گرمارودی ۱۹. فاطمه راکعی ۲۹. ضیاءالدین ترابی
۱۰. سید حسن ثابت محمودی ۲۰. صدیقی و ستمی ۳۰. مجتبی تونه ای

موضوع های پیشنهادی

۱. دیدگاه مثبت و منفی دین اسلام درباره شعر و شاعری
شعر و شاعری در قرآن کریم
چیستی شعر دینی
ویژگی های شعر دینی
۲. تطوّر شعر دینی در دوره های گوناگون تاریخی (عصر صفوی و قاجار، دوره مشروطه و در حکومت پهلوی اول و دوم)
۳. شعر با موضوع و موضع دین
۴. تعهد در شعر دینی
۵. ولایت در شعر دینی

۶. انتظار در شعر دینی

ص: ۱۷۱

۷. شعر دینی و انقلاب اسلامی

۸. چیستی شعر انقلاب

۹. ویژگی های شعر انقلابی

۱۰. وظایف شاعر عصر انقلاب

۱۱. شعارزدگی در شعر انقلاب

۱۲. قالب های رایج در شعر انقلاب

۱۳. بهره گرفتن از ادبیات کهن در شعر انقلاب

۱۴. شعر انقلاب و قالب جدید غزل مثنوی

۱۵. غزل حماسی در شعر پس از انقلاب

۱۶. چیستی مقاومت و جنگ تحمیلی

۱۷. یادبود در گذشتگان شعر دینی:

سلمان هراتی

سپیده کاشانی

سید حسن حسینی

نصرالله مردانی

قیصر امین پور

طاهره صفارزاده و...

پرسش های کارشناسی

۱. شعر دینی را تعریف کنید.

۲. چگونگی تطور شعر دینی را در تاریخ ادبیات ایران زمین توضیح دهید.

۳. ویژگی های شعر دینی را برشمارید.

۴. انواع شعر دینی را نام ببرید.

ص: ۱۷۲

۵. شعر با موضوع و شعر با موضع دینی را توضیح دهید.

۶. تفاوت شعر با موضوع و موضع دین چیست؟

۷. قالب های رایج در شعر دینی را بیان کنید.

۸. چرا در عصر صفوی و قاجار، شعر با موضوع دینی رونق یافت؟

۹. آیا در دوره مشروطه، شعر دینی وجود داشته است؟

۱۰. ارزیابی شما از شعر دینی در عصر پهلوی اول و دوم چیست؟

۱۱. تعهد، در شعر دینی چه نقشی دارد؟

۱۲. تأثیر رویدادهای سترگ غدیر، عاشورا و انتظار را بر شعر دینی شیعه بیان کنید.

۱۳. آیا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، شعر دینی وجود داشت؟

۱۴. آیا شعر دینی در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشت؟

۱۵. تعریف شما از شعر انقلابی چیست؟

۱۶. ویژگی های شعر انقلاب را بیان کنید.

۱۷. به نظر می رسد شعر انقلاب، در مردمی شدن، بسیار موفق بوده است. آیا با این دیدگاه موافقت می کنید؟

۱۸. بعضی معتقدند شعر انقلاب، شعری شعارزده است. نظر شما چیست؟

۱۹. شعر انقلاب، شعری صریح است و پرده پوشی نمی کند؛ چرا؟

۲۰. معروف است که غزل حماسی، در دوران پس از انقلاب و با شعر انقلابی این دوره پدید آمد. آیا این مطلب را می پذیرید؟

۲۱. آیا شعر انقلاب توانست در شورآفرینی زمان دفاع مقدس موفق باشد؟

۲۲. به نظر شما، وظیفه شاعر شعر دینی در عرصه کنونی جامعه چیست؟

کتاب های مناسب برای معرفی در رسانه

۱. قیصر امین پور، تنفس صبح.
۲. قیصر امین پور، آینه های ناگهان.
۳. سلمان هراتی، از آسمان سبز.
۴. سلمان هراتی، دری به خانه خورشید.
۵. علی رضا قزوه، از نخلستان تا خیابان.
۶. علی رضا قزوه، عشق علیه السلام.
۷. علی رضا قزوه، شبلی و آتش.
۸. سید حسن حسینی، هم صدا با حلق اسماعیل.
۹. سید حسن حسینی، گنجشک و جبرئیل.
۱۰. علی معلم دامغانی، رجعت سرخ ستاره.
۱۱. زکریا اخلاقی، تبسم های شرقی.
۱۲. حسین اسرافیلی، تولد در میدان.
۱۳. ساعد باقری، نجوای جنون.
۱۴. پرویز بیگی حبیب آبادی، غریبانه.
۱۵. نصرالله مردانی، قیام نور.
۱۶. سیمین دخت وحیدی، موج های بی قرار.
۱۷. یوسف علی میرشکاک، ماه و کنعان.
۱۸. سهیل محمودی، دریا در غدیر.
۱۹. عبدالجبار کاکایی، آوازهای نسل سرخ.

۲۰. سید فضل الله قدسی، خاکستر صدا.

۲۱. شیرین علی گلمرادی، آینه در کربلاست.

ص: ۱۷۴

۲۲. حمیدرضا شکارسری، باز جمعه ای گذشت.

۲۳. قادر طهماسبی (فرید)، عشق بی غروب.

۲۴. احمد عزیزی، کفش های مکاشفه.

۲۵. غلام رضا شکوهی، آهی بر باغ آینه.

۲۶. حسین دارند، یک سوره از شب های مهتابی.

۲۷. محمدحسین جعفریان، چشمه بی نشان.

پنج مناسبت؛ پنج گونه شعر دینی

هر سال با توجه به مناسبت های شمسی و قمری، می توان رویداد هایی را یافت که کاملاً با گونه خاصی از شعر دینی همخوان است. از این رو، این امکان وجود دارد که با دستاویز قراردادن آن مناسبت، به بررسی نوع خاصی از شعر دینی در رساله ملی پرداخت، مسابقه ها و میزگرد ها ترتیب داد و آن شعر دینی را از جنبه های گوناگون بررسی کرد. نویسنده، پنج مناسبت مهم و نوع شعری را که می توان بررسی کرد، اینجا می آورد:

۱. محرم و صفر بررسی شعر عاشورایی

۲. رحلت امام خمینی (ره) و رویداد غدیر خم بررسی شعر ولایت

۳. میلاد امام زمان (علیه السلام) بررسی شعر انتظار

۴. هفته دفاع مقدس بررسی شعر پایداری و مقاومت

۵. دهه مبارک فجر بررسی شعر انقلاب

به همین ترتیب، می توان مناسبت های دیگری را یافت و در هر یک، به نوع خاصی از شعر دینی پرداخت.

* قرآن کریم، برگردان: سید علی موسوی گرمارودی، تهران، قدیانی، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۱. آتشی، منوچهر، «شعر چیست؟»، مجموعه مقالات شعر چیست؟، به کوشش: عزیزالله زبیدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۰.

۲. آژند، یعقوب، ادبیات نوین ایران: از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۶۳.

۳. آقابخشی، علی و مینو افشاری، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، چاپ نخست، ۱۳۷۹.

۴. آل احمد، جلال، ارزیابی شتابزده، تهران، امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۵۷.

۵. هفت مقاله، تهران، رواق، چاپ سوم، تابستان ۱۳۵۷.

۶. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه. ق.

۷. ابوالحسنی (منذر)، علی، بوسه بر خاک حیدر (علیه السلام): بحثی در آرمان و آرمان فردوسی و پرتوگیری از قرآن و احادیث معصومین (علیهم السلام) همراه با نقد نظریات و آرای برخی شاهنامه پژوهان معاصر، تهران، عبرت، چاپ نخست، تابستان ۱۳۷۸.

۸. احسان بخش، صادق، آثار الصادقین، رشت، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، چاپ نخست، تابستان ۱۳۶۹.

۹. احمدی بیرجندی، احمد، در ساحل غدیر: غدیریه های فارسی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ نخست، ۱۳۷۷.

۱۰. ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران، سخن، چاپ نخست (ویراست دوم)، ۱۳۸۰.

۱۱. اشارات: ماهنامه ادبی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما (ویژه نامه شهادت زهرا)، تیر ۱۳۸۴.
۱۲. اقبال، جاوید، زندگی و افکار علامه اقبال لاهوری، برگردان: شهیندخت کامران مقدم (صفیاری)، مشهد، به نشر، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۱۳. اقبالی، معظمه (اعظم)، شعر و شاعری در ایران اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، بهار ۱۳۶۶.
۱۴. اکبرلو، منوچهر، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی؛ بخش اول: شعر، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ نخست، پاییز ۱۳۷۱.
۱۵. امین پور، قیصر، «نظام ارباب و رعیتی در روستای شعر، لغو شده است»، مجموعه مقالات شعر چیست؟، به کوشش: عزیزالله زبیدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۰.
۱۶. ، تنفس صبح: گزیده دو دفتر شعر تنفس صبح و در کوچه های آفتاب، تهران، سروش، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.
۱۷. امینی نجفی، عبدالحسین، الغدیر، برگردان: محمدتقی واحدی، تهران، کتاب خانه بزرگ اسلامی، چاپ دوم، تابستان ۱۳۶۲.
۱۸. ، الغدیر، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۸۷ ه. ق.
۱۹. امینیان، ناهید، شکوفه های انقلاب: مجموعه ای از اشعار انقلابی، تهران، میثم، ۱۳۵۸.
۲۰. ایزدپناه، عباس، در قلمرو فلسفه و ادبیات دینی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۸.
۲۱. باقریان موحد، سیدرضا، میراث ادبی علمای شیعه: برگزیده متون نظم و نثر فارسی، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
۲۲. بال سرخ فنوت، به اهتمام: محمدعلی مجاهدی (پروانه)، تهران، دفتر ادبیات آیینی، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۶.
۲۳. بهار، محمدتقی، بهار و ادب فارسی، به کوشش: محمد گلبن، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
۲۴. ، دیوان ملک الشعرا بهار، تهران، آزادمهر، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
۲۵. بهبودی، هدایت الله، درباره ادبیات نوین ایران پیش از نهضت مشروطه، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۷۵.

۲۶. بیگی حبیب آبادی، پرویز، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۲۶، تهران، کتاب نیستان، چاپ نخست، ۱۳۷۸.
۲۷. پژوم، جعفر، نامی و نامه ای از مهدی اخوان ثالث (م. امید)، بی جا، نشر سایه، چاپ نخست، زمستان ۱۳۷۰.
۲۸. پورقمی، ناصر، شعر و سیاست و سخنی درباره ادبیات ملتزم، تهران، مروارید، ۲۳۳۵ شاهنشاهی.
۲۹. ترابی، ضیاءالدین، شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس)، قم، مؤسسه فرهنگی سماء، چاپ نخست، ۱۳۸۱.
۳۰. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، بی تا.
۳۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران قم، سمت و مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ نهم، پاییز ۱۳۸۵.
۳۲. تونه ای، مجتبی، شکستی شده ام (مجموعه شعر)، قم، انتشارات پردیسان، چاپ نخست، بهار، ۱۳۸۰.
۳۳. موعودنامه: فرهنگ الفبایی مهدویت، قم، میراث ماندگار، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
۳۴. جامی، نورالدین عبدالرحمان، دیوان کامل جامی، مقدمه: هاشم رضی، تهران، انتشارات پیروز، بی تا.
۳۵. جشنی آرنای، ماشاءالله، تجلی قرآن و معارف اسلامی در اشعار بیدل دهلوی، تهران، هستی نما، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۳.
۳۶. حجازی، سید علی رضا، حسین بن علی در آینه شعر از آغاز تا پایان قرن سیزدهم هجری قمری، قم، فارس الحجاز، چاپ نخست، اسفند ۱۳۸۲.
۳۷. الحسینی، سید اشرف الدین (نسیم شمال)، باغ بهشت، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۵۷.
۳۸. حسینی، سیدحسن، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۸۱.
۳۹. حکیمی، محمدرضا، ادبیات و تعهد در اسلام، قم، دلیل ما، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۴.
۴۰. ، ادبیات و تعهد در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، تابستان ۱۳۶۸.

۴۱. بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، زمستان ۱۳۶۸.

۴۲. دانش مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

۴۳. خرم شاهی، بهاءالدین و سیامک انصاری، قرآن و مثنوی، تهران، قطره، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۴۴. خرمشاهی، بهاءالدین، حافظ نامه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.

۴۵. شیخ آقا بزرگ تهرانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

۴۶. خزاعی نیشابوری، حسین بن علی، تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی، تصحیح: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.

۴۷. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۴، چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۹.

۴۸. خورشید سرایان، گردآوری: سید علی اصغر صائم کاشانی، [بی جا]، انتشارات تالار کتاب، چاپ نخست، زمستان ۱۳۷۷.

۴۹. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید، چاپ نخست، ۱۳۸۲.

۵۰. دایره المعارف تشیع، زیر نظر: احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، تهران، انتشارات شهید سعید محبی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۵۱. دبیران، حکیمه، «تأثیر قرآن در آثار سعدی»، ذکر مجموعه مقالات جمیل سعدی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، جلد دوم، پاییز ۱۳۶۹.

۵۲. درستی، احمد، شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۱.

۵۳. درگاهی، حسین و دیگران، شورش در خلق عالم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۸.

۵۴. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام حسین (علیه السلام)، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۴.

۵۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا (۴ جلد)، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۳.
۵۶. دیوان حافظ، تصحیح: غنی قزوینی، تهران، ققنوس، چاپ نخست، ۱۳۷۷.
۵۷. دیوان منوچهری دامغانی، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران، کتاب فروشی زوار، چاپ پنجم، ۱۳۶۲.
۵۸. ذاکر حسین، عبدالرحیم، ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران، علم، ۱۳۷۷.
۵۹. ذکر جمیل سعدی: مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتصدمین سالگرد تولد شیخ اجل سعدی علیه الرحمه، گردآوری: کمیسیون ملی یونسکو ایران، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، پاییز ۱۳۶۹.
۶۰. ذوالقدری (میرصادقی)، میمنت، واژه نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک ها و مکتب های آن، تهران، کتاب مهناز، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۶۱. رادفر، ابوالقاسم، مناقب علوی در آینه شعر فارسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۱.
۶۲. راشد محصل، محمدرضا، پرتوهای از قرآن و حدیث در ادب فارسی، مشهد، شرکت به نشر، چاپ نخست، ۱۳۸۰.
۶۳. الرحمن، منیب، شعر دوره مشروطه، برگردان: یعقوب آژند، تهران، روزگار، چاپ نخست، ۱۳۷۸.
۶۴. رزمجو، حسین، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۶۵. رستگار فسایی، منصور، انواع شعر فارسی، شیراز، نوید، چاپ نخست، ۱۳۷۲.
۶۶. روحانی (زیارتی)، سید حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی (ره)، [بی جا]، دارالعلم و دارالفکر، چاپ چهارم، دی ۱۳۵۸.
۶۷. نهضت امام خمینی (ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، جلد سوم، پاییز ۱۳۷۴.

۶۸. نهضت امام خمینی (ره)، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید با همکاری سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ نخست، جلد دوم، خرداد ۱۳۶۴.
۶۹. روزبه، محمدرضا، ادبیات معاصر ایران (شعر)، تهران، روزگار، چاپ نخست، ۱۳۸۱.
۷۰. روشه، گئی، تغییرات اجتماعی، برگردان: منصور وثوقی، تهران، نی، چاپ دهم، ۱۳۷۹.
۷۱. رهنما، زین العابدین، زندگانی امام حسین بن علی بن ابی طالب (علیه السلام)، تهران، زوار، چاپ هیجدهم، ۱۳۷۸.
۷۲. ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، برگردان: ابوالقاسم سری، تهران، سخن، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
۷۳. زرقانی، سید مهدی، چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران، ثالث با همکاری انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
۷۴. زرین کوب، عبدالحسین، با کاروان حله: مجموعه نقد ادبی، تهران، علمی، چاپ نهم، پاییز ۱۳۷۴.
۷۵. جست و جو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
۷۶. کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۸۰.
۷۷. سبزواری، حمید، سرود درد، تهران، کیهان، چاپ نخست، بهار ۱۳۶۷.
۷۸. سجادی، سید عبدالحمید، گزیده ای از تأثیر قرآن بر نظم فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۷۹. سعیدیان، عبدالحسین، دانشنامه ادبیات، تهران، ابن سینا، چاپ نخست، ۱۳۵۳.
۸۰. سلیم، غلام رضا، جامعه شناسی ادبیات یا اجتماعیات در ادب فارسی، تهران، توس، چاپ نخست، ۱۳۷۷.
۸۱. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، سیری در ادیان زنده جهان (غیر از اسلام)، قم، آیت عشق، چاپ نخست، زمستان ۱۳۸۳.
۸۲. سلیمانی، فرامرز، شعر، شهادت است، تهران، موج، بهار ۱۳۶۰.
۸۳. سمرقندی، امیردولت شاه، تذکره الشعراء، به همت: محمد رضائی، تهران، پدیده خاور، چاپ دوم، آبان ۱۳۶۶.

۸۴. سهرابی نژاد، محمدرضا، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۲۲، تهران، کتاب نیستان، چاپ نخست، ۱۳۷۸.
۸۵. سید حسینی، رضا، مکتب های ادبی، تهران، نگاه، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱.
۸۶. سیف فرغانی، دیوان سیف فرغانی، تصحیح و مقدمه: ذبیح الله صفا، تهران، فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۶۴.
۸۷. شاله، فیلیس، شناخت زیبایی (استتیک)، برگردان: علی اکبر بامداد، تهران، کتاب خانه طهوری، چاپ چهارم، ۱۳۵۷.
۸۸. شریعتی، علی، مجموعه آثار ۲ (خودسازی انقلابی)، تهران، الهام، چاپ ششم، تابستان ۱۳۷۷.
۸۹. ، مجموعه آثار ۷ (شیعه)، تهران، سحاب کتاب، چاپ نخست، بی تا.
۹۰. شعر چیست؟، به کوشش: عزیزالله زیادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۰.
۹۱. شفیع کدکنی، محمدرضا (م. سرشک)، از بودن و سرودن، تهران، توس، چاپ دوم، تیر ۱۳۵۷.
۹۲. ، شعر معاصر عرب، تهران، توس، خرداد ۱۳۵۹.
۹۳. شکارسری، حمیدرضا، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۵۴، تهران، کتاب نیستان، چاپ نخست، ۱۳۷۸.
۹۴. شهباز، حسن، سیری در بزرگ ترین کتاب های جهان، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۹۵. شهریار، سید محمدحسین، دیوان شهریار، تهران، انتشارت زرین و انتشارات نگاه، چاپ هفدهم، تابستان ۱۳۷۵.
۹۶. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، تصحیح و مقدمه: شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.
۹۷. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، محرم ۱۴۰۵ مهر ۱۳۶۳.
۹۸. صبحدم با ستارگان سپید: نگاهی به بیست و پنج سال شعر مذهبی ایران، ۱۳۵۵-۱۳۸۰، گردآوری و تنظیم: امیرمسعود طاهریان، مشهد، شرکت به نشر، چاپ نخست، ۱۳۸۰.

۹۹. صفارزاده، طاهره، بیعت با بیداری، شیراز، انتشارات نوید، چاپ سوم، زمستان ۱۳۶۵.

۱۰۰. سفر پنجم، تهران، رواق، چاپ دوم، اسفند ۱۳۵۶.

۱۰۱. طباطبایی بروجردی، حسین، جامع الاحادیث الشیعه، قم، مطبعه علمیه، بی تا.

۱۰۲. عارف قزوینی، ابوالقاسم، دیوان عارف قزوینی، تدوین: محمدعلی سپانلو و مهدی اخوت، تهران، نگاه، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۱۰۳. عبدالمحمدی، عباس، «تفکر دینی در ادبیات مشروطه»، مجموعه مقالات ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد دوم، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۸.

۱۰۴. عبید زاکانی، کلیات عبید زاکانی، به کوشش، پرویز اتابکی، تهران، انتشارات کتاب فروشی زوار، چاپ دوم، ۱۳۴۳.

۱۰۵. عزیزی، احمد، از ولایت باران، تهران، سروش، چاپ دوم، آبان ۱۳۷۹.

۱۰۶. غدیر در شعر فارسی، گزینش و توضیح: سید مصطفی موسوی گرمارودی، قم، الهادی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۴.

۱۰۷. فرخی، محمد، دیوان فرخی یزدی، تصحیح و مقدمه: حسین مکی، تهران، امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۵۷.

۱۰۸. فرشیدور، خسرو، حماسه انقلاب: مجموعه شعر همراه مقدمه ای درباره شعر امروز ایران، تهران، مؤلف، مهر ۱۳۵۷.

۱۰۹. فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث و قصص مثنوی، ترجمه کامل و تنظیم مجدد: حسین داودآبادی، تهران، امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۷۶.

۱۱۰. مقاله های بدیع الزمان فروزانفر، مقدمه: عبدالحسین زرین کوب، به کوشش: عنایت الله مجتهدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۲.

۱۱۱. فیض، مصطفی، توصیف خاکیان از آفتاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۱.

۱۱۲. چراغ عجم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۱.

۱۱۳. قبانی، نزار، شعر، زن و انقلاب، برگردان: عبدالحسین فرزاد، تهران، امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۶۴.

۱۱۴. قزوه، علی رضا، عشق علیه السلام، تهران، انجمن شاعران ایران، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۱.

۱۱۵. ، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۴۱، تهران، کتاب نیستان، چاپ نخست، ۱۳۷۸.

۱۱۶. کاظمی، محمد کاظم، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۴۹، تهران، کتاب نیستان، چاپ نخست، ۱۳۷۸.

۱۱۷. کاکایی، عبدالجبار، آوازه‌های نسل سرخ (نگاهی به شعر معاصر ایران)، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ نخست، پاییز ۱۳۷۶.

۱۱۸. کلینی، الاصول من الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارالاضواء، [بی تا].

۱۱۹. کنگره بررسی تأثیر امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر، ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد دوم، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۸.

۱۲۰. ، ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۴، جلد نخست، چاپ نخست، مهر ۱۳۷۷.

۱۲۱. گروهی از نویسندگان، مبانی جامعه شناسی، تهران، سمت، چاپ نخست، زمستان ۱۳۷۳.

۱۲۲. ، نهضت مشروطیت ایران (مجموعه مقالات)، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ نخست، تابستان ۱۳۷۸.

۱۲۳. گوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس: غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، چاپ هشتم، بهار ۱۳۷۶.

۱۲۴. گوته، یوهان ولفگانگ فون، دیوان غربی شرقی، برگردان: محمود حدادی، تهران، بازتاب نگار، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۱۲۵. گوهر عشق (گزیده اشعار غدیر)، گردآورنده: ضیاءالدین تربی، تهران، روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۵.

۱۲۶. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، برگردان: منوچهر صبوری، تهران، نی، چاپ ششم، ۱۳۷۹.

۱۲۷. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق ۱۹۸۹م.

۱۲۸. کنزالعمال، عمان، بیت الافکار الدولیه، چاپ سوم، ۲۰۰۵م.

۱۲۹. متین، غلام حسین، شعر برای بیداری، [بی جا]، چاپ نوبهار، چاپ نخست، تابستان ۱۳۵۷.

۱۳۰. مجاهدی (پروانه)، محمدعلی، شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، قم، مرکز تحقیقات سپاه، چاپ نخست، ۱۳۷۹.

۱۳۱. کاروان شعر عاشورا، قم، زمزم هدایت، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۶.

۱۳۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، مکتبه اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۶۶.

۱۳۳. محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف، اسفند ۱۳۷۴.

۱۳۴. فرهنگ غدیر، قم، نشر معروف، چاپ پنجم، زمستان ۱۳۸۶.

۱۳۵. هنر در قلمرو مکتب، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۶.

۱۳۶. محمدزاده، مرضیه، دانشنامه شعر عاشورایی: انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، جلد اول و دوم، زمستان ۱۳۸۳.

۱۳۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه با ترجمه فارسی، برگردان: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۹.

۱۳۸. محمدی، کاظم، مولانا و ترجمه آیات قرآن، کرج، نجم کبری، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۶.

۱۳۹. مرغه ای، زین العابدین، سیاحت نامه ابراهیم بیک، تهران، نشر سپیده، چاپ چهارم، بهار ۱۳۵۷ شاهنشاهی.

۱۴۰. مشیری، مهشید، فرهنگ زبان فارسی، تهران، سروش چاپ سوم، ۱۳۷۸.

۱۴۱. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، چاپ بیست و ششم، پاییز ۱۳۷۴.

۱۴۲. عرفان حافظ (تماشاگه راز): مباحثی پیرامون شناخت واقعی خواجه حافظ، تهران، صدرا، چاپ هفتم، زمستان ۱۳۶۹.

۱۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۶.

۱۴۴. من می گویم شما بگریید: مرثی عاشورایی، به کوشش: علی رضا قزوه، تهران، رکت انتشارات سوره مهر، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
۱۴۵. موسوی گرمارودی، سید علی، زندگی و شعر ادیب الممالک فراهانی، تهران، قدیانی، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
۱۴۶. عبور، تهران، توس، چاپ نخست، اردیبهشت ۱۳۴۹.
۱۴۷. میرزاده عشقی، سید محمدرضا، کلیات مصور عشقی، تالیف و نگارش: علی اکبر مشیر سلیمی، تهران، امیر کبیر، چاپ هفتم، ۱۳۵۷.
۱۴۸. میرزاده، نعمت (م.آزم)، سحوری، تهران، رواق، چاپ نخست، تابستان ۱۳۵۷.
۱۴۹. گلخون، تهران، تیرنگ، چاپ نخست، بهمن ۱۳۵۸.
۱۵۰. لیلہ القدر، تهران، انتشارات رشناوند، اردیبهشت ۱۳۵۷.
۱۵۱. میرشکاک، یوسف علی، زخم بی بهبود (گزیده اشعار یوسف علی میرشکاک)، به اهتمام: عبدالجواد موسوی، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ نخست، ۱۳۸۵.
۱۵۲. ناتل خانلری، پرویز، هفتاد سخن، تهران، توس، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۱۵۳. ناگهان بهار: مجموعه غزل شاعران حوزه علمیه قم، به کوشش: یدالله گودرزی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۳.
۱۵۴. نسیم غدیر: غدیریه هایی از شاعران امروز، جمع و تدوین: علی رضا میرزامهد، تهران، مرکز آموزش و پژوهش دفتر بررسی اسلامی، اسفند ۱۳۷۸.
۱۵۵. نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله، به اهتمام: محمد معین، تهران، صدای معاصر، چاپ دهم، ۱۳۷۶.
۱۵۶. نظامی گنجه ای، کلیات خمسه نظامی گنجه ای، تهران، امیر کبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۷.
۱۵۷. نگرشی موضوعی بر وصیت نامه امام خمینی (ره)، تهران، دانشگاه امام حسین (علیه السلام) با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ نخست، پاییز ۱۳۷۶.
۱۵۸. نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول با ترجمه فارسی، برگردان و فراهم آورنده: ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، بی تا.
۱۵۹. واحد روابط عمومی و بین الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، حج خونین: گزیده اشعار سروده شده به مناسبت فاجعه

خونین مکّه مکرمه و در رثای شهدای گران قدر حج ۱۳۶۶، تهران، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، بهمن ۱۳۶۷.

ص: ۱۸۷

۱۶۰. واحد روابط عمومی و بین الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شعر شهادت، تهران، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۶۷.

۱۶۱. هراتی، سلمان، از آسمان سبز، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نخست، آذر ۱۳۶۴.

۱۶۲. یاحقی، محمدجعفر، جویبار لحظه‌ها: جریان‌های ادبی معاصر ایران، تهران، جامی، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۱۶۳. چون سبوی تشنه: تاریخ ادبیات معاصر فارسی، تهران، جامی، چاپ نخست، ۱۳۷۴.

۱۶۴. یادنامه استاد مهرداد اوستا، به کوشش: محمدحسین رحمانی، قم، مرکز بررسی‌های اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۷۳.

۱۶۵. یاسایی، محمدحسین، «تأثیر قرآن در آثار سعدی»، مجموع مقالات ذکر جمیل سعدی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، جلد سوم، پاییز ۱۳۶۹.

(ب) نشریه‌ها

۱. اکبرلو، منوچهر، «دارم اندر دست خونین جامه‌ای ... نگاهی اجمالی به مرثیه‌سرایی در ادب پارسی»، جوان، ۸/۱/۱۳۷۸.

۲. بهداروند، محمد مهدی، «ویژگی ادبیات دینی»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۷۷، تیر ۱۳۸۰.

۳. بهرامی سیاوشانی، داود، «هنر مقبول و تعهدات مکتبی»، پیام آزادی، ۷/۷/۱۳۷۸.

۴. تسخیری، محمدعلی، «شعر انقلابی پس از صدر اسلام»، کیهان فرهنگی، شماره ۲۰۵، آبان ۱۳۸۲.

۵. رحمانی، صادق، «کوتاه درباره شعر دینی»، جام جم، ۲۳/۸/۱۳۷۹.

۶. زارعی، احمد، «ارزیابی شعر انقلاب اسلامی بر پایه میراث فرهنگی»، مجله شعر، شماره ۱۷.

۷. زرشناس، شهریار، «شعر؛ زبان ملکوت»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۶۰، بهمن ۱۳۷۸.

۸. صحتی سردرودی، محمد، «شعر و شاعری در آینه شریعت»، مجله شعر، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۷۵.

۹. کاظمی، محمد کاظم، «ادبیات دینی از دیروز تا امروز»، قدس، ۳/۳/۱۳۷۹.

۱۰. «ادبیات دینی؛ باید‌ها و نباید‌ها»، نگاه حوزه، شماره ۶۹ و ۷۰.

۱۱. «انقلاب اسلامی و شعر مذهبی در ایران»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۶۰، بهمن ۱۳۷۸.
۱۲. کاکایی، عبدالجبار، «بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان»، جمهوری اسلامی، ۷/۹/۱۳۸۰.
۱۳. ماری شمیل، آنه، «شعر دینی در جهان معاصر اسلامی»، برگردان: سید حسن اسلامی، کیهان اندیشه، شماره ۶۱.
۱۴. محدثی خراسانی، مصطفی، «شعر انقلاب و نگاه تازه به مفاهیم دینی»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۶۰، بهمن ۱۳۷۸.
۱۵. نمکی آرانی، میثم، «شعر، غدیر و علی (علیه السلام)»، کیهان فرهنگی، سال هفتم، شماره ۱۷۰، آذر ۱۳۷۹.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

